

آموزشی آب‌داری

رشد

ماهنامه‌ی آموزشی، تحقیقاتی و
اطلاع‌رسانی برای آموزگاران، دانشجویان و معلمان
و کارشناسان وزارت آموزش و پرورش
دوره‌ی بیست و چهارم | ۱۳۹۸
شماره‌ی بی‌دری | ۱۹۷ | ۴۸ صفحه
www.roshdmag.ir | ۳۵۰۰۵ ریال

انستیتوت عالی
تحقیقاتی و پژوهشی
وزارت آموزش و پرورش

- رشد مجازی
- باغبان خوب
- ارزیابی‌های شیرین



امام علی(ع) در شب شهادت

امام علی(ع) در ماه رمضان سال ۴۰ هجری قمری، پیوسته از شهادت خود خبر می داد. از جمله اینکه فرمود: «ماه رمضان فرا رسید و آن سرور ماههاست. در این ماه دگرگونی پدید می آید. آگاه باشید که شما در این سال در یک صف (بدون امیر) حج خواهید کرد و نشانه اش این است که من در میان شما نیستم.»

این وعده را پیامبر اکرم (ص) به وی داده بود. علی (ع) خود نقل می کند که پیامبر (ص) در پایان خطبه ای گریه کرد. عرض کردم: چرا گریه می کنی؟ فرمود: برای سرنوشتی که در این ماه برای تو پیش می آید؛ گویا می بینم تو مشغول نماز هستی و شقی ترین مردم جهان، ضربتی بر فرق تو فرود می آورد و محاسنت را با خون رنگین می کند.



آموزشی ابتدایی

ماهنامه‌ی آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی برای آموزگاران، دانشجویان معلمان و کارشناسان وزارت آموزش و پرورش
دوره‌ی بیست و چهارم | شماره‌ی بی دربی | ۱۹۷ | صفحه ۳۵۰۰۰ | روال | www.roshdmag.ir

فهرست

- ۲ حلاوتی دگر / اصغر ندیری
- ۴ یک زمستان، یک روستا، یک انار / حامد ابتهاج
- ۶ فصل بلاتکلیفی / دکتر علیرضا جحدی آریا، فاطمه نور شرق
- ۸ این «کلاس» چهار بخش است / دکتر لیلا سلیقه‌دار
- ۱۱ فاطمه بهترین است / عاطفه جیرخالص
- ۱۲ الگوی مطلوب آموزش قرآن در کلاس‌های چندپایه / رضا نباتی
- ۱۶ حلال مشکلات / دکتر حسا قربانی بوانی، دکتر احمد رضا آذربایجانی
- ۱۸ رشد حجازی / مینا رئیس‌زاده
- ۲۰ گل شیعردانی / حسین جعفریه
- ۲۱ ره صدساله / زهرا ابدی
- ۲۲ معلم باهوش یعنی این / کبری محمودی
- ۲۴ تصویر مانا / حسین قاسم‌پور اقدم
- ۲۶ آچار دربیابوریم / حسینی ناهی ساعی
- ۲۸ از حدار به دست گرفتن تا جشنواره‌ی نوشتن / بهروز آیرطوی
- ۲۹ شعاری که محقق شد / فاطمه الیاسی
- ۳۰ اطلای سنگی / الهه دیبی
- ۳۱ بوسه‌ی روز معلم / سیه خاکباش
- ۳۲ بالتر از سیاهی / روح‌الله هالیر
- ۳۴ چشم ذهن / فریده مغیثی
- ۳۵ باغبان خوب / فریبا مؤیدنیا
- ۳۶ ارزیابی‌های شیرین / ساناز کیا
- ۳۷ قدم به قدم با عشق / مریم اعرابی
- ۳۸ صهارت‌های نرم، برای زندگی کارآمد / سیدحسین وکیلی
- ۴۰ شوک هدفینز / حانیه سورگی
- ۴۲ تحلیل محتوای کتاب‌های قرآن دوره‌ی ابتدایی / ریحانه شریفی دارانی
- ۴۴ تلاش و ضدتلاش / حمید کاظمی
- ۴۸ روزی مبارک / اعظم لاریجانی

به نام خدا

اللهم صل علی محمد و آل محمد

مدیر مسئول: محمد ابراهیم محمدی
سردبیر: اصغر ندیری
شورای برنامه‌ریزی: احمد رضا آذربایجانی
لیلا سلیقه‌دار، مقصود رزم‌آرای شرق
مدیر داخلی: مریم شهرآبادی
ویراستار: کبری محمودی
مدیر هنری: کوروش پارسنازاد
طراح گرافیک: وحید حقی
دبیر عکس: پرویز قراگوزلی
نشانی دفتر مجله: تهران، ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۶۶
تلفن: ۸۸۳۹۱۷۸ - ۰۲۱
۹ - ۸۸۳۱۱۶۱ - ۰۲۱ (داخلی ۴۲۹)
نماینر: ۸۸۳۰۱۴۷۸ - ۰۲۱
وبگاه اختصاصی: www.eb.roshdmag.ir
رایانامه: www.roshdmag.ir
پیام‌نگار: ebtedayi@roshdmag.ir
چاپ و توزیع: شرکت افست
صندوق پستی امور مشترکین: ۱۵۸۷۵/۳۳۳۱
تلفن امور مشترکین: ۰۲۱ - ۸۸۸۶۷۳۰۸



تصویری جلد آرشویی و مربوط به قبل از شیوع بیماری کرونا است.

قابل توجه نویسندگان و مترجمان:

- مقاله‌هایی که برای درج در مجله می‌فرستید، باید با اهداف و رویکردهای آموزشی - تربیتی و فرهنگی این مجله مرتبط باشند و نباید قبلاً در جای دیگری چاپ شده باشند.
- مقاله‌های ترجمه شده باید با متن اصلی هم‌خوانی داشته باشند و متن اصلی نیز همراه آن‌ها باشد. چنانچه مقاله را خلاصه می‌کنید، این موضوع را قید بفرمایید. ● مقاله یک خط در میان، بر یک روی کاغذ و با خط خوانا نوشته یا تایپ شود. مقاله‌ها می‌توانند با نرم‌افزار «ورد» و روی «الوح فشرده» و یا از طریق پیام‌نگار مجله ارسال شوند. ● نثر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه‌های علمی و فنی دقت لازم مبذول شود. ● محل قراردادن جدول‌ها، شکل‌ها و عکس‌ها در متن مشخص شود. ● مقاله باید دارای چکیده باشد و در آن هدف‌ها و پیام نوشتار در چند سطر تنظیم شود. ● کلمات حاوی مفاهیم نمایه (کلید واژه‌ها) از متن استخراج و روی صفحه‌ای جداگانه نوشته شوند. ● مقاله باید دارای تیتراژ اصلی، تیتراژ فرعی در متن و سوتیتر باشد. ● معرفی‌نامه‌ی کوتاهی از نویسنده یا مترجم، عناوین و آثار وی پیوست شود. ● لازم به ذکر است مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله‌های رسیده مختار است. ● مقالات دریاقتی بازگردانده نمی‌شود. ● آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبین رأی و نظر مسئولان مجله نیست. ● علاوه بر این نکات، ضروری است به نکات مهم‌تری که در صفحه‌ی ۴۶ درج شده، توجه فرمایید.

حلاوتی دگر



اصغر ندیری

وقتی می‌خواهم به مناسب این ایام بگویم، همکار گرامی، آموزگار من، روزت مبارک، به این عبارت پرمغز می‌رسم که «سخن نو آر که نو را حلاوتی دگر است»، و سکوت پیشه می‌کنم. اما به زودی به خود می‌آیم که هر روز روزی دیگر و فرصتی است برای نوآفرینی، ارتباط و گفتن هر آنچه در نهان ماست. و البته بیش از این گفتن در این مقام محال است و لاجرم باید میدان را به دیگر عزیزان سپرد که دل و دهانشان مملو از ناگفته‌هاست و می‌خواهند با معلمان خود هم کلام شوند. لذا در همین اثنا همه‌ی مخاطبان و دوستان ارجمند را تا دوره‌ی بعد به خداوند می‌سپارم و دعوت می‌کنم به پیام‌های برخی نویسندگان مجله و همکاران گرامی توجه فرمایند.

هستی‌شناسی معلم

تاکنون فکر کرده‌اید اگر یاد گرفتن و یاد دادن در عالم نبود، چه می‌شد؟ غیر طبیعی است که کسی طبیعت را دوست نداشته باشد؛ خود واژه‌ی «طبیعت» هم اسم مفعول و هم اسم فاعل و به معنای «نقش‌دهنده» و «نقش‌پذیرنده» است. در اصل خود طبیعت، هم یاددهی و هم یادگیری دارد. برای همین، طبیعت همیشه تازه‌است. شاید از همین رو، یکی از مهم‌ترین معلم‌های بشر، طبیعت بوده‌است. این جریان یادگیری و یاددهی درست مثل نفس کشیدن است. یک نفس می‌رود و جسم و جان را تازه می‌کند و یک نفس بیرون می‌آید تا درس خود را از حیات بخشی نفس قبل پس دهد و مهیای دریافت درسی دیگر باشد. گویی نفس کشیدن هم خود یادگیری است. بیهوده نیست هر کسی در مقابل یادگیری بایستد، خود را به هلاکت انداخته است و گویی مقابل نفس کشیدن ایستاده‌است. دم چو فرورفت‌هاست، هوست چو بیرون رود

یعنی از او در همه، هر نفسی‌های و هوست آیا تاکنون دیده‌اید معلمی بدون یادگیری یاد بدهد؟ آیا باز دم بدون دم معنا دارد؟ چگونه آدمی نفسی را باز پس دهد که آن را پیش تر نگرفته است؟ و آموزگاران ما از آن روی که مدام در حال یاد دادن هستند، مدام در حال یاد گرفتن‌اند. یاد گرفتن آموزگار نه فقط از لابه‌لای نوشته‌های کتاب‌های درسی است، بلکه از رنگ و عطر و بوی نفس‌های یادگیرنده نیز مدام در حال یادگیری هستند. نقش‌دهی آموزگار بر جانی است که مدام تازه و نو می‌شود و همین گفت‌وگو با تازگی است که او را تازه و نو می‌کند. اگر نقش‌پذیری نباشد، نقش دادن بی‌معناست. همان‌طور که اگر خرج کردن نبود، پول در آوردن هم احمقانه‌می‌بود. اگر دم نباشد، باز دم بی‌معناست. اگر معلم نباشد، نه نفسی هست. نه دمی هست و نه نقش دادنی. معلم یعنی نفس.

دکتر احمد رضا آذربایجانی

فضای عشق

یادم هست، وقتی ۱۲ سال داشتم، روز معلم جمله‌ای را از زبان معلم دلسوزم شنیدم که می‌گفتند شهید رجایی در جایی فرمودند: «معلمی شغل نیست، معلمی عشق است. اگر معلمی را به‌عنوان شغل انتخاب کردی، رهاش کن و اگر عشق توست، مبارکت باشد.» از آن زمان تا ۲۴ سالگی همیشه درک این جمله برای من سخت بود که به یکباره و به‌صورت کاملاً اتفاقی و در حین تحصیل در دوره‌ی دکترتواراد فضای همراه با عشق مدرسه شدم که از آن زمان متوجه عشق در معلمی شدم. از آن زمان تاکنون شش سال می‌گذرد. می‌توانم با قاطعیت بگویم، شش سال است عاشقانه شغلم و دانش‌آموزانم را دوست دارم و بسیار خرسندم که در طول دو سال اخیر توانسته‌ام این عشق خود را در تدریس و معلمی، در قالب همکاری با مجله‌ی رشد ابتدایی، در اختیار سایر جویندگان علم قرار دهم. جادار در انتها از عاشقان آموزش شهرستان کرمان (زادگاهم) و زحمتمکشان مجله‌ی رشد ابتدایی تشکر و قدر دانی کنم.

دکتر یاسین حیات ابدی

دم معرفت گرم آقا معلم!

اول، به‌خاطر آن دانش‌آموز روستایی که به تونگ زد و گفت خانه‌ی ما آتنن موبایل درست خط نمی‌دهد

و من باید برای شرکت در کلاس شما، از محیط خانه‌های روستایی بیرون بروم و خودم را برسانم بالای آن تپه. صبح ساعت هشت هوا سرد است آن بالا. اگر می‌شود ساعت کلاس درس رانزدیک وسط روز بگذارید تا من آن بالا از سرما ... و شما ساعت کلاس را تغییر دادی تا او با خیال راحت در کلاس تو شرکت کند.

دوم، به‌خاطر آن بچه‌هایی که گفتند ساعت آزمون‌ها را از وسط روز به دم غروب منتقل کن تا ما بتوانیم در کارهای روستابه پدران خود کمک کنیم و غروب در خانه به آزمون‌ها جواب بدهیم.

سوم، به‌خاطر آن دانش‌آموزی که وسط کلاس برخط گفت من بعداً مطالب درسی را از دوستانم می‌گیرم و الان دیگه نمی‌تونم آنلاین باشم... چون... چون... اینترنت من داره... الان پدر و مادرم هم... و تو آقا معلم از پول خودت، در همان لحظه، اینترنت دانش‌آموز روستایی را شارژ کردی تا او در کلاس بماند و باگوشی پدرش درس را دنبال کند.

فعلاً برای همین سه مورد از تو تشکر می‌کنم. در دوران کرونا و آموزش مجازی، تو این قدر مهربان بودی! صفای وجودت، آقای مسلم رضایی، آموزگار منطقی‌ی سپیددشت و ایستگاه راه‌آهن بیشه‌ی استان لرستان.

محمد حسین دیزجی

حساب معلمی ابتدایی جد است!

هر زمان می‌خواهم سابقه‌ی کار و تجربه‌هایم را محاسبه کنم، بی‌اختیار سال‌هایی را که در دبستان و با دانش‌آموزان ابتدایی کار کرده‌ام، یک طرف می‌گذارم و باقی فعالیت‌ها را جادار نظر می‌گیرم. مثل این است که کار با دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی رنگ و بو و حال و هوای دیگری داشته و دارد. شاید جدی‌ترین و مؤثرترین کارها به همین دوره مربوط می‌شوند. با اینکه می‌دانی ممکن است فراز و فرودهای زندگی، یادی از تو به‌عنوان آموزگار در ذهن دانش‌آموز باقی نگذارد، می‌دانی که درس‌های ابتدایی در نظر بسیاری ساده و کم‌جان در نظر گرفته می‌شوند، می‌دانی که معلم ابتدایی را ابتدای راه می‌دانند و انتهای راه را از آن مهم‌تر احساس می‌کنند، با همه‌ی این احوال، یقین داری ذات و ماهیت معلمی در دوره‌ی ابتدایی عمیق و ماندگار است. مثل اینکه ریشه‌ها را در خاک می‌گذاری و نهال که جوانه زد، به دست باغبان دیگری می‌سپاری تا شاهد رشد آن باشد. همین نگاه است که حساب روزهای معلمی با دانش‌آموزان ابتدایی را از دیگر

حساب‌ها جدا می‌کنند و هنگامی که در صفحه‌های اجتماعی، پیامی ناآشنا دریافت می‌کنم که می‌خواهد اطمینان پیدا کند من همان آموزگار دوره‌ی ابتدایی او هستم، دیگر تردیدی نمی‌ماند که اگر معلمی باشی، مخاطب هم روزی متوجه خواهد شد ریشه‌ها در همان ابتدایی است.

نمی‌توانیم نادیده بگیریم که حمله‌ی ویروس کرونا به زندگی انسان، برای بسیاری مشاغل سختی‌هایی داشته و به دگرگونی‌هایی منجر شده است. برای آموزگار، این دشواری‌ها چندین برابر بوده است. سکنداری تعلیم و تربیت از طریق و بستر فضای مجازی کار ساده‌ای نیست، اما پیچیدگی‌های فراوان برای معلم دوره‌ی ابتدایی بیشتر از آن است که تصور آید. کودکی که تازه دارد به دنیای تفکر انتزاعی ورود پیدا می‌کند، چگونه می‌تواند همه‌ی یادگیری خود را از دنیای مجازی باور کند. از این رو، معلمی اکنون در اصطلاح، معلمی کرونایی در دوره‌ی دبستان، از آن دست تجربه‌هاست که در صورت مؤثر بودن، واقعاً حسابش از همه‌ی سال‌های دیگر معلمی جداست.

دکتر لیلیا سلیقه‌دار

دکتر لیلیا سلیقه‌دار که روزی معلم دوره‌ی ابتدایی بوده و حالا معلم معلمان دوره‌ی ابتدایی است!

سنگ بنای موفقیت

به مناسبت روز معلم حرف دلم این است: معلم بودن کار شگفت‌انگیزی است؛ چالشی، پویا و انرژی‌زا. تأثیر ما بسیار فراتر از آن است که تصور می‌کنیم. دانش‌آموزان، همکاران و افراد جامعه همیشه درباره‌ی ما صحبت می‌کنند. این ما هستیم که تعیین می‌کنیم این صحبت‌ها و مکالمات به چه سمت و سویی بروند. معلمان فقط باید بر آنچه به نفع دانش‌آموزان است متمرکز باشند.

آموزگاران سنگ‌بنای موفقیت دبستان‌ها هستند. به نظر من، اغلب مخاطبان مدرسه‌ها، یعنی دانش‌آموزان و اولیا نیز همین دیدگاه را دارند. برای مثال، اگر از آموزگار فرزندان رضایت داشته باشید، مدرسه‌ی او مورد تأییدتان خواهد بود. واقعیت این است که دانش‌آموزان غالباً از شروع تحصیل بابتش از ده‌ها معلم سروکار پیدا می‌کنند، اما زمانی که از آنان در مورد اثربخشی معلم‌هایی که در دوران مدرسه داشته‌اند سؤال می‌کنیم، آن‌ها تنها کسانی را به یاد می‌آورند که شأن و مقام انسانی و توانمندی‌های آنان را دیده و بر زخم‌هایشان مرهم گذاشته و با نگرش

مثبت، با کلام امیدوارکننده و رفتارهای سنجیده، باور و اعتماد خود را به دانش‌آموزان انتقال داده‌اند. تجربه نشان می‌دهد، کودکان حاضرند هر کاری برای این گونه آموزگاران انجام دهند تا به آن‌ها ثابت کنند در قضاوتشان اشتباه نکرده‌اند. آن‌ها این باور مثبت را همانند هدیه‌ای نفیس در سراسر عمر خود همراه خواهند داشت (بازرگان، ۱۳۹۵).

اغلب دانش‌آموزان به درسی علاقه پیدا می‌کنند که معلمش را دوست داشته باشند و چه بسا شغلی را که برای خود برگزیده‌اند، تحت تأثیر شور و هیجان آن معلم برای موضوع درسی‌اش قرار داشته است. این قدرت معلمی کردن است.

با وجود اینکه همه‌ی آموزگاران اصول و نظریه‌های آموزشی را مطالعه می‌کنند و دوره‌ی کارآموزی می‌گذرانند، با شروع فعالیت شغلی، تفاوت فاحشی در عملکرد خود نشان می‌دهند. پس تفاوت بین آموزگاران تنها در میزان دانش علمی و سواد آن‌ها نیست، بلکه باید در جست‌وجوی عوامل دیگری چون چگونگی عملی کردن دانسته‌ها در سایه‌ی نگرش ویژه‌ی آن‌ها به کلاس، تدریس و آموزش بود. چنین آموزگارانی، کارگزاران فکوری هستند که تفکر در حین عمل را به عنوان یک هنجار حرفه‌ای پذیرفته‌اند (مهر محمدی، ۱۳۷۹). آن‌ها به خوبی می‌دانند که کلاس و تدریس بی‌نهایت پیچیده‌اند و در آموزش تنها یک پاسخ یا راه حل وجود ندارد.

پس همواره در صدد بهبود مهارت‌های حرفه‌ای‌شان بوده و اشتیاق عجیبی برای بهتر شدن دارند. بنابراین آموزگاران شایسته هرگز فراموش نمی‌کنند که آنان تعیین‌کننده‌ی کیفیت مدرسه هستند. اجرای تشویق مؤثر و انضباط کلاسی دو نمونه از توانمندی‌های معلمان موفق در مقایسه با همکارانی است که تشویق‌های غیرمؤثر و مدیریت کلاس ضعیف دارند. آموزگاران شایسته، در شروع سال تحصیلی، انتظارات خود از دانش‌آموزان را واضح و روشن بیان می‌کنند و بدون هیچ‌گونه سهل‌انگاری، در طول سال هم با جدیت همان انتظارات را پیگیری می‌کنند. در واقع دانش‌آموزان را، با ایجاد ارتباط مناسب، مشتاق پاسخ‌گویی به سطح انتظارات کلاس و معلم خود می‌کنند. آنان مدیریت کلاس درس را هوشمندانه انجام می‌دهند و هنگامی که حرفی می‌زنند، به آن عمل می‌کنند. بدرفتاری دانش‌آموز را در لحظه نادیده می‌گیرند و مانع جلب توجه کلاس و اجرای نمایش او می‌شوند. در موقع عصبانیت و تحت فشار کاری واکنش نشان نمی‌دهند. با این کار به خود زمان

می‌دهند تا قبل از اینکه صحبتی کنند، در مورد آن بیندیشند و بهترین شیوه را انتخاب کنند.

اگر بهترین آموزگار یک دبستان، تکلیفی بدهد و دانش‌آموزان نتوانند به خوبی آن را انجام بدهند، چه کسی را باید ملامت کرد؟ جواب قابل پیش‌بینی: خود آموزگار.

آموزگاران موفق می‌دانند که خودشان تنها عنصر قابل تغییر کلاس هستند. آن‌ها مدام در پی بهتر شدن هستند و تمرکزشان تنها بر ایجاد تغییر در رفتار خودشان است نه تغییر رفتار دیگران. موفقیت در هر زمینه‌ای، از تمرکز بر خود آغاز می‌شود و معلمان بر موردی تمرکز می‌کنند که قادر به تغییر آن هستند: یعنی عملکرد خود. یکی از نشانه‌های آموزگاران حرفه‌ای، توانایی آن‌ها در ایجاد جو مثبت در کلاس درس است. واقعیت این است که موارد بسیاری برای ناامید کردن آموزگار وجود دارند؛ از جمله: والدین شاک، دانش‌آموز در درس‌ساز و منابع محدود مالی. این موارد دل‌سردکننده و ناخوشایند، واقعیت‌ها یا اجزای جدانشدنی کار و زندگی محسوب می‌شوند. اما آموزگاران شایسته، هر روز با همه با احترام برخورد می‌کنند.

نقل قول جالبی از لئو تولستوی در وصف بهترین معلم داریم: بهترین معلم کسی است که قابلیت خلق روش‌های تازه دارد. بهترین روش‌ها روش خاصی نیست، بلکه یک هنر است.

شیرین فراهانی

دبستان اردیبهشت، ناحیه‌ی ۳ کرکج

بزرنگاه تاریخی

مادران، پدران و آموزگاران عزیز، هم‌اکنون که در بزرنگاه تغییر زمانه و نوشتن تاریخی و فرارسیدن بهار هستیم، «تاریخ» را برای کودکان و دانش‌آموزان به شکل حکایت و قصه بیان کنید. بیان زندگی بزرگان، مشاهیر و معصومان (ع)، به زبان ساده، می‌تواند راهنمای دانش‌آموزان و همچنین شکل گرفتن خودکار صفات و کمالات آن بزرگان در مخاطب باشد.

حال که نیاز است بیشتر از گذشته از وسایل الکترونیک و رایانه‌ای در تعلیم و تربیت و زندگی استفاده کنیم، به یقین با اندکی صبر و نگاه به تاریخ، کودکان را برای آینده و رسیدن به آرمان‌های الوالی انسانی مهیا کنیم.

دکتر احسان‌الله محمدی

حامد ابتهاج

حبیب فرشباف متولد ۱۳۲۳ در تبریز است. از سال ۱۳۴۲ در روستاهای آذربایجان معلم بوده است. او همچنین از شاعران حوزه‌ی کودک و نثر بزرگسال است. در این فرصت او را نه تنها به واسطه‌ی آموزگار بودنش، بلکه یک فعال اجتماعی خواهیم دید که بعد از بازنشستگی خود را وقف کودکان کار کرده است.

یک زمستان یک روستا، یک انار

حبیب فرشباف، آموزگار بازنشسته اما فعال

آموزگار، حرفه آموز و خادم کتاب

فرشباف در منطقه‌ی مولوی و «خانه‌ی کودک شوش» در تهران به آموزش‌های جبرانی درسی و حرفه‌آموزی به کودکان کار مشغول است. او از رسانه‌ای شدن چندان رضایت ندارد. در جواب ماکه پرسیدیم چرا آموزگار شدید، می‌گوید: «اگر بار دیگر به دنیا بیایم، معلمی به ویژه در روستاهای آذربایجان را انتخاب خواهم کرد.»

او از سال ۱۳۹۵ با یاری دوستان نویسنده‌اش پویشی به نام تجهیز کتابخانه‌های مدرسه‌های روستایی استان‌های شمال غرب کشور راه انداخته که تا حال توانسته‌اند کتابخانه‌ی ۸۷ مدرسه‌ی روستایی را تجهیز کنند.

مجموعه داستان کوتاه

«یک زمستان، یک روستا، یک انار» نام مجموعه‌ی داستانی کوتاهی از حبیب فرشباف است که مرتضی مجدفر آن را از ترکی آذری به فارسی برگردانده است. فرشباف همچنان که روایتگر حوادث و قصه‌های روستاست، عکاس ماهر است که در میانه‌ی سال‌های ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۴ عکس‌هایی از روستاها گرفته و در سال ۱۳۹۸، در نمایشگاهی با عنوان «از کرانه‌های ارس» آن‌ها به نمایش گذاشته است. ردیف آخری‌ها یکی از داستان‌های این کتاب است که در ادامه می‌خوانید.

ردیف آخری‌ها

جواب مسئله هم می‌شود: دوازده. این هم درسته.
جواب سؤال آخر هم می‌شود: زاویه‌ی قائمه. این هم درسته.

همه‌اش درسته، آفرین! نمره‌اش بیست. وقتی به اسمی که بالای ورقه نوشته شده بود، نگاه کردم، باورم نشد. باز هم جواب همه‌ی سؤال‌ها را از اول تا آخر نگاه کردم: «خیلی عجیبه! جواب تمام سؤالات درست نوشته شده!»



اگر بار دیگر به دنیا بیایم، معلمی و به ویژه در روستاهای آذربایجان را انتخاب خواهم کرد.



- راستش را بگو... ورقه‌ی ائلدار را چه جوری به دست آوردی؟ - آقا! به خدامن ورقه‌ی اونون دیدم.
- پس اون موقع کی اسم تو رو روی ورقه‌ی اون نوشته؟

بایرام، درحالی که گریه می کرد، گفت: «آقا! به خدا خودش نوشته!»

این حرف، مرا بیشتر عصبانی کرد: «آخه چطور ممکنه؟ یعنی چی خودش نوشته؟»

- آقا؟! پریروز من و ائلدار گوسفندهامون برده بودیم چرا. از او خواستم به من ریاضی یاد بده. بهش گفتم وقتی نمره کم می شه، پدرم دعوا می کنه. ائلدار هر کاری کرد، من یاد نگرفتم... آخر سر گفت تو کاریت نباشه.. روز امتحان، تنها بالای ورقه، به جای اسم خودت، اسم منو بنویس... من هم نوشتم.

در همین موقع بچه‌های ردیف آخر خندیدند. وقتی کلاس را از نظر می گذراندم، چشمم به ائلدار افتاد. او سرش را به روی میز گذاشته بود و به آرامی گریه می کرد.

جایم بلند شدم. چراغ را بی سروصدا روشن کردم و دوباره به ورق زدن اوراق امتحانی مشغول شدم: آذری، مرادی و بالاخره ائلدار سالم. ورقه‌ی بایرام را با ورقه‌ی ائلدار جلوی خودم گذاشتم و با یکدیگر مقایسه کردم. هیچ کدام از جواب‌ها شبیه هم نبودند و حیرت‌انگیزترین بود که همه‌ی جواب‌های بایرام درست بود، ولی ائلدار بعضی از پاسخ‌ها را غلط نوشته بود.

مسئله سخت‌تر از آن شده بود که به راحتی حل شود. آخر ائلدار، شاگرد ممتاز کلاس بود. سر جایم خشکم زد. چشم‌هایم را به نقطه‌ای دوختم و به فکر فرو رفتم. چیزی را یافته بودم که خنده به لبانم آورده بود. از عمق وجود، نفسی به راحتی کشیدم، چراغ را خاموش کردم و خوابیدم.

- بفرمایید!

بعد از اینکه سر جایم نشستم، بایرام را خواستم و از او پرسیدم:

با تعجب شروع به فکر کردن کردم: «آخر چطور ممکن است بایرام دشتی که همه‌ی امتحانات قبلش، کمتر از ده گرفته، به دفعه بیاد و بیست بگیره!»

جلسه‌ی گذشته را به یاد آوردم. وقتی گچ را زمین گذاشتم و کلاس را از نظر گذراندم، دیدم بایرام مات و مبهوت به من نگاه می کند. بنابر این از نو درس را تدریس کردم. این اتفاق نه تنها در جلسه‌ی گذشته، بلکه در بسیاری از کلاس‌های قبلی هم تکرار شده بود.

«شامون راز هر کردی...» اعتراض و گله‌ی همسرم بود که از آن طرف اتاق به صدا در آمده بود. درست است که لقمه‌ی آخر را به زور قورت داده بودم، ولی بیست بایرام کاملادر گلویم گیر کرده بود.

هنوز هم همسرم غر می زد: «صبح می‌ری، شب می‌یایی... این هم در سرهای داخل خونه است...» ولی من بدون توجه به غرزدن‌های او، به بیست بایرام فکر می کردم.

خوابیدیم، ولی وقتی به یاد آوردم این بچه پیش چه کسی می نشیند. لحاف را به کنار انداختم و از



حبیب فرشباف ۲۰ ساله و دانش آموزان اولین کلاس او در سال ۱۳۴۳

فصل بلا تکلیفی!

اوقات فراغت کودکان و تابستان

دکتر علیرضا محمدی آریا
فاطمه نور شرق

پس از گذراندن اوقات تحصیلی و مطالعه‌ی مستمر و بی‌وقفه، و فشار ذهنی و روانی ناشی از گذراندن کرونا و امتحانات، اوقات تابستان فرا می‌رسند. در حالت عادی تعطیلات تابستانی در تأمین بخشی از نیازهای جسمی و روانی کودکان و نوجوانان مؤثرند. طبق استانداردهای بین‌المللی، تعداد روزهای فراغت آموزشی در کشورهای دیگر ۸۰ روز در سال و در کشور ما ۹۰ روز است. امروزه در دنیای مدرن فناوری و با توجه به شرایطی مانند همه‌گیری کرونا، بخش مهمی از برنامه‌ها و

فراغت مطرح می‌شوند، می‌توان به صورت زیر خلاصه کرد:

- نیازهایی که به هنگام گذراندن اوقات فراغت ارضا می‌شوند؛
- کارکردی که با گذراندن اوقات فراغت تحقق می‌پذیرد؛
- ابزار گذراندن اوقات فراغت، با توجه به شکل‌هایی که پیدامی‌کند و تأثیر فنون و وسایل ارتباط جمعی بر آن؛

● روابط بین گذراندن اوقات فراغت با دیگر فعالیت‌های فرد و نیز یادگیری عوامل اجتماعی؛

● نتایج و آثار فرهنگی، اخلاقی، روانی، اجتماعی و جنبه‌های اقتصادی گذراندن اوقات فراغت.

برای استفاده‌ی بهتر از اوقات فراغتی که به این‌سان تبیین شده است، می‌توان برنامه‌های متنوعی را پیش‌بینی کرد. تشکیل اردوهای مجازی و شرکت دادن کودکان در کارها و خدمات عمومی برخط می‌تواند به رشد اجتماعی و تجربه‌آموزی آنان کمک کند. ایجاد میدان‌های ورزشی و شکل دادن به ورزش‌هایی که جنبه‌ی قهرمانی نداشته باشند و تنوع

آموزش‌های دانش‌آموزان (و البته بزرگسالان) در زمان‌هایی اتفاق می‌افتد که به مانند تعریف گذشته نیست و به وقت آزاد و حتی اوقات فراغت آن‌ها تعبیر شده است؛ چگونگی گذران این اوقات می‌تواند در رشد آن‌ها تأثیربخش باشد و بازدهی آن قطعاً به آینده‌ی کودک و جامعه بر خواهد گشت.

اوقات فراغت به معنای بی‌برنامگی، بی‌مسئولیتی و آزادی بی‌قید و شرط نیست، بلکه بخشی از ساعاتی است که برای گذراندن آن به دقت بیشتری نیاز است؛ به خصوص اگر بخشی از آن با تعلیم و تربیت و آموزش کودکان و نوجوانان همسو باشد، باید از برنامه‌ریزی‌های دقیق‌تری برخوردار شود.

امروزه پدران و مادران و آموزگاران بیش از پیش به مسئولیت‌هایشان آگاهی یافته‌اند. تربیت فرزند به امری پیچیده مبدل شده و اولیا به فکر برآوردن هم‌زمان نیازهای آموزشی و تفریحی فرزندان خود هستند. اندیشه‌ی جای دادن کودک در گروه‌های متعدد، تدارکات لازم برای زندگی اجتماعی و دیگر دغدغه‌های مشابه، دوران کودکی و نوجوانی را در جوامع امروزی دستخوش تحولات عمده‌ای کرده است.

بر اساس طبقه‌بندی بین‌المللی فعالیت‌ها، تمامی فعالیت‌های انجام شده توسط فرد در طول شبانه‌روز به ۱۵ گروه اصلی تقسیم می‌شوند که از آن میان پنج گروه شامل «مشارکت اجتماعی، بازدیدها، سرگرمی‌ها، ورزش و استفاده از رسانه‌های جمعی» فعالیت‌های گذران اوقات فراغت نامیده می‌شوند.

در زمان اوقات فراغت، کودکان معمولاً فعالیت‌های غیررسمی را بیشتر می‌پسندند؛ به خصوص که فعالیت‌ها از طرف گروه هم‌سالان باشند، در انتخاب آن‌ها آزادتر باشند، مشورت بیشتری با آن‌ها شده باشد و به آن‌ها اهمیت بیشتری داده شده باشد. این باعث می‌شود فعالیت جذاب‌تر و تأثیرگذارتر باشد. بعضی از موضوعاتی را که درباره‌ی اوقات



همچنین، بچه‌ها را تشویق کنید اتاقشان را مرتب کنند و شما این کار را برایشان جذاب کنید. با این سرگرمی‌های ساده، از دور هم بودن لذت ببرید و مشارکت در کارها را به کودکان بیاموزید.

نقاشی کردن: برای پر کردن اوقات فراغت کودکان و وسایل نقاشی در اختیار آن‌ها بگذارید و بخواهید موضوعی خاص را نقاشی کنند، زیرا بچه‌ها در هر سنی عاشق نقاشی کشیدن هستند. برای جذابیت بیشتر، مقوای بزرگ تهیه کنید و همه‌ی خانواده را در نقاشی کردن همراهی کنید. برای ایجاد علاقه در کودکان می‌توانید برایشان کتاب رنگ‌کردنی تهیه کنید تا با رنگ کردن آن‌ها سرگرم شوند.

درست کردن کاردستی: این کار هم از دیگر کارهایی است که برای کودکان جذابیت دارد. آن‌ها در کنار ساخت کاردستی می‌توانند چیزهای زیادی یاد بگیرند. می‌توانید با کمک کودکان و با وسایلی مانند پارچه، چسب، کاموا و مقوای رنگی، شخصیت‌های کارتونی و عروسک بسازید و با کاردستی نمایش عروسکی شادی راه بیندازید و در آن نکات تربیتی را نیز به کودک آموزش دهید.

انجام ورزش‌های خانوادگی: ساعاتی را همراه آن‌ها به تفریح و ورزش مشغول شوید. مثلاً مبل‌هایتان را جمع کنید، لباس ورزشی بپوشید و کمی نرمش کنید، به پیاده‌روی خانوادگی بروید یا با فرزندتان دوچرخه‌سواری کنید.

بازی جمعی: از بازی‌های دوست‌داشتنی خانگی برای کودکان و بزرگ‌ترها، بازی با حباب، درست کردن جورچین، بازی اسم و فامیل، منج و مارپله، انجام پانتومیم، خمیربازی، دوز، شطرنج و ۲۰ سؤالی است که بسیار مفرح و سرگرم‌کننده است و می‌تواند خاطرات جالبی را رقم بزند.

مطابق با ماده‌ی ۲۷ پیمان‌نامه‌ی حقوق کودک، همه‌ی کودکان حق دارند از شرایط خوب زندگی برخوردار باشند، حق دارند بازی کنند و آموزش ببینند تا شرایط مناسب شکوفایی توانایی‌ها و رشد جسمی و معنوی و اخلاقی و اجتماعی آن‌ها فراهم شود. در نهایت، تمامی کودکان باید از تساوی حقوق و امکانات برخوردار باشند.

سرگرم‌کننده باشد و اوقات فراغت او را پر کند، اما این کلاس‌ها نباید بر کودک تحمیل شوند. شرکت در کلاس‌های متعدد اعتماد به نفس کودک را تقویت می‌کند و روابط اجتماعی را بهبود می‌بخشد. البته باید دانست، گذراندن اوقات فراغت در خانه و پای تلویزیون و رایانه موجب بی‌تحرکی، انزوای اجتماعی، کسالت و درون‌گرایی کودکان می‌شود. اگر انتخاب آموزش‌ها درست انجام شود، رشد استعدادها و جهت‌دهی مثبت به توانایی‌های دانش‌آموزان را در پی خواهد داشت؛ البته اگر کودک به آن علاقه داشته باشد و این کلاس‌ها همه‌ی ساعات او را پر نکنند.

ایجاد سرگرمی‌های ساده: انجام کارهای خانه با همکاری اعضای خانواده یکی از مهم‌ترین راه‌ها برای گذراندن اوقات فراغت تابستانی است. در کارهای خانه کودکان را مشارکت دهید؛ مثلاً هنگام درست کردن کیک یا غذا بگذارید کودک با راهنمایی شما کارهای راحت را انجام دهد.

ورزش جمعی با رعایت دستورالعمل‌های بهداشتی و ایجاد رقابت‌های سازنده می‌تواند در رشد جسمی و اجتماعی به کودکان کمک کند و روح همکاری را در آنان پرورش دهد.

ایجاد موزه‌ها و نمایشگاه‌ها، و تأسیس کتابخانه‌های مجازی کودکان را به سمت مشاهده و مطالعه می‌کشاند و دنیای جدیدی را به روی آن‌ها باز می‌کند. تهیه فیلم‌هایی با محتوای غنی و آموزنده و بخش آن در ساعاتی که به اصطلاح وقت فراغت است، وسیله‌ی دیگری برای گذراندن اوقات فراغت است. ایجاد روابط بهتر خانوادگی و بحث و نتیجه‌گیری در زمینه‌ی چگونه گذراندن وقت اضافی، به نتایجی از قبیل قدم زدن، باغبانی و گل‌کاری، کارهای دستی و جمع‌آوری کلکسیون می‌انجامد که هم لذت‌بخش است و هم تفاهم و تبادل نظر خانوادگی را گسترش می‌دهد.

بهترین راه‌های پرکردن اوقات فراغت

شرکت در کلاس‌های متنوع: شرکت در کلاس‌های متنوع می‌تواند برای کودک



این «کلاس» چهار بخش است

طراحی آموزشی مبتنی بر سبک یادگیری



لیلا سلیقه‌دار

دکترای برنامه‌ریزی آموزشی

چه کسانی؟
در خصوص سبک یادگیری الگوها و مدل‌های گوناگونی ارائه شده‌اند. از آن جمله مدل مک کارتی^۱ است. در این مدل سبک‌های یادگیری به چهار شکل قابل شناسایی هستند. او با استفاده از این سبک‌ها روشی را در آموزش طراحی کرد که شامل چهار نوع یادگیرنده و هشت مرحله در تدریس است و در بسیاری از کلاس‌های درس به عنوان طرح درس مبتنی بر تفاوت‌های فردی مورد توجه قرار دارد. ابتدا به چهار سبک یادگیری در این مدل می‌پردازیم و در ادامه سیستم MAT-4 و کاربرد آن در تدریس را معرفی می‌کنیم.

یادگیرندگان و سبک‌های یادگیری

مک کارتی (۱۹۸۰، به نقل از هیلینز، ۲۰۰۲) یادگیرندگان را بر اساس سبک‌های یادگیری آن‌ها به چهار دسته تقسیم می‌کند.



در روند آموزش و یادگیری، هر چه بیشتر به گذشته مراجعه می‌کنیم، این دیدگاه در فعالیت‌های تحصیلی به وضوح خودنمایی می‌کند که همه‌ی یادگیرندگان به شیوه‌های یکسان و مشابه هم یاد می‌گیرند. بر این اساس، طراحی آموزشی به ساده‌ترین شکل و به صورتی واحد شکل می‌گرفت و موضوع مهم وجود تفاوت‌ها در سبک‌های شناختی نادیده گرفته می‌شد. اما با ورود مطالعات سبک یادگیری به فرایند یاددهی - یادگیری، طراحی آموزشی دچار دگرگونی‌هایی شد که در روش‌های تدریس و فعالیت‌های تحصیلی تأثیر گذاشت و مقوله‌هایی مانند کلاس‌های دانش آموز محور و روش‌های فعال تدریس مطرح شدند. سبک یادگیری هر دانش آموز تعیین کننده‌ی شیوه‌ی جمع‌آوری اطلاعات، تفکر و تحلیل یافته‌ها توسط اوست. دانش آموزانی که یادگیری را با شیوه‌ی متناسب با خود دریافت می‌کنند، می‌توانند آموزش ماندگاری را تجربه کنند. بدیهی است، انتظار نمی‌رود هر دانش آموز سبک‌های یادگیری را بشناسد. ممکن است هر یادگیرنده‌ای بر انواع سبک‌های یادگیری تسلط نداشته باشد، چون تنها با شیوه‌ی خودش مواجه است. به همین دلیل، تلاش آموزگار برای شناخت سبک‌های یادگیری به صورت کلی و بهره‌مندی از روش‌های متنوع مبتنی بر تفاوت‌های فردی و در پی آن ارائه و پیگیری یادگیری‌های انفرادی، می‌تواند به طراحی آموزشی نوین منجر شود.

رد پای گزارنده!

یادگیرندگان ابتکاری

برخی دانش‌آموزان تمایل دارند یادگیری‌ها را با تجربه‌های شخصی خود ارتباط دهند و در فعالیت‌های تحصیلی همواره ردی از خودشان به جا بگذارند. برای مثال، چنین فردی، در حفظ کردن متن ادبی لحن و آهنگ خود را طراحی می‌کند و به کار می‌گیرد. به همین دلیل در رشته‌هایی مانند علوم اجتماعی و هنر که امکان آزادی عمل بیشتری دارند، موفق‌تر دیده می‌شود. این گروه از دانش‌آموزان بیشتر از دیگران نیاز دارند دلایل یادگیری هر درس یا مفهوم جدید را بدانند. بر این اساس، آموزگاران که درباره‌ی چرایی یادگیری درس شرح می‌دهند، این گروه از یادگیرندگان را با خود همراه می‌کنند. دانش‌آموزان با این سبک یادگیری در گروه عملکرد خوبی دارند و می‌توانند به ایجاد همیاری بین اعضا کمک کنند.



یادگیری را به صورتی منحصر به فرد دنبال کنند. فعالیت‌های بازی‌گونه، نمایشی و شبیه‌سازی از جمله کارهای موردعلاقه‌ی دانش‌آموزان پویشی است.

نمایشگاه دست‌سازهای دانش‌آموزان یکی از فرصت‌هایی است که نشان می‌دهد برخی از یادگیرندگان به شدت برای ارائه‌ی آنچه آموخته‌اند، در عمل مشتاق و علاقه‌مندند. این کار علاوه بر اینکه در یادگیری همه‌ی دانش‌آموزان مؤثر است، بیشتر دانش‌آموزانی را نشانه می‌گیرد که در فعالیت‌های عملی و به اجرا درآوردن و ارائه دادن موفق عمل می‌کنند.

طراحی آموزشی مبتنی بر سیستم MAT-4

روش تدریس این سیستم بر سبک‌های یادگیری چهارگانه‌ی مک‌کارتی مبتنی است. توجه به این مراحل موجب می‌شود هر چهار گروه از دانش‌آموزان مورد توجه قرار گیرند و هر کدام بتوانند به گونه‌ای با یادگیری درگیر شوند. در جدول زیر به نمایی از این روش اشاره شده است.

انگیزش: دانش‌آموزان برای انگیزه گرفتن بیشتر برای یادگیری، گاه تمایل دارند با چرایی و چگونگی مسیر یادگیری آشنا شوند. گروهی از دانش‌آموزانی که نیاز دارند فعالانه درگیر درس شوند و در فعالیت‌های کلاسی مشارکت کنند، تمایل دارند بدانند اطلاعات جدید با تجربه‌های فعلی آنان چگونه ارتباط پیدا می‌کند. این مرحله می‌تواند شامل دو بخش باشد:

الف) خلق تجربه که به دانش‌آموز اجازه می‌دهد فعالیت تازه‌ای را ایجاد کند؛

ب) تأمل روی آن تجربه که به ایجاد پیوند میان تجربه با اطلاعات گذشته منجر می‌شود.

توسعه‌ی مفهومی: بعضی دانش‌آموزان دوست دارند اطلاعات را به همان صورتی که در علم مطرح شده‌است دریافت کنند؛ منظم و مطابق با چارچوب نظری. به همین علت از شنیدن نظریه‌ها و تئوری‌ها استقبال می‌کنند. مرحله‌ی توسعه‌ی مفهوم درس را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد:

الف) تأمل‌های همه‌جانبه که با قرار دادن دانش‌آموز با متون و منابع و محتوای موردنیاز برای یادگیری بیشتر همراه است؛

دست‌ها به کار می‌آیند! یادگیرندگان حسی

ایجاد امکان تجربه‌ی عینی و دست‌کاری‌ها برای این گروه از یادگیرندگان سودبخش است. آن‌ها نیاز دارند علاوه بر دیدن، دست به انجام آزمایش بزنند، اشیاء و دستگاه‌ها را باز کنند و چگونگی کار آن‌ها را کشف کنند. دانش‌آموزان به این سبک فعالیت‌های عملی و تکالیف مبتنی بر دست‌ساز علاقه دارند.

در روش‌های تدریسی مانند آزمایشگری، معلم همه‌ی دانش‌آموزان را در موقعیت انجام آزمایش قرار می‌دهد و به گونه‌ای فعالیت‌ها را طراحی می‌کند که یادگیرندگان بتوانند خودشان فرضیه‌ها را آزمایش کنند و همانند یک دانشمند، مسیر کاربرد آنچه را به عنوان نظریه مطرح می‌شده است، خودشان ببینند. این قبیل روش‌هایی که امکان تجربه و انجام فعالیت عینی را برای دانش‌آموزان فراهم می‌کنند، برای گروهی که بخش عمده‌ی یادگیری از طریق حواسشان رخ می‌دهد بسیار لذت‌بخش است.

خودانگیزخته هستند یادگیرندگان پویشی

این گروه از دانش‌آموزان، خود را به خوبی می‌شناسند و آنچه را می‌دانند در عمل نشان می‌دهند. به همین علت در طول یادگیری فعالانه مشارکت می‌کنند. آن‌ها به کمک برداشت‌های شخصی خود می‌توانند مسیر

هنگام استفاده از روش تدریس بدیعه‌پردازی، همه‌ی دانش‌آموزان عملکرد مشابهی ندارند و تفاوت در خلاقیت آن‌ها موجب می‌شود ایده‌های مختلفی به دست آید. همان اندازه که در مراحل قیاس شخصی و قیاس مستقیم برخی بسیار ساده و در تخیل خود می‌توانند مفهوم جدید را با خودش یا مفاهیم قدیمی مقایسه کند و نظر بدهند، برای عده‌ی دیگری این کار بسیار سخت است. اغلب دانش‌آموزانی که از این روش لذت می‌برند، همان‌هایی هستند که در انجام تکالیف‌هایی که آزادی عمل دارند و می‌توانند به شیوه‌ی خود آن‌ها دنبال کنند، عالی رفتار می‌کنند.

مورا از ماست می‌کشند! یادگیرندگان تحلیلی

این گروه از دانش‌آموزان اهل تفکر و بررسی هستند و تمایل دارند مفاهیم و فرایندها را کاملاً درک کنند. بر این اساس فکر منظمی دارند از اینکه گام به گام و به ترتیب مفاهیم را دریابند، احساس خوبی دارند. آن‌ها بیشتر به کار انفرادی و تحلیلی علاقه‌مندند.

در روش تدریس کاوشگری، دانش‌آموزان هنگام رویارویی با موقعیتی که در ابتدای تدریس تحت عنوان برهم زدن تعادل در ذهن دانش‌آموز ارائه می‌شود شروع به فرضیه‌سازی می‌کنند. فرضیه‌های محکم و منطقی در ذهن افرادی ساخته و پرداخته می‌شود که می‌توانند به درستی تحلیل کنند. اطلاعات را در کنار هم قرار دهند و به نتیجه برسانند.



طرح درس	نوع یادگیرنده
انگیزش الف) خلق تجربه ب) تأمل بر تجربه	ابتکاری، تخیلی دانش آموز اطلاعات را با احساس و ادراک خود دریافت می کند. این افراد مایل اند در زمینه‌ی تجربه‌ها و یادگیری‌ها شیوه‌ی خود را جست‌وجو کنند.
توسعه‌ی مفهوم الف) تأمل همه‌جانبه ب) ارائه و توسعه‌ی نظریه‌ها	تحلیلی دانش آموز اطلاعات را با مشاهده و فکرکردن پردازش می کند و سپس نظریه‌هایی تدوین می کند.
تمرین الف) تمرین و تقویت اطلاعات ب) شخصی کردن تجربه	حسی فرد ابتدا نظریه‌ها را قالب بندی و تدوین می کند، سپس مایل است بداند که آیا این نظریه‌ها در عمل کارایی دارند؟
کاربرد الف) تهیه‌ی طرحی برای به کارگیری مفاهیم جدید ب) اجرا و سپیم کردن دیگران در آن	پویایی دانش آموز با حس کردن و احساس کردن و سپس با آزمودن راه‌هایی که می تواند این اطلاعات را به کارگیرد، می آموزد.

که به دلایل ایده آل نیاز به یادگیری دارند. عده‌ای از انجام تحقیقات مستقل لذت می‌برند، برخی یادگیری عینی و تجربه‌ای دارند و عده‌ی دیگری به خودرهبی و خوداکتشافی علاقه‌مندند. همه‌ی این‌ها از یکدیگر قابل جداسازی و به صورت وضوح قابل شناسایی نیستند. کلاس حرفه‌ای با نوعی طراحی آموزشی همراه است که در آن تنوع فعالیت‌ها می‌تواند طیف بیشتری از یادگیرندگان با سبک‌های متفاوت یادگیری را در بر گیرد.

بی‌نوشت

1. MC carthy

منابع

۱. بنتهام، سوزان (۱۳۹۸). روان‌شناسی تربیتی. ترجمه‌ی اسماعیل بیابانگرد و علی نعمتی. رشد، تهران.
۲. سلیمی، جمال و محمدی، رضا (۱۳۸۹). بررسی میزان اثربخشی سبک آموزشی مک کارتی (MAT-4) در مقایسه با سبک‌های سنتی آموزش. فصلنامه‌ی پژوهش در نظام‌های آموزشی. شماره‌ی ۸

الف) تهیه‌ی طرحی برای به کارگیری مفاهیم جدید که مطابق آن دانش‌آموزان به بازطراحی و تولید یک طرح برای انجام فعالیت یادگیری دعوت می‌شوند، مانند طراحی آزمایش و طراحی مسئله؛ ب) اجرا و سپیم کردن دیگران در آن؛ همانند تکالیفی که در آن دانش‌آموز برای اجرای عملی فعالیت‌ی موظف می‌شود.

کوتاه سخن

هر چند بسیاری از روش‌های تدریس فعال می‌توانند گستره‌ی وسیعی از سبک‌های یادگیری دانش‌آموزان را نشان‌گیری کنند، اما برخی روش‌های تدریس مانند سیستم مبتنی بر سبک‌های چهارگانه‌ی یادگیری مک‌کارتی ایده‌هایی را برای طراحی آموزشی ایجاد می‌کنند که می‌تواند راهگشای احترام به تفاوت‌های فردی در کلاس باشد. در دوره‌ی ابتدایی، دانش‌آموزان کلاس ترکیبی از همه‌ی سبک‌های یادگیری هستند و در یک کلاس واحد دانش‌آموزانی هستند

ب) ارائه و توسعه‌ی نظریه‌ها که گاه دانش‌آموزان دارای این سبک یادگیری خودشان در شکل‌گیری نظری جدید یا فرضیه‌هایی محکم نقش دارند. تمرین: برای برخی دانش‌آموزان لازم است اطلاعات ارائه‌شده در مراحل قبلی را با تمرین‌ها و فعالیت‌های عملی یاد بگیرند و آن‌ها را درک کنند. این مرحله می‌تواند به دو شکل ارائه شود:

الف) تمرین و تقویت اطلاعات که گاه با نوشتن، حل کردن مسئله، بیان شفاهی و مواردی از این دست همراه است؛ ب) شخصی کردن تجربه که شامل فعالیت‌هایی است که در آن یادگیرنده نقش مؤثری برای انجام فعالیت تمرینی دارد و به گونه‌ای شخصی سازی تجربه رخ می‌دهد. کاربرد: این مرحله دانش‌آموزان را ترغیب می‌کند راه‌هایی را پیدا کنند که بتوانند اطلاعات یاد گرفته‌شده را در موقعیت‌های جدید به کار ببرند. برای این منظور، دو بخش از فعالیت‌ها قابل بررسی هستند:

فاطمه بهترین است

عاطفه میر خالص
آموزگار - کلاله - گلستان

فاطمه بهترین بود.»
موفقیت او در ابتدا با تعجب همکلاسی‌هایش روبه‌رو شد، اما با تکرار این موفقیت‌ها، همه به توانایی‌های او اعتماد کردند. حالا دیگر فاطمه در بهترین جایگاه خود بین دانش‌آموزان کلاس بود و همکلاسی‌هایش هم تشویقش می‌کردند. دیگر صدایش نمی‌لرزید. چند باری که از او خواستم به دفتر مدرسه بروم و او را مسئول انجام کاری کردم، با اعتماد به نفس با معاون و مدیر مدرسه حرف می‌زد. او حتی توانست در مدرسه و در سومین سال تحصیلی حضورش، جایگاه خود را به دست آورد. همکارانم هم اذعان می‌کردند چقدر این دانش‌آموز کم‌رو تغییر کرده است و خوب حرف می‌زند! این شرایط باعث شد فاطمه در درس‌های دیگر هم پیشرفت قابل توجهی داشته باشد و سال تحصیلی را با موفقیت پشت سر بگذارد.



اولین خاطرات و اولین موفقیت‌ها در ذهن ماندگار می‌شوند. سال اول حضورم در مدرسه بود. من آموزگار شده بودم؛ آموزگار یک مدرسه‌ی روستایی و باصفا. در کلاس ۲۱ دانش‌آموز دختر و پسر حضور داشتند. نوبت این رسیده بود که رویاهایم برای داشتن مدرسه و کلاسی فعال و شاد را تحقق بخشم. باید به ظرافت‌های کار با دانش‌آموزان دختر و به حس غرور و قدرتمندی مردانه در دانش‌آموزان پسر توجه می‌کردم تا هر کدام با ویژگی‌های خاص خود تربیت شوند و در کنار هم رشد کنند. از همان روزهای اول دست به کار شدم. هر روز بعد از پایان تدریس و در مسیر برگشت به منزل، ویژگی‌های مثبت هر یک از دانش‌آموزانم را مرور و یادداشت می‌کردم. چقدر لذت بخش است دیدن توانایی‌های کودکان و نقاط قوت آن‌ها در زمینه‌های گوناگون!

اما همه چیز خوب پیش نمی‌رفت. من باید تلاش می‌کردم موانع را از سر راه بردارم تا به هدفم نزدیک شوم. باید برخی رفتارها را اصلاح و زیبایی و دوستی را سهم قلب و چشمان بچه‌ها می‌کردم. فاطمه دخترک معصوم، با دلب و مرتب کلاس، در هنگام حرف زدن صدایش می‌لرزید و به سؤالات با مکتب زیاد پاسخ می‌داد. این حالت باعث شده بود همکلاسی‌هایش مسخره‌اش کنند و در نتیجه او گوشه‌گیر شده بود. برای اینکه فاطمه جایگاه خود را بین همکلاسی‌هایش پیدا کند، با تشویق نقاط مثبت او شروع کردم؛ همان ویژگی‌هایی که روزانه برای هر کدام از بچه‌ها یادداشت می‌کردم. به تدریج او در بیان فردی نظراتش به من، جسورتر شد، اما هنوز هم کلاسی‌هایش او را نپندیرفته بودند.

از آنجا که اهمیت یادگیری ضرب در پایه‌ی سوم بر کسی پوشیده نیست و آنقدر که اولیا و بچه‌ها نگران یادگیری ضرب هستند، به سایر بخش‌های کتاب توجه ندارند و انگار این موضوع حیاتی شده است برای همه، از فرصت یادگیری ضرب استفاده کردم. در ضمن می‌دانستم که این نوع نگاه، حس رقابت در یادگیری و همراهی اولیا را در پی دارد و کسب موفقیت در آن، برای دانش‌آموزان افتخار محسوب می‌شود. دست به کار شدم و راهبردهای متعددی را برای تثبیت یادگیری پیش‌بینی و اجرا کردم. روزانه میزان موفقیت روش‌ها را ارزیابی می‌کردم. یکی از ارزشیابی‌ها، ارزشیابی‌های کوچک بود که با عنوان «آزمونک ضرب» انجام می‌شد. از ویژگی‌های آزمونک‌ها، سؤالات کم و متنوع، پاسخ دادن زود دانش‌آموزان به آن‌ها و در عین حال بررسی سریع و دادن بازخورد به‌هنگام آموزگار است.

دانش‌آموزانی را که پیشرفت داشتند، هر روز در کلاس معرفی می‌کردم. فاطمه در ابتدا در این آزمون‌ها پیشرفت داشت، اما به تدریج جزو دانش‌آموزان موفق شد و آزمونک‌ها را بدون اشتباه تحویل می‌داد. من هر بار در توصیف دانش‌آموزان جمله‌ای می‌گفتم. در توصیف فاطمه، پس از چندین بار موفقیتش، گفتم، «امروز

الگوی مطلوب آموزش قرآن در کلاس‌های چندپایه



رضا نباتی

مدرسه‌های چندپایه را به عنوان یک واقعیت بپذیریم
برای اینکه مدرسه‌های چندپایه را بهتر بشناسیم، ابتدا باید از غیرواقعی جلوه‌دادن آن‌ها پرهیز کنیم و بکوشیم طرح و برنامه‌های مناسب برای پیشرفت این کلاس‌ها ارائه دهیم. در کنار همه‌ی محدودیت‌ها و مشکلات فعلی، این کلاس‌ها از مزایایی به شرح زیر هم برخوردارند:

۱. زمینه‌ی آشنایی دانش‌آموزان با مطالب سایر پایه‌ها فراهم می‌شود.
۲. دانش‌آموزان امکان تکرار درس‌های سال‌های قبل را پیدا می‌کنند.
۳. یادگیری هر درس فقط به همان پایه محدود نمی‌شود و در صورت داشتن شرایط و توان لازم، می‌توان در یادگیری مشارکت کرد.
۴. آموزگاران این کلاس‌ها، نسبت به برنامه و محتوای کتاب‌های درسی دوره‌ی ابتدایی، از دانش و احاطه‌ی علمی و تجربی بالاتری برخوردارند.

رویکرد آموزش قرآن

رویکرد آموزشی قرآن در کلاس‌های چندپایه، همان رویکرد آموزش قرآن در کلاس‌های تک‌پایه است.^۱ البته با در نظر گرفتن تفاوت کلاس‌های چندپایه با کلاس‌های تک‌پایه و به‌منظور بهره‌وری بهینه و مدیریت زمان، رویکرد این برنامه «طراحی فعالیت‌های مشترک در آموزش قرآن» است.

اهداف آموزش قرآن

اهداف آموزش قرآن در کلاس‌های چندپایه همان اهداف مصوب برنامه‌ی درسی قرآن در دوره‌ی ابتدایی است:

۱. آشنایی با قرآن کریم به‌عنوان کلام الهی و کتاب آسمانی؛
۲. تقویت انس با قرآن کریم؛
۳. توانایی روخوانی قرآن به‌صورت شمرده و آرام از روی مصحف با رسم‌الخط آموزشی؛
۴. توانایی خواندن آیات کتاب درسی به‌صورت روان یا آهنگین؛
۵. آشنایی با قواعد ضروری روخوانی قرآن؛
۶. حفظ برخی از سوره‌های کوتاه کتاب درسی و آشنایی با برخی از داستان‌های قرآن کریم؛
۷. فراگیری معنای برخی از کلمات ساده و

نقش آموزش و پرورش در شکل‌گیری شخصیت کودکان به‌ویژه در دوره‌ی ابتدایی، و در ادامه‌ی آن، برای برقراری عدالت آموزشی، قابل توجه است. برای همین باید به فرایند یاددهی-یادگیری در آموزش چندپایه، به‌عنوان شکلی خاص از آموزش، توجه کرد. برای شروع باید از غیرواقعی جلوه‌دادن این کلاس‌ها پرهیز کرد.

یکی از تعریف‌هایی که برای آموزش چندپایه مطرح می‌شود، عبارت است از: «مجموعه‌ای از فنون که به آموزگاران فرصت می‌دهد به گروهی از دانش‌آموزان که از نظر سنی و توانایی‌های آموزشی گوناگون هستند، آموزشی سودمند ارائه دهند» (میلر، ۱۹۸۹).

با توجه به جایگاه رفیع و ویژه‌ای که آموزش قرآن و دستیابی به سواد قرآنی در برنامه‌ی درسی دوره‌های تحصیلی دارد، این نوشتار، با نگاهی خاص به فرایند یاددهی-یادگیری در کلاس‌های چندپایه، درصدد ارائه‌ی الگویی برای برنامه‌ریزی و آموزش قرآن در این کلاس‌هاست.



عبارات کوتاه قرآن؛

۹. تقویت علاقه به شنیدن، خواندن و فهم معنای آیات؛

۱۰. آشنایی با مفهوم برخی از پیام‌های قرآن.

حال اگر بخواهیم این اهداف را در کلاس‌های چندپایه محقق کنیم، باید آن‌ها را در قالب دو بخش دسته‌بندی کنیم:

الف. اهداف فعالیت‌های مشترک

ب. اهداف فعالیت‌های غیرمشترک

اصول حاکم بر آموزش چندپایه

برخی از اصول حاکم بر آموزش چندپایه مانند تعیین محتوا و سازمان‌دهی درس قرآن در کلاس‌های چندپایه، به شرح زیر است:

۱. محتوای آموزشی در کلاس‌های چندپایه تا حد امکان با کلاس‌های تک‌پایه هماهنگی و هم‌خوانی دارد.
۲. فعالیت‌های مشترک محتوای مشترک دارند.
۳. محتوای فعالیت‌های مشترک در هر سال تحصیلی برای کلیه پایه‌ها یکسان است.
۴. محتوای فعالیت‌های مشترک در پنج مجموعه تدوین می‌شود که در دوره‌ی پنج‌ساله، هر کدام در یک‌سال تحصیلی تدریس می‌شود.
۵. محتوای فعالیت‌های غیرمشترک با پایه‌ی

تحصیلی دانش‌آموزان متناسب است.

با توجه به تقسیم‌بندی اهداف به فعالیت‌های مشترک و غیرمشترک، محتواهای درسی هم به دو دسته تقسیم می‌شوند:

الف. محتواهای مشترک

این محتواها شامل چهار موضوع می‌شوند:

۱. شنیدن سوره‌ها و آیات قرآن کریم

و قرائت آن‌ها

۱-۱: خواندن برخی از آیات و فرازهای قرآن کریم مانند آیه‌الکرسی و دعاهای قرآنی.

۱-۲: شنیدن و حفظ برخی سوره‌های مشهور جزء سیم

۱-۳: ترجمه یا مفهوم واژگان ساده و مشترک فارسی و قرآنی

۱-۴: مفهوم کلی سوره‌ها و فرازهای قرآنی به‌صورت نظم یا نثر، متناسب با درک و فهم کودکان

۱-۵: شنیدن قرائت آموزشی سوره‌ها و آیات (لوحه و کتاب درسی) در قالب لوح فشرده

۲. پیام‌های قرآنی

۱-۲: برای دو درس یک پیام قرآنی اختصاص

یافته است.

۲-۲: هدف از یادگیری پیام قرآنی کسب مهارت

تفکر و تدبر در آیات و عبارات منتخب است.

۲-۳: با توجه به اشتراک پیام‌های قرآنی در ۶

سال تحصیلی دوره اول و دوم ابتدایی ۷۲ پیام

قرآنی مدنظر است.

۲-۴: برای هر سال تحصیلی حدود ۱۲ پیام

قرآنی با مضامین متنوع و متناسب با دانش‌آموزان

پایه‌های مختلف از پیام‌های کوتاه‌تر و ساده‌تر،

پیام‌های متوسط و پیام‌های بلند انتخاب می‌شود.

۲-۵: از تصاویر، داستان‌ها، اشعار و

ضرب‌المثل‌های مناسب با مفهوم پیام قرآنی

استفاده شود.

۲-۶: حفظ پیام قرآنی الزامی نیست و جنبه‌ی

تشویقی دارد.

۳. داستان‌های قرآنی

(یا داستان‌هایی درباره‌ی قرآن)

۳-۱: برای هر دو درس یک داستان انتخاب

می‌شود.

۳-۲: هدف از داستان تقویت علاقه‌ی

دانش‌آموزان به «خواندن قرآن» است.

۳-۳: برای هر سال تحصیلی حدود شش داستان

و برای کل دوره‌ی ابتدایی حدود ۳۰ داستان

ارائه می‌شود (در قالب داستان از قرآن، داستان

درباره‌ی قرآن، داستانک و یک نکته از هزاران).

۳-۴: برای هر سال تحصیلی، نمونه‌هایی از

داستان‌های قرآنی، درباره‌ی قرآن و آداب

خواندن قرآن به‌صورت متنوع انتخاب می‌شوند.

۴. نماز

۴-۱: عبارات و اذکار اذان، اقامه و نماز، همراه با

ترجمه ارائه می‌شوند.

۴-۲: قرائت زیبا و صحیح عبارات و اذکار فوق

در قالب نوار یا سی‌دی آموزشی ارائه می‌شود.

۴-۳: به‌منظور تشویق دانش‌آموزان به یادگیری

و شناخت نماز در هر پایه‌ی تحصیلی، تعدادی

از آیات و پیام‌های قرآنی و تصویرها و اشعاری

درباره‌ی نماز در نظر گرفته شده‌اند.

ب. محتواهای غیرمشترک

۱. روخوانی

۱-۱: متون قرآنی به‌منظور کسب مهارت لازم در

خواندن قرآن کریم

۱-۲: قواعد روخوانی همراه با کلمات، عبارات



و آیات متناسب، به‌منظور کسب مهارت لازم در کاربست قواعد

۳-۱: بیان قواعد روخوانی برای هر یک از پایه‌های تحصیلی به شرح زیر است:

پایه‌ی اول: نشانه‌ی سکون، الف ناخوانای آخر کلمه به‌صورت متمایز؛

پایه‌ی دوم: کاف بدون سرکج، تاء گرد، الف، واو و یای کوچک، تنوین، همزه (ء، ئ، ا) و حروف ناخوانای متمایز در اتصالات و غیر آن، و حرکات ناخوانا در وقف به‌صورت متمایز؛

پایه‌ی سوم: یادآوری قواعد روخوانی پایه‌ی دوم ابتدایی، پایه‌ی همزه، توپر شدن حروف ناخوانا؛ پایه‌ی چهارم: انواع وقف، حروف مقطعه، مد، ویژگی‌های خط قرآن کامل؛

پایه‌ی پنجم: یادآوری قواعد چهارم و نون کوچک (التقای ساکنین)، قرآن کامل آموزشی؛ پایه‌ی ششم: تمرین و تثبیت مهارت روان‌خوانی قرآن کامل آموزشی.

۲. درک معنای کلمات ساده و پرکاربرد قرآن

۲-۱: معنای برخی از کلمات ساده، پرکاربرد و مشترک با زبان فارسی از متون قرآنی کتاب؛

۲-۲: ترکیب‌ها و عبارات ساده، به‌منظور تمرین و کسب مهارت لازم برای معناکردن آن‌ها؛

۲-۳: متون مربوط به درک معنا در پایه‌های چهارم و پنجم در هر درس.

۳. محتوای مکمل و آزاد

۳-۱: توسعه‌ی فضاهای یادگیری با پیش‌بینی محتوای لازم برای تقویت مهارت‌های موردنظر و انس بیشتر دانش‌آموزان با قرآن کریم برای خارج از کلاس؛

۳-۲: بخش قرآن در تابستان: توجه به محتوای این بخش برای تقویت و تثبیت مهارت‌های موردنظر و تقویت انس دانش‌آموزان با قرآن کریم برای اوقات فراغت، به‌ویژه تابستان؛

روش تدریس قرآن

روش تدریس موضوعات آموزش قرآن در کلاس‌های چندپایه و تک‌پایه یکسان است. این روش‌ها به‌تفصیل در کتاب مبانی و روش آموزش قرآن دوره‌ی ابتدایی (کد ۶۰۱۱) بیان شده‌اند. رعایت مسائل زیر در تدریس موضوعات گوناگون آموزش قرآن در کلاس‌های چندپایه ضروری است:

الف. فعالیت‌های مشترک

۱. استماع سوره‌ها و فرازهای قرآنی

از آنجا که استماع آیات قرآنی یک فعالیت مشترک است و برای همه‌ی دانش‌آموزان متن و محتوای واحد دارد، این متن واحد، علاوه بر کتاب، در قالب لوحه نیز ارائه می‌شود تا دانش‌آموزان همراه با استماع و هم‌خوانی با نوار، متن آیات را نیز ببینند. هر دانش‌آموز با توجه به پایه‌ی تحصیلی و نیز مهارت‌های کسب‌شده، در خواندن این سوره‌ها و فرازها توانایی متفاوتی خواهد داشت. با توجه به این نکات، مراحل آموزش و تمرین سوره‌ها و فرازهای قرآنی به شرح زیرند:

۱-۱: آموزگار لوحه‌ی سوره یا فراز قرآنی را در جای مناسب نصب می‌کند.

۱-۲: آموزگار نوار آموزشی آیات درس را که قبلاً آماده کرده است، پخش می‌کند.

۱-۳: دانش‌آموزان بار اول هر عبارت را گوش می‌کنند و بار دوم همراه با نوار، بلند می‌خوانند.

۲. پیام قرآنی

۲-۱: خواندن متن پیام قرآنی همراه با ترجمه‌ی آن توسط چند دانش‌آموز داوطلب؛

۲-۲: تقسیم دانش‌آموزان به گروه‌های سه یا چهارنفره به‌صورت گروه‌های همگن (متشکل از دانش‌آموزان یک‌پایه) یا گروه‌های آزاد (متشکل از

دانش‌آموزان پایه‌های متفاوت)؛

۳-۲: گفت‌وگوی دانش‌آموزان هم‌گروه درباره‌ی موضوع پیام با استفاده از تصویرهای مربوط و تجربه‌های شخصی خویش؛

۴-۲: ارائه‌ی نظرات هر گروه به کلاس درباره‌ی موضوع پیام.

۳. داستان

۳-۱: معلم به روش معمول کلاس‌های تک‌پایه و با توجه به نکات لازم در داستان‌گویی، داستان درس را برای همه‌ی بچه‌ها تعریف می‌کند. هم‌چنین می‌تواند در تعریف داستان به شیوه‌های متعدد مانند داستان‌گویی و نمایش، از دانش‌آموزان پایه‌های بالاتر استفاده کرد.

۳-۲: دانش‌آموزان متناسب با پایه‌ی تحصیلی، متن داستان را از روی کتاب می‌خوانند.

۳-۳: معلم می‌تواند با تشخیص خود، در فرصت‌های مناسب از دانش‌آموزان بخواهد با توجه به توان و با استفاده از تصویرهای کتاب، داستان‌های قرآنی را دوباره برای هم‌کلاسان خود تعریف کنند.

۴. نماز

۴-۱: آموزش روخوانی اذکار نماز به کمک لوحه‌ی آموزشی پایه‌ی سوم ابتدایی تدریس می‌شود؛

۴-۲: پخش قرائت اذکار نماز و جمع‌خوانی



حفظ: دانش‌آموزان با توجه به پایه‌ی تحصیلی خود، تا پایان سال تحصیلی، چند سوره‌ی دلخواه را حفظ کنند. حفظ قرآن الزامی نیست و جنبه‌ی تشویقی دارد.

پیام قرآنی: دانش‌آموزان با توجه به پایه‌ی تحصیلی و اهداف پیش‌بینی‌شده برای هر پایه، با شنیدن یا خواندن متن پیام قرآنی و ترجمه‌ی آن بتوانند به زبان ساده و کودکانه برخی از «مصادق‌های پیام» را توضیح دهند. حفظ پیام‌های قرآنی الزامی نیست و جنبه‌ی تشویقی دارد.

داستان‌های قرآنی: دانش‌آموزان با توجه به پایه‌ی تحصیلی خود و اهداف پیش‌بینی‌شده برای هر پایه، داستان‌های قرآنی کتاب درسی را به زبان ساده و کودکانه و به‌اختصار تعریف کنند. این فعالیت جنبه‌ی تشویقی دارد.

نماز: دانش‌آموزان با توجه به اهداف پایه‌ی تحصیلی از شرکت فعال در فرایند گوش‌دادن، خواندن و حفظ ذکرهای نماز گرفته تا توانایی خواندن یک نماز چهاررکعتی، «به‌تدریج» به توانایی‌های موردنظر دست یابند.

ب. ارزشیابی فعالیت‌های غیرمشترک
ارزشیابی در فعالیت‌های غیرمشترک مطابق اصول و روش‌ها و مبانی آموزش در کلاس‌های تک‌پایه صورت می‌گیرد.

و محتوا در بخش آموزش خواندن قرآن کریم، می‌توان هم‌زمان از تدریس معلم به‌صورت معلم‌محور استفاده کرد.

۲. در فعالیت‌های «معلم‌یار»، دانش‌آموزان هر پایه یا پایه‌های نزدیک به هم، به کمک یکدیگر یا نظارت معلم‌یار، به موضوع موردنظر را تمرین می‌کنند.

نکاتی که در فعالیت‌های معلم‌یار تأکید می‌شوند:
۱. تدریس مطالب جدید هر درس فقط بر عهده‌ی معلم است و او نباید این کار را بر عهده‌ی معلم‌یار بگذارد؛

۲. آموزگار بر فعالیت‌های معلم‌یار نظارت دارد؛
۳. زمانی که معلم‌یار نقش خود را ایفا می‌کند، معلم با پایه‌ی او تدریس خاص (معلم‌محور) ندارد.

ارزشیابی پیشرفت تحصیلی

ارزشیابی این درس در کلاس‌های تک‌پایه و چندپایه یکسان است. ارزشیابی در دو برنامه‌ی مشترک و غیرمشترک، با در نظر گرفتن حد انتظارات، به این شیوه انجام می‌شود:

الف. ارزشیابی فعالیت‌های مشترک
شنیدن: دانش‌آموزان با توجه به پایه‌ی تحصیلی و اهداف پیش‌بینی‌شده از شرکت فعال در فرایند گوش‌دادن، جمع‌خوانی تا خواندن روان یا آهنگین (تقریباً شبیه نوار)، به توانایی‌های موردنظر دست یابند.

دانش‌آموزان از طریق لوح فشرده‌ی پایه‌ی سوم صورت می‌گیرد؛

۳-۴: خواندن اذکار نماز توسط دانش‌آموزان، با توجه به توانایی آن‌ها در پایه‌های گوناگون تحصیلی، از روی لوحه، تا حد امکان شبیه قرائت الگو (کتاب گویا) مورد تأکید است؛
تبصره: از سخت‌گیری در رعایت قرائت آهنگین خودداری شود.

۴-۵: انجام فعالیت‌های مکمل مانند خواندن اشعار مربوط به نماز، به‌منظور تشویق و ترغیب دانش‌آموزان به حفظ تدریجی اذکار نماز و خواندن روزانه‌ی آن؛

۵-۶: اجرای نمازهای ۲، ۳ و ۴ رکعتی در فرصت‌های مناسب در کلاس توسط دانش‌آموزان، با رعایت پایه‌ی تحصیلی آن‌ها.

ب. فعالیت‌های غیرمشترک

این فعالیت‌ها به دو صورت کلی «معلم‌محور» و «معلم‌یار» انجام می‌شوند.

۱. در فعالیت‌های «معلم‌محور»، معلم مانند روش تدریس در کلاس‌های تک‌پایه، موضوع موردنظر را به یک یا حداکثر دو پایه از پایه‌های تحصیلی دانش‌آموزان آموزش می‌دهد.
تبصره: در پایه‌های تحصیلی دوم و سوم و نیز چهارم، پنجم و ششم، به دلیل نزدیک بودن برنامه



پی‌نوشت

۱. برای آشنایی با رویکرد برنامه‌ی آموزش قرآن در کلاس‌های تک‌پایه، به کتاب مبانی و روش آموزش قرآن در دوره‌ی ابتدایی - سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی - اداره‌ی کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی، کد ۶۰۱۱ ص ۲۱ مراجعه کنید.

منابع

۱. سهیلا حاجی‌اسحاق. فرایند یاددهی- یادگیری در کلاس‌های چندپایه. کورش چاپ. چاپ ششم، ۱۳۸۳.
۲. سهیلا حاجی‌اسحاق. مدارس تک‌تاقی. کورش چاپ. ۱۳۸۸.
۳. سند پژوهشی دبیرخانه‌ی مرکزی کلاس‌های چندپایه. ارائه‌شده در جشنواره‌ی رهاوردهای نظر و عمل. محمودآباد مازندران. ۱۳۸۶.
۴. ایان برج و مایک لالی. تدریس چندپایه در مدارس ابتدایی ترجمه‌ی پرویش جعفری. دفتر همکاری‌های علمی بین‌المللی وزارت آموزش و پرورش. ۱۳۷۹.
۵. تاریخ فرهنگ ایران. عیسی صدیق. ۱۳۵۵
۶. گزارشات آماری ۱۹۸۹ (منتشر شده از سوی یونسکو در ارتباط با تحول و گسترش کلاس‌های چندپایه در جهان). کارگاه آموزش جهان. تهران. ۱۳۸۰.

حلال مشکلات

اهمیت سواد مالی برای دانش آموزان

و عمل به آن تلاش کنند، به شدت روی پول تمرکز می کنند. تلاش برای پول در آوردن خوب است، اما اگر این مهارت را نداشته باشید، نمی دانید پولی را که به دست آورده اید، چه کم باشد چه زیاد، چگونه مدیریت کنید. در واقع باید دانست، حفظ و مدیریت پول مهم تر از مقدار پولی است که به دست می آید.

نقش مربیان تربیتی در افزایش انگیزه برای سوق دادن دانش آموزان به کسب سواد مالی

معلم تفکر در کلاس مسئله ای طرح می کند: فرض کنید شما در جریان یکی از اردوهای آموزشی مدرسه دچار حادثه ای مثل خراب شدن و فرود اضطراری هواپیما، در جایی دور از کشور خود رها شده اید. در نظر داشته باشید، ارتباطات با شهرها و خانواده در همان زمان نیز قطع شده است و این ارتباط تا یک ماه آینده برقرار نخواهد شد. یعنی خواه ناخواه باید یک ماه تنها بمانید. مدیر گروه نیز در جریان حادثه آسیب دیده است و نمی تواند کمکی کند. از طرف دیگر، شما فقط برای هزینه های دو هفته پول دارید (بعضی پول برای هزینه چهار هفته را دارند و بعضی فقط هزینه یک هفته را می توانند تأمین کنند). در ضمن، در این شهر کسی به شما کمک نمی کند، ولی می توانید با سواد مالی یا کار آفرینی، اوضاع را تا زمان ارتباط با خانواده و نجات خود مدیریت کنید. در چنین شرایطی چه خواهید کرد؟

این تلنگر، اندیشه ی مانوری ذهنی را برای شاگردان ایجاد می کند تا آن ها بفهمند اولین گام برای مدیریت بحران و برون رفت، داشتن سواد مالی است. موضوعاتی مثل تجمیع سرمایه یا سرمایه گذاری، مدیریت هزینه، ورود به موضوع توجیه سرمایه گذاری و صرفه جویی در هزینه، خریدهای عمده و تقسیم بین اعضا، پیدا کردن کالاها و مکان ارزان تر در این تلنگر، اندیشه ی آن ها را با تعمق بیشتر در مورد اهمیت سواد مالی آشنا می کند. مربی برای آنکه همه مشارکت کنند، در گام اول از آن ها می خواهد به گروه های دو یا سه یا چهار نفری (بسته به تعداد افراد کلاس) تقسیم شوند. سپس از آن ها می خواهد یک مسئول گروه از بین خودشان تعیین کنند و یکی از اعضا هم منشی جلسه باشد. سپس مسئول هر گروه، با طرح مسئله و گرفتن پیشنهادها و نظر اعضا، جریان گفت و گو را مدیریت کند. هر جانفرازا با یکدیگر یکی شدند، منشی گروه آن ها را خواهد نوشت. پس از مهلتی ۲۰ دقیقه ای، توأم با انعطاف (چون بیشتر وقت ها اعضا خواهان مهلت و زمان بیشتری می شوند و تسهیلگر کلاس می تواند

زیستی و حتی اقتصادی، پیچیده تر می شوند و آن موضوع ما را به سمتی هدایت می کند که واقعاً نیازمند سیستمی هستیم که به ما یاد بدهد چگونه با سختی ها و پیچیدگی های به وجود آمده مقابله و آن ها را مدیریت کنیم. برنامه ای درسی که می تواند شما را کمک کند در جریان حل مسائل اقتصادی آگاهانه رفتار کنید، دانش مالی یا همان سواد مالی است.

دانش آموز شما وقتی بداند چگونه می تواند یک کسب و کار را تأمین مالی کند، در همان سنین کم می تواند با شغل های ساده و سودآور مال کسب کند و ارزش آفرینی کند. می تواند وسایل آموزشی بهتری بخرد، کلاس بهتری برود و حتی در زندگی موفق تر باشد.

زمانی که بدانید چه چیزی اسراف و چه چیزی خساست است، می توانید در جمع دوستانه ی خود محبوب تر باشید، یاحتی والدین خود را در مدیریت بهتر مداخل و مخارج زندگی کمک کنید. می توانید به بچه ها یاد بدهید به جای اینکه عیدی خود را با عجله خرج کنند یا در بانک بگذارند، سهام یک شرکت موفق را خریداری کنند و برای مثال ۱۰ سال بعد بتوانند با حفظ ارزش پول خود مبلغ بیشتری داشته باشند و از ارزش پولشان هم کاسته نشده باشند.

برای مثال، اگر شاگرد مادر ۹۹ ساله با مجموع عیدی خود که ۵۰۰ هزار تومان است، سهام یک شرکت دانش بنیان را خرید کند و سال ۱۴۰۹ بخواند آن را بفروشد، پول او حداقل به میزان ۵ میلیون تومان ارزش ایجاد می کند و بر سرمایه اش افزوده شده است.

وقتی دانش مالی داشته باشید، می توانید برای تفریحات خود، با پس انداز طی سال برنامه ریزی کنید و برای شادمانی خود و خواهر و برادرهای کوچک تر برنامه ریزی دقیق تری کنید، خود را بیمه کنید و بدانید چه زمانی می توانید بهترین شغل را انتخاب کنید، چه رشته ای را در آینده بخوانید که بیشترین عواید مالی را، در عین اینکه از آن لذت می برید، برایتان به ارمان بیاورد.

اکثر افراد، به جای اینکه برای یاد گرفتن سواد مالی

دکتر مهسا قربانی بوانی
دکتر احمد رضا آذربایجانی

فرض کنید سرپرستی مدرسه ای با امکانات عالی و موقعیت ممتاز را به شما بدهند. قرار است هر کس بتواند آن مدرسه را برای دو سال پیاپی به خوبی مدیریت کند، مالکیت بهره برداری یکصد ساله ی مدرسه را به صورت رایگان به او بدهند. شما برای اداره ی مدرسه کدام یک از دو مورد زیر را انتخاب می کنید:

۱. پول و منابع مالی؛
 ۲. دانش راه اندازی و مدیریت در آمد و هزینه.
- چنانچه هر دو را انتخاب کرده اید، کدام را مهم تر می دانید؟ چرا؟
- اگر شما هم فکر می کنید پول گره گشای اساسی مشکلات است، در اشتباه هستید. پول، گره گشای واقعی مشکلات نیست، بلکه سواد مالی راهگشاست. این موضوع در کشورهای توسعه یافته، از همان سنین خرد سالی، مورد توجه مربیان تربیتی و آموزش و پرورش رسمی بوده است.

چرا دانش مالی برای دانش آموز لازم است؟

سواد مالی یعنی بتوانید منابع مالی خود را به گونه ای مدیریت کنید که در طول عمر امنیت مالی داشته باشید. در کل، برای داشتن سواد مالی، نیاز است مجموعه ای از آگاهی ها و مهارت ها را به دست آورید. این مجموعه آگاهی ها و مهارت ها به شما کمک می کنند تصمیماتی آگاهانه و مؤثر در مورد پس انداز و سرمایه گذاری بگیرید.

اگر شما از طریق امکان تعمق و مانور ذهنی و از دوران کودکی بتوانید با مفهوم و نحوه ی پس انداز و سپرده گذاری و حتی سرمایه گذاری آشنا شوید، در آینده ای کوتاه تر و در سنین کمتر، درک بهتری از ثروت و تولید ثروت خواهید داشت. ما در دنیای زندگی می کنیم که هر روز مسائل پیرامون ما از جمله بیماری ها، مسائل اجتماعی و محیط



چیزی می‌خواهم اعضا شرایط جدید را درک کنند و خودمحوری را کنار بگذارند. در چنین شرایطی باید از سرمایه و امکاناتمان به بهترین نحو استفاده کنیم.» آقای هدایتی پرسید: «چرا؟ دلیلش چیست؟» محمد: «ببینید آقا! خود اعضا هم سرمایه هستند. مثلاً ممکن است یکی از اعضا پول همراهش نباشد، ولی پدرش در کار تجارت یا تولید باشد. آیا ممکن است کسی پول داشته باشد، ولی آدم و لخر جی باشد و توانایی استفاده از آن را نداشته باشد!» آقای هدایتی که راضی به نظر می‌رسید گفت نتایج گفت و گورابنویسید.

اول از همه مسئول گروه مسئله را بیان کرد. او از اعضا نظرشان را درباره‌ی مسئله پرسید و بر نوشته‌های منشی هم نظارت کرد. نفر دوم هم مسئول بود. عملکرد مدیر گروه و منشی را دید و یادآوری لازم را انجام داد.

وقتی مهلت داده شده تمام شد، آقای هدایتی خواست دوباره اعضا کلاس به شکل حلقه‌ی دایره‌ای بنشینند. خودش هم در کنار بچه‌ها در حلقه نشست. او از نماینده‌ی هر گروه خواست نتیجه‌ی گفت و گو را در مورد این مسئله بیان کنند. آن روز هر کدام از بچه‌های پایه‌ی ششم، نظری ابراز کردند:

- گروه ما اسمش «هدف» است. ما به این نتیجه رسیده‌ایم که اول باید کسانی را که پول بیشتری دارند از گروه جدا کنیم تا بقیه بتوانند تصمیم دقیق‌تری بگیرند. محمد، از گروه تلاش گفت: «ما در گام اول نیاز به یک مدیر داریم؛ مدیری که بتواند بحران را مدیریت کند. من در چند فیلم که در آن‌ها یک گروه دچار حادثه شده و در مشکلی گیر افتاده‌اند، دیده‌ام که ابتدا رئیس انتخاب می‌کنند. از کجا معلوم فقط مشکل ما پول باشد؟ شاید مسئله‌ی زبان هم باشد! مثلاً یک نفر پول دارد، ولی باید پولش را خرج مترجم کند، ولی شخصی زبان بلد است، ولی پولش کمتر است. در چنین شرایطی جدا کردن عاقلانه نیست.»

آقای هدایتی بحث را چنین جمع‌بندی کرد:
- شاید پول حلال مشکلات باشد، ولی باید یاد بگیریم چطور از آن استفاده کنیم.
- هر گروه یک رئیس می‌خواهد؛ به خصوص کسی که سرش در حساب و کتاب هم باشد.

و...
آقای هدایتی از بچه‌ها خواست در مورد درس امروز با کسی یا کسانی گفت و گو کنند و نتیجه را در سه خط بنویسند و بیاورند تا در کارگاه جلسه‌ی بعد، از همان ابتداء مورد آن نتایج گفت و گو شود.

آقای هدایتی به این شکل اعداد را روی تخته نوشت. سپس برای تقسیم‌بندی دورشان را خط کشید و از افراد هر گروه خواست با هم گروهی هایشان دور هم در یک جای نمازخانه جایی را انتخاب کنند و بنشینند. آقای هدایتی موضوع مانور ذهنی را گفت و از اعضا خواست هر گروه ظرف یک دقیقه مسئول و منشی گروه را انتخاب و درباره‌ی مسئله گفت و گو کنند. پس از ۲۰ دقیقه مهلت برای هم‌اندیشی، وقت بچه‌ها برای نتیجه‌گیری تمام شد. آقای هدایتی در حین فعالیت‌ها کنار بچه‌ها نشست. عضو چهارم گروه شد و از آن‌ها پرسید تا اینجا کدام مسئله را حل کرده‌اید یا چگونه اوضاع را مدیریت کرده‌اید؟

آقای هدایتی کناریکی از گروه‌ها نشست و پرسید:
- بچه‌ها، یک نفر بگوید الان به کجا رسیده‌ایم؟

محمد: «آقا اسم گروه ما تلاش است.»
آقای هدایتی: «چه خوب! ممنون! به بچه‌های دیگر هم پیشنهاد می‌کنم برای گروه‌شان اسم بگذارند.»
سعید: «قبل از هر چیزی باید بدانیم اعضای گروه که در محصله افتاده‌اند، حاضرند اموال خود را با همدیگر شریک شوند تا کار مشارکتی کنیم؟ چون این طوری هزینه‌ی ما کاهش پیدا می‌کند یا می‌توانیم با بخشی از پول‌ها را به صورت کوتاه‌مدت سرمایه‌گذاری بکنیم.»

منصور: «من فکر می‌کنم آن‌ها خرجی چهار هفته‌رابه صورت کامل دارند، حاضر نیستند خودشان را برای دیگران که پول کمتری دارند، به خطر بیندازند.»
آقای هدایتی: «حتی اگر بقیه‌ی هم کلاسی هایشان به مشکل بیفتند؟ حتی اگر از دست بروند؟»
محمد: «آقا اگر من در آن گروه باشم، قبل از هر

تا ۱۰ دقیقه‌ی دیگر نیز به آن‌ها وقت بدهد، مسئول هر گروه نظر مکتوب خود را به صورت شفاهی برای همه می‌گوید و دیگران با اجازه‌ی تسهیلگر کلاس تفکر، درباره‌ی نظر داده شده نظر می‌دهند یا آن را نقد می‌کنند. هم‌زمان، یا خود تسهیلگر یا با کمک یکی از بچه‌ها، روی تخته (یا با حضور در کلاس مجازی) رئوس نظرات و در مقابل آن نقدها را می‌نویسند. در آخر، هر کدام از اعضا در یک جمله یافته‌ی خود را درباره‌ی آن جلسه بیان می‌کنند. هنگام تعطیلی کلاس، آموزگار می‌گوید دوست دارم درباره‌ی مطالب امروز با کسی گفت و گو کنید و نتیجه را دو جمله در جلسه‌ی بعدی برایم بیاورید.

به این نمونه از کلاس توجه کنید.
آقای هدایتی گفت: حالا که موضوع را فهمیده‌اید، باید طبق ترکیب اعدادی که روی تخته نوشته‌ام، با هم گروهی‌های خود یک حلقه شوید. (چون صندلی‌های کلاس تکی نبودند و امکان جابه‌جایی میسر نبود، این کارگاه در نمازخانه برگزار شد.)

۵۴۳۲۱
۱۰۹۸۷۶
۱۴۱۳۱۲۱۱
۱۸۱۷۱۶۱۵

توجه کنید بچه‌ها! مادر کلاس ۱۸ نفر هستیم. اعضا را به شش گروه سه‌تایی تقسیم می‌کنم. ابتدا هر یک از شما که الان حلقه‌وار نشست‌اید، شماره‌ی خواهید داشت.
- خب! از محمد شروع می‌کنم! شماره‌ی او ۱ است.
پس از او، هر کس به ترتیب شماره‌ی خودش را بگوید و آن را یادش بماند.

رشد مجازی



مینا رئیس‌زاده
آموزگار، دبستان عدالت، اصفهان

مینا رئیس‌زاده، همانند دیگر آموزگاران به مهارت‌آموزی بها می‌دهد. او در تدریس مجازی یادی از رشد آموزش ابتدایی کرده و با الهام از این مجله، با دانش‌آموزان خود در فعالیتی مهارتی، یک نشریه به سبک رشد ترتیب داده است. او یک پیام هم به ما داده است: «مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی عزیزم! سال‌ها تو برای ما نوشتی و خواندیم. امروز بر آن شدیم تا هر چند اندک، به یاری دانش‌آموزان کلاس چهارم ۳ از تو یادی کنیم.» در اینجا به شکل مختصر بخش‌هایی از این مجله را ورق می‌زنیم.

بیا با هم شعر بخونیم
شعردرباره‌ی نوجوانی
نوجوانی زیباست
مثل یک شاخه‌ی گل
مثل پرواز پرنده

نوجوانی فصل زیبای به خود آمدن است
فصل دیدن، شنیدن، گفتن، یادگرفتن

نوجوان کاش بدانی که چقدر کوتاه است این نسیم سحری
نوجوان خوب بدان ارزش تو مثل زر است، مثل الماس
درخشان، در دل آن کوه بلند ...

شاعر: مهدی بازیار



این آموزگار برای مجله‌شان فهرست هم گذاشته است:

فهرست مطالب

- مثل خدا مهربان باش
- بیا با هم شعر بخونیم
- داستان کوتاه
- داستان تصویری
- مهمان ناخوانده (کرونا)
- با لیموترش خانه را روشن کن

مثل خدا مهربان باش

وقتی قرآن خواندن پدر بزرگ تمام می‌شود، من قرآن را از او می‌گیرم، آن را می‌بوسم و سر جایش می‌گذارم. یک روز بعد از اینکه پدر بزرگ قرآن خواند و آن را به من داد تا سر جایش بگذارم، حسین با توپ به اتاق آمد و دید که من دارم قرآن را می‌بوسم. توپ را زمین انداخت و خواست قرآن را از من بگیرد. من گفتم: با دست‌های کثیف نباید به قرآن دست بزنی. اما حسین شروع کرد به گریه کردن. بعد با دست کثیف اشک‌هایش را پاک کرد. حالا صورتش هم چرک شده بود. پدر بزرگ به اتاق آمد و گفت: چی شده؟ گفتم: حسین می‌خواست با دست‌های کثیف قرآن را بگیرد، من هم به او ندادم. پدر بزرگ حسین را بغل گرفت و دست و صورتش را با آب و صابون شست. بعد گفت: حالا که دست و صورتش را شسته، قرآن را به او بده. من قرآن را به حسین دادم. او قرآن را بوسید و خندید. پدر بزرگ به سر من دست کشید و گفت: خدا خیلی مهربان است. تو هم باید مهربان باشی. من حسین را بوسیدم و دوتایی قرآن را سر جایش گذاشتیم.



نقاشی یکی از بچه‌ها

در این مجله درباره‌ی کرونا هم اطلاع‌رسانی شده است:

مهمان ناخوانده (کرونا)

شیوع ناگهانی کووید-۱۹ سامانه‌های بهداشتی درمانی دنیا را با مشکلاتی روبه‌رو کرد و سایر حوزه‌ها از جمله حوزه‌ی تعلیم و تربیت را نیز تحت تأثیر قرار داد. با شروع همه‌گیری کووید-۱۹ در جهان، دستورالعمل‌های بهداشتی بر رعایت فاصله‌گذاری اجتماعی تأکید کردند. در این راستا در بسیاری از کشورها و کشور ما، برای کاهش شیوع ویروس کرونا، آموزش‌های حضوری در مدرسه‌ها تعطیل شد. برای اینکه آموزش دانش‌آموزان در طول دوره‌ی فاصله‌گذاری اجتماعی دچار وقفه نشود، راهکارهای مختلفی از جمله آموزش مجازی ارائه شد.

شرح آزمایش

ابتدا در دو طرف لیمو شیار نازکی ایجاد کنید. سپس در یکی از شیارها تشتک مسی و در شیار دیگر میخ را قرار دهید. میخ و تشتک با هم در تماس نباشند. در این باتری، میخ و تشتک «الکتروود» و آب لیمو «الکترولیت» نامیده می‌شود. هر باتری دارای دو الکتروود مثبت و منفی است که در آن جریان الکتریکی توسط یک رسانا از الکتروود منفی به الکتروود مثبت می‌رود. برای اندازه‌گیری میزان ولتاژی که باتری تولید می‌کند، از ولت‌سنج استفاده کنید. توجه داشته باشید که سر مثبت ولت‌سنج به سر مثبت باتری و سر منفی آن به سر منفی باتری وصل شود. عدد ولت‌سنج را بخوانید و یادداشت کنید (مثلاً ۰/۹۶ ولت). ولتاژی که این باتری تولید می‌کند، بسیار پایین است و قادر به تأمین انرژی لازم برای روشنایی یک لامپ

رئیس‌زاده همچنین یک فعالیت دست‌ورزی الکترونیک را به دانش‌آموزانش معرفی کرده است، زیرا آن‌ها در فضای مجازی تیم رباتیک دارند و تجربه‌هایشان را با هم به اشتراک می‌گذارند.

ساخت ربات (مخلوط کن)

دنیای امروز ما که به شدت و با سرعت هر چه تمام‌تر رو به پیشرفت است، همیشه نیازمند ایده‌ها و استعدادهاى تازه است. از عمده فناوری‌هایی که به سرعت در حال رشد است، علم رباتیک است. با پیشرفت علم رباتیک در آینده‌ای نه‌چندان دور، ربات‌ها کلیدی امور محاسباتی و کارهای بدنی را به عهده خواهند گرفت و جایگزین نیروی انسانی خواهد شد. همان‌گونه که امروزه در بسیاری از خطوط تولید انواع خودرو،



دستگاه‌های برقی، قطعات الکترونیک، اعضای مصنوعی بدن و دیگر صنایع شاهد به‌کارگیری علم رباتیک هستیم.

حبابی نیست. برای تأمین ولتاژ بالاتر لازم است از ترکیب تعدادی از باتری‌ها استفاده کنیم. به همین منظور با سیم رسانا آن‌ها را به هم متصل می‌کنیم. توجه داشته باشید، سیم رسانا را از سر مثبت یک باتری به سر منفی باتری دیگر وصل کنید.

مزایای کلی آموزش شامل موارد زیر هستند:

- فعال‌سازی ذهن کودکان برای پیدا کردن راه حل در آموزش رباتیک؛ ● پرورش حس هم‌فکری و کارگروهی در کلاس‌های رباتیک؛ ● پرورش قوه‌ی خلاقیت و اختراع با آموزش رباتیک؛ ● افزایش علاقه به ریاضیات و الکترونیک؛ ● افزایش هدفمندی و کسب موفقیت در آینده. ● بسیاری از ربات‌های ساده را می‌توان در خانه و با اندکی وسایل و حتی لوازم دور ریختنی ساخت. برای نمونه، ما برای شما عزیزان مخلوط‌کن را انتخاب کرده‌ایم که در ادامه روش ساخت آن به تصویر کشیده می‌شود.

اختلاف پتانسیل حاصل از دو باتری را اندازه بگیرید و یادداشت کنید. همانند تصویر زیر می‌توانید با اتصال تعداد بیشتری از باتری‌ها، اختلاف پتانسیل بیشتری تولید کنید. حال چهار باتری را با هم ترکیب کنید و اختلاف پتانسیل ایجاد شده را اندازه بگیرید.



در قسمت علمی و هیجان‌بخش مجله، طرز روشن کردن لامپ با لیموترش نیز آموزش داده شده است:

بالیوترش خانه را روشن کن

آزمایش روشن کردن لامپ با لیموترش اصلاً کار سختی نیست. می‌توان با استفاده از وسایل کمی، یک ال‌ای‌دی کوچک را روشن کرد. برای تهیه‌ی این لوازم می‌توانید از بزرگ‌ترها کمک بگیرید.

وسایل لازم: چند عدد لیموترش آبدار، میخ، چند عدد تشتک مسی، ولت‌سنج، سیم رسانا

گل شمعدانی

مهمین جعفریه / ارومیه



در پایه‌ی اول ابتدایی تدریس می‌کردم. یکی از دانش‌آموزانم به نام محمد، رفتار منحصر به فردی داشت. از اول سال تحصیلی با مادرش پشت در کلاس می‌ایستاد و بعد با خواهش و تمنای من، حاضر به آمدن به کلاس می‌شد. برای رفع این مشکل دست به هر کاری زدم. بارها در این باره با اولیای او گفتم و گو و با مدیر مدرسه مشورت کردم، ولی محمد به هیچ وجه حاضر نبود مثل بچه‌های دیگر با صاف به کلاس بیاید و سر جای خود بنشیند!

دیگر هم من و هم مادرش از دست او خسته شده بودیم. مادرش با ناراحتی می‌گفت: «محمد می‌گوید یا باید با من تادم در کلاس بیایی یا اینکه من به مدرسه نمی‌روم!»

تشویق و دادن جایزه نیز مؤثر واقع نشد. دیگر به محمد و رفتار او حساسیت پیدا کرده بودم. چون باید مدتی را برای صحبت با او صرف می‌کردم تا رضایت دهد و به کلاس بیاید. نکته‌ی جالب این بود که محمد فقط زنگ اول این مشکل را داشت و بعد از اینکه سر جای خود می‌نشست، دیگر مشکلی از او مشاهده نمی‌شد!

روزی به بچه‌های کلاس گفتم برای تدریس درس تازه یک شاخه گل با خودشان به کلاس بیاورند. قرار بود حرف و صدای «ل» را یادشان بدهم. فردای آن روز محمد نیز طبق معمول همراه مادرش دم در کلاس، ولی با یک شاخه گل ایستاده بود. این بار تا او را دیدم، با خوش رویی و لبخند سلام کردم و گفتم: «به به، محمد عزیز، گل هم که آورده‌ای، آن هم شمعدانی! از کجا می‌دانستی من از گل شمعدانی خوشم می‌آید؟»

متعاقب آن دست‌ساز بر سرش کشیدم و با هم به کلاس رفتیم. من آن روز حرف و صدای «ل» را به خوبی هر چه تمام‌تر برای بچه‌ها تدریس کردم و به همراه آن‌ها یک روز خاطره‌انگیز را رقم زدیم؛ به خصوص محمد در تمامی مراحل تدریس خیلی خوشحال بود.

فردای آن روز موقع رفتن به کلاس، محمد و مادرش را دم در کلاس ندیدم. با خود فکر کردم حتماً امروز غایب است. ولی وقتی وارد کلاس شدم، محمد با چهره‌ای خندان در جای خود نشسته بود و باز هم یک شاخه گل شمعدانی در دست داشت. با خوشحالی به او گفتم: محمد جان چه عجب! چه خبر شده؟

با خنده جواب داد: «خانم، برای شما گل شمعدانی آورده‌ام.» گل را از دستش گرفتم. خودش را به من نزدیک‌تر کرد. دستانم را به گردنش انداختم و با محبت از او پرسیدم: امروز چرا دم در نایستاده بودی؟ محمد با صداقت و معصومیت گفت: «خانم، مدت‌ها بود کسی مرا بغل نمی‌کرد. مادرم هم همیشه فقط خواهر کوچکم را بغل می‌کند. با دم در ایستادن، می‌خواستم مادرم بیشتر در کنارم باشد! دیروز وقتی شما مرا بغل کردید، خیلی خوشحال شدم و تصمیم گرفتم امروز هم برایتان گل بیاورم.»

از آن روز که علت مشکل محمد آشکار شد، محبتم را به او بیشتر کردم. با مادرش هم در این باره صحبت کردم. به او گفتم من هم مادرم، اما ما معلم‌ها محبت خود را به طور مساوی میان دانش‌آموزان تقسیم می‌کنیم.



ره صد ساله

زهرا ابدی

آموزگار دبستان حضرت جواد الائمه (ع)، یزد

در طول چند ماه آموزش مجازی، تجربه کردم که برخی از دانش‌آموزانم که تا قبل از آن برای پاسخ‌گویی به سؤالات و حتی روان‌خوانی متن‌ها در حضور دوستانشان و در فضای کلاس اعتماد به نفس کافی نداشتند، در این مدت فایل‌های صوتی زیادی از پاسخ‌ها و روان‌خوانی خود برایم می‌فرستادند، که نشان‌دهنده‌ی پیشرفت خیلی خوب آن‌ها بود. لذا فهمیدم که این شرایط، برای این‌گونه بچه‌ها، فرصت مناسبی بود تا دور از نگاه بعضی از هم‌کلاسی‌ها و شاید آموزگار و برچسب‌هایی که قبلاً ناآعادانه به آن‌ها زده شده بود، بتوانند خود و توانایی‌هایشان را بشناسند و در محیط آرام و بدون تنش خانواده، یاد بگیرند و رشد کنند و پاسخ‌گو باشند.

از جمله موارد مهمی که در طول این مدت موجب درک بهتر من از شرایط دانش‌آموزانم و والدینشان و در ادامه پیشبرد بهتر آموزش مجازی شد، این بود که در کنار معلمی، به‌عنوان یک مادر، شاهد تمامی رفتارها و نحوه‌ی ارتباط یک کودک دبستانی و والدینش در خصوص مواجهه با آموزش مجازی بودم. همین باعث شد با تجربه‌ای بیشتر این مسیر را ادامه دهم.

در نهایت، روزهایی که گذشت، اگرچه برای آموزگاران، بچه‌ها و خانواده‌ها سختی‌ها و اضطراب‌هایی به همراه داشت، اما معتقدم همین روزها باعث شد ناخواسته در مسیری متفاوت از آموزش قدم بگذاریم؛ مسیری سرشار از رهاوردهای تازه و نوپا که هنوز راه زیادی تا بهتر شدن دارد؛ مسیری که باعث شد آموزش مجازی در کشورمان یک‌شبه ره صد ساله را ببینیم و در این خصوص، آموزگاران بتوانند توانمندی‌های خود را در عرصه‌ی آموزش مجازی باور کنند و به نمایش بگذارند.





معلم باهوش یعنی این ...





دو کلمه حرف حساب
 بچه‌ها و توانایی‌هایشان را باور کنید و براساس توانایی‌شان به آن‌ها امتیاز بدهید، نه برحسب اشتباه‌هایشان. ابتکار این آموزگار، به بچه‌ها اعتماد به نفس می‌دهد، زیرا کارهای درست و لغت‌های درستشان را جلوی چشمشان می‌آورد، نه اینکه غلط‌ها را پررنگ کند و بر اساس آن‌ها قضاوت کند. به این ترتیب، دانش‌آموز می‌آموزد داشته‌هایش را ببیند و چه بسا می‌آموزد خود نیز چنین تصمیم بگیرد. دوره‌ی ابتدایی سن آموزش رفتار است؛ سن تعلیم و تربیت.

هیچ‌کدام مشکل ندارند. این آموزگار متن دیکته رو طوری تنظیم می‌کنه که بچه‌ها فقط بیست کلمه برای نوشتن داشته باشن. بعد، به تعداد هر کلمه‌ی درست، بچه‌هارو ارزشیابی می‌کنه. به جای اینکه غلط‌هارو حساب کنه، درست‌هارو حساب می‌کنه و بر اساس اونارو نمره می‌ده.



تصویر مانا

چگونه آموزگاری اثر بخش باشیم؟



حسین قاسم پور اقدم

تا حالا با خود اندیشیده‌اید چرا برخی آموزگاران شما انسان‌هایی برجسته بوده‌اند و تصویر مثبتی از آن‌ها در ذهنتان نقش بسته است؟ معلمان چه نقشی در زندگی ما دارند و چگونه توانسته‌اند اثرات مثبت و منفی بر ما بگذارند و مسیر زندگی مان را تغییر دهند؟ برای پی بردن به اثربخشی و خبرگی آموزگاران اجازه بدهید نکاتی درباره‌ی شناخت رفتاری دانش‌آموزان و اینکه خبرگی و مهارت معلم در بارور شدن رفتار بالقوه‌ی دانش‌آموزان چه تأثیری دارد، بیان کنیم. سپس به ویژگی‌های معلمان خبره و اثرگذار بپردازیم.

کلیدواژه‌ها: آموزگار اثر بخش، یادگیری فعال

یادگیرنده‌ی فعال

جان دیوئی، از پیشگامان روانشناسی تربیتی در قرن ۱۹، معتقد بود کودک یک یادگیرنده‌ی فعال است و از طریق عمل کردن بهتر یاد می‌گیرد. بنابراین نباید بر سر جایش ساکت بنشیند و منفعل و به شیوه‌ی طوطی‌وار یاد بگیرد. همچنین، آموزش باید بر ابعاد وجود کلی دانش‌آموز متمرکز شود تا او یاد بگیرد چگونه فکر کند، مسائل را حل کند و خود را با محیط بیرون از مدرسه وفق دهد. همچنین، بنجامین بلوم، صاحب‌نظر روانشناسی تربیتی، معتقد بود آموزگار باید با درک مهارت‌های شناختی از جمله دانش، فهمیدن، تحلیل، ترکیب و ارزشیابی، به دانش‌آموزان کمک کند قوه‌ی حافظه، تفکر و استدلالشان به فعلیت درآید تا یادگیری اتفاق بیفتد.

اما به‌راستی یادگیری چگونه اتفاق می‌افتد؟ و چرا دانش‌آموزان مقدار زیادی از مطالب مطالعه شده را فراموش می‌کنند؟ آموزگاران چگونه می‌توانند مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان را بهبود بخشند و مهارت‌های انگیزشی‌شان را افزایش دهند؟

ملاک‌های تشخیص یادگیری

طبق نظر روانشناسان تربیتی، یادگیری عبارت است از تغییر پایدار در رفتار. به عبارت دیگر، توانایی رفتار کردن به شیوه‌ای معین که در نتیجه‌ی تمرین و تجربه به دست می‌آید. سه ملاک عمده برای تشخیص یادگیری لحاظ شده‌اند:

۱. یادگیری مستلزم تغییر در رفتار است. یعنی افراد زمانی یاد می‌گیرند که قادر به انجام کاری به صورت متفاوت باشند؛

۲. پایداری، یعنی وقتی یادگیری در ذهن انسان ملکه شده، به صورت ماندگار در رفتار او آشکار می‌شود. برای مثال، کسی که رانندگی یاد می‌گیرد، تا آخر عمر نیازی به آموزش اولیه ندارد، چون بر اثر تمرین و تجربه، اعمال رانندگی در رفتارش نهادینه شده است؛

۳. یادگیری از طریق تجربه رخ می‌دهد؛ مانند الگو گرفتن از دیگران.

بنابراین، یادگیری دانش‌آموزان به عوامل زیادی بستگی دارد؛ از جمله:

۱. برنامه‌های درسی و محتوای مطالب و کیفیت کتاب‌ها؛

۲. امکانات و فعالیت‌های فوق برنامه‌ای مثل دسترسی به کتابخانه، اینترنت، کلاس‌های جبرانی؛

۳. اندازه‌ی کلاس‌ها و تعداد دانش‌آموزان هر کلاس؛





۴. مدیر مدرسه و عوامل اجرایی مدرسه؛
۵. آموزگار.

آموزگار مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر یادگیری دانش‌آموز است و کیفیت یک دبستان از کیفیت آموزگارش مشخص می‌شود.

اثربخشی

معلمان اثربخش و خبره آن‌هایی هستند که دانش و مهارت‌هایشان کاملاً فطری نیست و توانایی‌هایشان را از طریق مطالعه و تمرین به دست می‌آورند. آن‌ها افرادی هستند که در زمینه‌ای خاص نظیر آموزش، دانش و مهارت بالایی دارند و یادگیری بیشتر از حد انتظار و ارتقای سطح توانایی و پیشینه‌ی دانش آموز را سبب می‌شوند.

اما در واقع اینگونه آموزگاران چگونه دانش لازم برای خیرگی را به دست می‌آورند؟ و چگونه آموزشی را مناسب می‌دانند؟

هدف آموزش، آسان کردن یادگیری در فراگیرندگان است که آموزگار آن را طرح‌ریزی می‌کند و این فرایند بین او و دانش‌آموز به صورت کنش متقابل جریان می‌یابد. به عبارت دیگر، آموزش شرایط بیرونی را طوری ترتیب می‌دهد که یادگیری را به عنوان فرایندی درونی، تسهیل می‌کند. بنابراین، آموزش جامع‌تر است و تدریس بخشی از آن محسوب می‌شود. اما یکی از عوامل مؤثر در آموزش، دانستن و دانش محتوایی نسبت به درس‌هاست. مسلماً ما نمی‌توانیم چیزی را که خود نمی‌فهمیم آموزش بدهیم. یکی دیگر

از عوامل آموزش اثربخش که با دانستن دانش محتوایی درس‌ها نیز مرتبط است، دانستن دانش محتوایی آموزشگری است. آموزگار باید بداند چگونه مطالب ارائه بدهد تا برای دانش‌آموز قابل فهم باشد و اینکه چه مطالبی، درباره‌ی موضوعات خاص، یادگیری دانش‌آموزان را آسان یا دشوار می‌کند.

مؤلفه‌ی دیگر در زمینه‌ی آموزش اثربخش که تبحر آموزگار را طلب می‌کند، دانش آموزشگری عمومی است که شامل راهبردهای آموزشی و مدیریت کلاس است. آگاهی از چگونگی برنامه‌ریزی مؤثر درس‌ها، درگیری دانش‌آموزان در یادگیری و واریسی درک آن‌ها، در هدایت صحیح دانش‌آموزان به آموزگار کمک می‌کند تا یادگیری پرثمری فراهم شود. آموزگار با مدیریت کلاسی، از نظر ایمنی و منظم بودن، بر یادگیری متمرکز می‌شود و دانش‌آموزان را وادار می‌کند در جهت یادگیری تلاشی مضاعف داشته باشد. و بالاخره، مهم‌ترین دانشی که آموزگار باید در آموزش اثربخش برای دانش‌آموزان فراهم کند، دانش درباره‌ی یادگیرندگان و یادگیری است. آموزگار باید بداند فکر کودکان در مدرسه‌های ابتدایی به موضوعات عینی و ملموس محدود است. همچنین، دانش‌آموزان نمی‌دانند درباره‌ی یک موضوع چقدر اطلاعات دارند و باید برای تقویت انگیزه‌ی آن‌ها در یادگیری، تا حد ممکن تشویقشان کرد. هنگامی که معلمان روش‌های متفاوت یادگیری دانش‌آموزان را درک کنند، پی خواهند برد که چرا تدریس اثربخش صرفاً ارائه‌ی اطلاعات به دانش‌آموزان به صورت کوتاه و مختصر و سازمان‌یافته نیست. بدین ترتیب، معلمان خبره درک کاملی از نحوه‌ی وقوع یادگیری و بهبود آن دارند. اما معلمان، علاوه بر دانش حرفه‌ای، برای ماندگاری و اثربخش بودن، باید مهارت‌های حرفه‌ای نیز داشته باشند؛ مهارتی حرفه‌ای که توانایی استفاده از دانش را به صورت مؤثرتر و کاربردی‌تر به انجام می‌رساند.

آموزگار شاید به واسطه‌ی مطالعه‌ی زیاد کتاب‌ها و مقالات از دانش مدیریت کلاس برخوردار باشد، اما اگر کلاس او نظم نداشته باشد و امور عادی کلاس به صورت اثربخش انجام نگیرند و مهارتی در زمینه‌ی مدیریت کلاس نداشته باشد، نمی‌توان او را معلم اثربخش و خبره نامید.

بنابراین، معلم اثربخش لازم است در کنار دانش حرفه‌ای، از مهارت‌های برنامه‌ریزی نیز برخوردار

باشد و بداند چگونه و چه زمانی به تدریس بپردازد و سنجش و ارزیابی دانش‌آموزان را چگونه انجام دهد تا روند یادگیری‌اش بهبود یابد. معلمان اثربخش باید مهارت‌های کلامی و غیرکلامی خوبی برای ارتباط با دانش‌آموز برقرار کنند. او باید به طور واضح با دانش‌آموزان صحبت کند و فعالانه به حرف‌های آن‌ها گوش دهد. همچنین، زبان بدن دانش‌آموزان را درک و تعارضات کلاسی را به صورت سازنده حل کند و همیشه روشی جسورانه در سبک‌های ارتباطی داشته باشد تا روشی خصمانه و منفعل.

معلمان اثربخش فرصت‌ها را در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌دهند تا آن‌ها درباره‌ی هدف‌ها و علاقه‌های خودشان فکر کنند و راهبردهایی برای کمک آن‌ها برای برانگیختن و پذیرش مسئولیت یادگیری در اختیار بگذارند. افزون بر این، معلمان دارای مهارت‌های انگیزشی خوب، استانداردهای بالایی برای همه‌ی دانش‌آموزان برمی‌گزینند و از سطوح گوناگون توانایی آنها حمایت می‌کنند تا مطمئن شوند همه‌ی دانش‌آموزان برای موفقیت برانگیخته شده‌اند.

آموزگار اثربخش دانش و مهارت‌های دانش‌آموزان را با روش‌های رسمی مانند آزمون‌های کوتاه، آزمون‌های هماهنگ، تکالیف پروژه‌ای و آزمون‌های استاندارد و غیررسمی مانند کارپوشه‌های دانش‌آموزان و فعالیت‌های کلاسی به صورت منظم مورد سنجش قرار می‌دهد.

آموزگاران اثربخش مهارت‌های فناوری آموزشی را به خوبی در خودشان توسعه می‌دهند و به صورت تحلیل فضای مجازی و فناوری آموزشی، آن‌ها را قبل از وارد کردن به کلاس درس ارزیابی می‌کنند. آن‌ها در استفاده از فناوری مهارت دارند و آن را در دل کلاس‌های یادگیرنده محور قرار می‌دهند؛ طوری که فرصت‌هایی برای ساخت فعالانه‌ی دانش و مهارت در اختیار دانش‌آموزان قرار گیرند. و در نهایت، آموزگاران اثربخش با تعهد و انگیزه و مهربانی و همچنین نگرش مثبت، لحظات دشوار و دلسردکننده و کسالت‌بار کلاس‌ها را به محیطی جذاب و پویا برای دانش‌آموزان تبدیل می‌کنند. آن‌ها به خودکارآمدی خودشان اطمینان دارند و اجازه نمی‌دهند هیجان‌های منفی انگیزه آن‌ها را متزلزل کنند. معلمان اثربخش حس شوخ‌طبعی دارند که کلاس را جالب می‌سازد. آن‌ها بر موضوعات تدریس تسلط دارند و برای کمک به دانش‌آموزان، منصفانه و دلسوزانه وقت می‌گذارند و با دانش‌آموز مانند بزرگسال رفتار می‌کنند.

آمار در بیاوریم



حسین نامی ساعی

نمودار
شکلی است که بتواند اطلاعات موجود در داده‌ها را نمایش دهد. رایج‌ترین نمودارها عبارت‌اند از: نمودار مستطیلی، نمودار چند بر فراوانی، نمودار میله‌ای و نمودار دایره‌ای.

آشنایی با برخی از نمودارها نمودار میله‌ای

نمودار میله‌ای بیشتر برای متغیرها (داده‌ها) ی گسسته و کیفی به کار می‌رود. ترتیب قرار گرفتن میله‌ها در نمودار میله‌ای اهمیت ندارد. آنچه مهم است، مقایسه‌ی فراوانی (تعداد داده‌ها) است. اگر نمودار میله‌ای با درصد و از کوچک به بزرگ رسم شود، عمل مقایسه سریع‌تر و بهتر انجام خواهد شد. نمودار میله‌ای نوعی نمودار مستطیلی است که در آن مستطیل‌ها جدا از هم هستند و عرض آن‌ها با هم مساوی است. مثال: نمودار علاقه‌مندی دانش‌آموزان به درس‌های علوم تجربی، ریاضی، هدیه‌های آسمانی، آموزش قرآن و فارسی در یک کلاس ۲۵ نفری به

مفاهیم آمار و آشنایی با مهارت‌های آن برای دانش‌آموزان، به آموزگاران وابسته است که خود بر آموزش آمار مسلط باشند. از این‌رو این مقاله، ضمن تبیین مختصر آمار ابتدایی، شرح نمونه‌واری از برخی نمودارها و کاربرد آن‌ها و معرفی میانگین دارد.

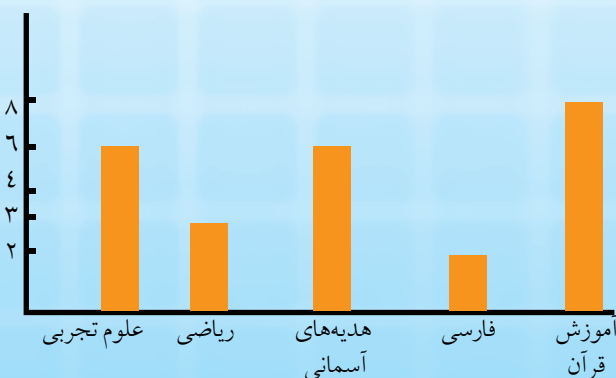
آمار: علمی که به جمع‌آوری اطلاعات عددی و بررسی آن‌ها می‌پردازد، «آمار» نامیده می‌شود.
نکته: اطلاعات عددی به دست آمده را داده می‌نامند.

درس	تعداد دانش‌آموزان علاقه‌مند
علوم تجربی	۶
ریاضی	۳
هدیه‌های آسمانی	۶
فارسی	۲
آموزش قرآن	۸

جدول داده‌ها

معمولاً داده‌ها را برای بررسی دقیق‌تر و راحت‌تر، در قالب یک جدول مرتب می‌کنیم. به این جدول، جدول داده‌ها می‌گوییم. مثال: در یک نمونه‌برداری از خانوارهای یک مجتمع مسکونی که ۴۰ خانواده دارد، درباره‌ی تعداد افراد خانوارها، جدول زیر به دست آمده است.
این جدول را به صورت جدول داده‌ها مرتب کنید (بر حسب تعداد خانوار و تعداد افراد خانوار).

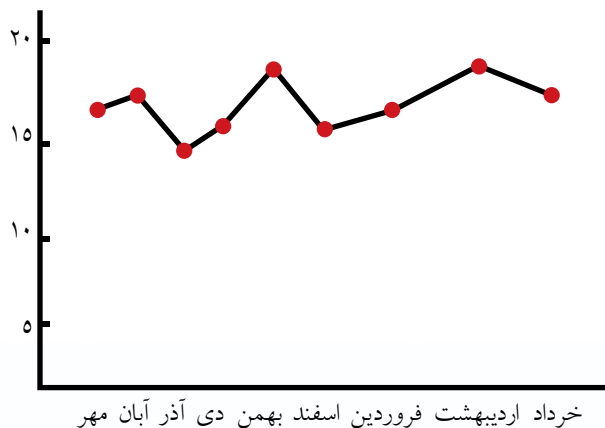
۳	۴	۲	۱	۲	۵	۵	۳	۲	۱
۶	۲	۴	۴	۳	۳	۱	۴	۳	۵
۷	۳	۲	۴	۵	۵	۴	۲	۶	۱
۳	۳	۴	۲	۴	۵	۶	۳	۷	۸



تعداد افراد خانوار	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	جمع
تعداد خانوار	۴	۷	۹	۸	۶	۳	۲	۱	۴۰

صورت زیر است. نمودار میله‌ای آن را رسم کنید.

نمودار خط شکسته نمرات درس فارسی علی را رسم کنید.



نمودار تصویری

در این نمودار، اگر داده‌ها اعداد بزرگ و گرد نشده باشند، ابتدا آن‌ها را با تقریب موردنظر ۱۰۰۰، ۱۰۰۰۰ و ۱۰۰۰۰۰ گرد می‌کنیم. سپس اطلاعات جدول داده‌ها را به صورت نمودار تصویری نمایش می‌دهیم.

مثال: در یک مدرسه‌ی راهنمایی که ۱۸۵۲ دانش‌آموز دارد، ۶۵۸ دانش‌آموز در پایه‌ی اول، ۶۶۲ دانش‌آموز در پایه‌ی دوم و ۵۳۲ نفر در پایه‌ی سوم تحصیل می‌کنند. این اعداد را با تقریب کمتر از ۱۰۰ گرد کنید و به صورت نمودار تصویری نمایش دهید.

پایه‌ی اول ۷۰۰ → ۶۵۸
 پایه‌ی دوم ۷۰۰ → ۶۶۲
 پایه‌ی سوم ۵۰۰ → ۵۳۲

جمع	سوم	دوم	اول	دانش‌آموزان پایه‌ی
۱۹۰۰	۵۰۰	۷۰۰	۷۰۰	تعداد

میانگین

اگر بخواهیم میانگین چند داده را حساب کنیم، باید ابتدا داده‌ها را با هم جمع و سپس بر تعداد داده‌ها تقسیم کنیم.

$$\text{میانگین} = \frac{\text{مجموع داده‌ها}}{\text{تعداد داده‌ها}}$$

مثال: میانگین نمرات ۱۲، ۱۷، ۱۸، ۱۵، ۱۳، ۱۰، ۱۴ و ۱۵ را حساب کنید.

$$\text{میانگین نمرات} = \frac{۱۲+۱۷+۱۸+۱۵+۱۳+۱۰+۱۴+۱۵}{۸} = ۱۴/۲۵$$

پایه‌ی سوم
 پایه‌ی دوم
 پایه‌ی اول



● نشان‌دهنده‌ی ۱۰۰ دانش‌آموز است

نمودار خط شکسته

در نمودار خط شکسته، ابتدا اطلاعات را با پیدا کردن نقاط روی صفحه‌ی مختصات مشخص و سپس با وصل کردن نقاط به یکدیگر، نمودار خط شکسته را پدیدار می‌کنیم.

مثال: میانگین نمرات ماهانه‌ی درس فارسی علی در مدت ۹ ماه تحصیلی به شرح زیر است:

مهر	آبان	آذر	دی	بهمن	اسفند	فروردین	اردیبهشت	خرداد
۱۷	۱۸	۱۵	۱۶	۱۹	۱۶	۱۷	۱۹	۱۸



وقت جلوی خنده یا گریه‌تان را نگیرید. من امروز به اشتباه خودم پی بردم. از امروز فهمیدم باید ریشه‌ی مشکل را شناخت و مشکل را برطرف کرد. نباید زود قضاوت و حکم صادر کرد! دلیل کندنویسی زینب این است که مداد را بیشتر از حد معمول فشار می‌دهد؛ تا جایی که انگشتش درد گرفته و حتی زخم شده است و همین است که کند می‌نویسد. یک‌دفعه دیدم چند نفر از دانش‌آموزان گفتند: اجازه، ما هم این مشکل را داریم. باید چه کار کنیم؟

با مطالعه‌ی کتاب‌ها و پرس و جو، تعداد کمی راهکار و روش تشخیص یافتیم. با خودم عهد بستم در این مسیر گام‌های مؤثرتری بردارم. از خدای خودم هم خواستم به من کمک کند. عادت داشتم و دارم، به هر شهر یا کشوری که می‌روم، سری به مدرسه‌های موفق می‌زنم و تجربه‌های خوبی کسب می‌کنم. چند سال پیش در آزمون اعزام به خارج معلمان قبول شدم. محل خدمتم آنکارا بود. در مدت دو سال به مدرسه‌های موفق و متفاوت می‌رفتم. اتفاقاً در یکی از مدرسه‌های آنکارا به نام مدرسه‌ی «نسبیه آیدین» در بازدید از پایه‌ی سوم ابتدایی، دانش‌آموزان کلاس را واقعاً در نوشتن بسیار ماهر و سریع دیدم. علت را که جوینا شدیم، شرکت این دانش‌آموزان در جشنواره‌ی نوشتن اروپا بود. ترکیه هفت سال است در این جشنواره شرکت می‌کند و مقام‌هایی هم آورده است. البته تجربه‌های ارزشمندی هم کسب کرده است. کل این تجربه‌های ارزشمند را در کتاب «آموزش مداد گرفتن تا بهتر نوشتن»، به همراه لوح فشرده‌ی آموزشی و مداد توپی، طراحی و ارائه کردم. این بسته را معاونت سامان‌دهی منابع آموزشی- تربیتی دفتر انتشارات و فناوری آموزشی وزارت آموزش و پرورش هم تأیید کرده است. آن را برای کمک به دانش‌آموزانی که در نوشتن مشکل دارند، به تمام شهرهای ایران فرستاده‌ام.

از مهارت‌ها و تکنیک‌های برخورد با چالش‌های یادگیری یا رفتاری را نیاموخته بودیم. یاد نمی‌رود، اولیایی را که نگران فرزندشان بودند که چرا ناخنش را می‌جود؟ چرا بی‌دقت است؟ چرا می‌خواند اما یاد نمی‌گیرد یا فراموش می‌کند؟ یا چرا پرخاشگر و کم‌حرف است؟ و ده‌ها چرای دیگر. واقعاً مهارت لازم را برای برخورد با این چالش‌های بسیار مهم نداشتیم و در ضمن، در مدرسه هم از داشتن مشاور محروم بودیم! بغض گلویم را می‌فشرد. تا دیروقت تدریس می‌کردم و چون همان‌جا بی‌توته می‌کردم، با چنان دانش‌آموزانی، در حد توانم کار می‌کردم؛ تأسف می‌خوردم که چرا به‌عنوان آموزگار نمی‌توانم این چالش را حل کنم؟

املا و زینب

در یکی از کلاس‌های پایه‌ی دوم، وقتی املا می‌گفتم، طبق روال، چند نفر در نوشتن عقب می‌ماندند، ولی از میان آن‌ها زینب خیلی کند می‌نوشت! کاری که من برای این دانش‌آموز می‌کردم، این بود که املا را آرام می‌گفتم و کلمات را چندبار تکرار می‌کردم؛ طوری که دیگر دانش‌آموزان اعتراض می‌کردند. ولی من توجهم به زینب بود تا بتواند بنویسد. سه ماه از سال گذشته بود و تنها کاری که در کلاس چندپایه برای زینب کرده بودم، این بود که بگویم: «زینب کمی سریع‌تر!»

یاد نگرفته بودم اگر دانش‌آموزی کند می‌نویسد یا پرفشار، یا کم‌رنگ، یا کج و زاویه‌دار، در کل نارسانویس است، چه کار باید بکنیم؟ و البته ناگفته نماند، برخی از ما چندان مطالعه نمی‌کردیم. یک روز دستان کوچک زینب را در دستانم گرفتم و لای انگشتانش را و به خصوص انگشتانی را که درگیر مدادگرفتن و نوشتن هستند، نگاه کردم. متعجب و در ضمن خیلی ناراحت شدم. انگشت سوم زینب، از بس مداد را فشار داده بود، زخم شده بود و با هر بار نوشتن، معلوم بود درد دارد. بیچاره صدایش در نمی‌آمد!

واقعاً چرا تا این مدت انگشتان زینب را نگاه نکرده بودم؟ چرا فقط به گفتن تعدادی عبارت‌های دستوری زود بنویس و چرا عقب ماندی تکیه می‌کردم؟ نتوانستم خودم را کنترل کنم. وقتی به چشمان زینب نگاه کردم، گریه‌ام گرفت. به دانش‌آموزانم که نگاهم می‌کردند، گفتم: بچه‌ها، گریه، مانند خنده، بخشی از زندگی ماست. هیچ

از مداد به دست گرفتن تا جشنواره‌ی نوشتن

طراحی مداد توپی و کتاب

آموزش مدادگرفتن

بهر روز آیرملوی

در یکی از مدرسه‌های روستایی ماکو در آذربایجان غربی و در یک کلاس چندپایه مشغول تدریس بودم. اوایل خدمتم بود. خروجی تربیت‌معلم بودم. وقتی وارد کلاس شدم و تدریس را به‌صورت عملی شروع کردم، در خیلی از موارد مشکل داشتم: در مدیریت تدریس کلاس، مدیریت دانش‌آموزان شلوغ و پرتحرک، و دانش‌آموزانی که در املا، دقت و تمرکز، خواندن و نوشتن مشکل داشتند.

واقعاً کم می‌آوردم و راضی نبودم. تازه، فکر می‌کردم چون خروجی تربیت‌معلم هستم، نباید در کلاس مشکل داشته باشم! متأسفانه ما بسیاری



شعاری که محقق شد



فاطمه الیاسی

نظام آموزشی بزرگ‌ترین تولیدکننده سرمایه‌ی انسانی و اجتماعی است. جامعه‌ی اسلامی ما بیش از هر زمان دیگر به افراد هوشمند و خلاق نیاز دارد. هر اندازه جهانی که در آن زندگی می‌کنیم پیچیده‌تر می‌شود، نیاز به شناسایی و پرورش ذهن‌های خلاق و آفریننده نیز بیشتر می‌شود.

نمونه کارهای دانش‌آموزان پایه‌ی اول ابتدایی، قبل و بعد از شیوع کرونا



نمونه فعالیت‌ها در پرورش عرق‌ملی و میهنی و فرهنگ دانش‌آموزان



آموزگاران خلاق برای پیشبرد جریان یاددهی-یادگیری از هر فرصتی استفاده می‌کنند. فاطمه الیاسی از دبستان شهید آیت‌شاهین شهر (اصفهان)، با توجه به اهمیت شعار سال ۹۹ و «جهش تولید»، برای به بار نشاندن هدف جهش تولید در دانش‌آموزان و آشنایی آنان، دست به کار فعالیت عملی با فرهنگی شده است. او می‌گوید: توجه به موضوع شعار سال می‌تواند به آفرینش‌های مهارتی در کلاس منجر شود. الیاسی در تبیین مقدمات فعالیت خود می‌گوید: «در این زمینه لازم بود اهمیت موضوع را به دانش‌آموزانم، به شرح زیر، توضیح دهم:

- برطرف کردن تناقض شعار جهش تولید و ارتباط آن با آموزش و پرورش.
- ایجاد انگیزه برای تحقق شعار سال در اولیا و دانش‌آموزان حتی همکاران.
- تبیین اولویت‌های مهارت‌آموزی و پرورش خلاقیت در دانش‌آموز و جذب ایده‌های نو.
- استفاده از تخصص اولیا در نیل به این هدف و تقدیر از ایده‌های برتر.
- وی می‌افزاید: امداد ادامه، به دلیل شیوع کرونا، به این فکر رسیدم که در فضای مبتنی بر آموزش مجازی، جوی انگیزشی برای ارائه‌ی ایده‌ها و آموزش مهارت محور راه‌اندازی کنم. پس این‌گونه به شرح اولویت‌ها پرداختم:
- مهارت‌محوری دانش‌آموزان ابتدایی را با تمرکز بر موضوع جهش تولید دنبال کنم.
- با توجه به اینکه دوره‌ی ابتدایی بهترین دوره‌ی یادگیری است، در ارائه‌ی تکالیف به دانش‌آموزان، به فرهنگ درست استفاده و تولید داخلی و ملی اشاره کنم تا از این طریق زمینه‌ی جهش تولید فراهم شود.
- آموزگاران برای تکالیف دانش‌آموزان موضوع شعار سال را مورد توجه قرار دهند.
- برنامه‌ی ملی هویت کودکان اسلام و ایرانی را در برنامه‌ریزی‌های آموزش ابتدایی مورد نظر قرار دهیم.
- نگرش‌های لازم و حس مسئولیت‌پذیری را از اوایل کودکی ایجاد کنیم تا اهمیت کار و تلاش به دانش‌آموزان آموزش داده شود.
- ذائقه‌ی دانش‌آموزان را از حافظه‌محوری به سمت مهارت‌محوری تغییر دهیم.



املا‌ی سنگی



الهه دیمی

آموزگار شهرستان کوار، روستای ولی عصر (عج)

دیگر علی کلاس، کامیون اسباب بازی‌اش را پراز سنگ‌ریزه کرده بود و کلمات «ضبط صوت، پیشنهاد،...» را نوشته بود. و من عاشق کامیون کوچک سنگ‌ریزه‌های فرزندم شدم. پوریای با مرام کلاس که از درد پا رنج می‌کشید و پاهایش در آتل بودند، سنگ‌ها را مهمان اتاق کوچکش کرده بود تا کویر حال مرا گلستان کند و نقش‌بند کلماتش بر جانم مأوا گزیند. آرامین و رامین، دو قلوهای دوست‌داشتنی، در کنار جوی آب روبه‌روی خانه‌شان، تصویر کلماتشان را برایم فرستادند تا سهم من از کلماتشان آب باشد و نوراحد، آن پسر خوب (از فرزندان افغانه‌ی کلاس) با گچ روی سیمان حیاط نوشته بود تا ثابت کند مرا با گچ هم می‌تواند خلسه کند.

نوبت به امیرعباس که رسید، موضوعش خاکی بود و آلودگی صوتی سنگینش نظم داشت. (موضوع را با خاک باغچه و آلودگی صوتی و نظم را با سنگ‌ریزه نوشته بود). امیر، اولین کلمه را با سنگ، آموزگار نوشته

از ساعت آغازین روز، زنگ کلاس مجازی را با شور و نشاط به صدا در آوردم. آغازگر هر روز تلاوت کلام نورانی صفحه‌ای از صفحات قرآن پایه‌ی سوم بود؛ با محتوایی از پیش تولید شده و فراخوان فیلم کوتاه دانش‌آموزانم از آموخته‌های قرآنی‌شان که طنین آرامش و البته لذت یادگیری را بر روح و جانم به ارمغان داشت. زنگ ریاضی را با بازی سرسره‌ی تقریب برای فرزندانم جذاب کردم تا آموزش را از طریق بازی در شهر ریاضی بیاموزند. گرچه در کنارشان نبودم، اما پیام صوتی‌شان حکم می‌کرد که آموزش را فرا گرفته‌اند و تیپ معلمی‌شان در میکرو فیلم‌های کودکانه‌شان، عمق یادگیری را نشان می‌داد. به زنگ املا که رسیدیم، دوست داشتم خلاقیتی در کار باشد تا از آن فضای کتاب و دفتر کمی فاصله بگیریم. صدایم را صاف کردم و با احساسی پراز شور فراخوان دادم: فرزندان عزیزم پنج دقیقه فرصت دارید با لباس فرم مدرسه به حیاط خانه بروید (از نعمت‌های فرزندان روستا، داشتن حیاط است). انگیزه را در وجودشان ایجاد کردم. بار دیگر با پیام صوتی اعلام کردم، با سنگ‌ریزه‌های حیاط یا باغچه چهار کلمه از درس «آواز گنجشک» را برایم بسازید تا بدانم املا‌ی کلمات را آموخته‌اید. راستی بچه‌ها، چه کلماتی از درس را به یاد دارید؟ (تقویت حافظه). امیر علی پیام فرستاد که: خانم اجازه، می‌شود کتابمان را باز کنیم و از روی کتاب کلمات را بنویسیم؟ هدفم یادگیری بود و تقویت حافظه‌ی دیداری و افزایش دقت و تمرکز. صداقتش مرا بیشتر مجذوب کرد. با احساس گفتم: بله فرزندم. حتما می‌شود. دقایقی منتظر ماندم. دیدن کارهای فرزندانم برایم جاذبه داشت. اولین تصویر که در گروه کلاس قرار گرفت، مربوط به علی رضا بود: «علاقه، نظم، محله، عضو». این‌ها چهار کلمه‌ای بودند که با ذوق نوشته بود. برایش چنین باز خورد نوشتم: «آموزگار با علاقه نظم را دید، پس عضو محله‌ی علی رضا شد.» امیر حسین کلمات را این‌گونه سنگ‌چین کرده بود: «منتظر، مشورت، سکوت، تازه‌ها». نوشتم: «جانم به توانایی فرزند، با استیکری از قلب». امیر علی روی زیرانداز کوچک مخملین نشسته و کلمات «احوال پرسی، مشورت، آلودگی صوتی، محله» را نوشته بود. این‌گونه برایش نوشتم: «چه آرامشی دارد این احوال پرسی تو!» عباس روی حجم انبوهی از شن‌های حیاط نشسته بود و نظم را به زیبایی به تصویر کشیده بود. حال خوبش را با نگاه، نظم و احساس، هدیه کرده بود.



بوسه‌ی روز معلم



سمیه خاکپاش
آموزگار ناحیه‌ی یک ری

دو ماه از سال تحصیلی می‌گذشت و من دیگر تاب تحمل دانش‌آموزی بیش‌فعالم، سهراب، را نداشتم. به‌شدت پرجنب‌وجوش و غیرقابل‌کنترل بود. موضوع را با مدیر مدرسه در میان گذاشتم. بعد از توافق، قرار شد سهراب به کلاسی دیگر انتقال داده شود. سهراب با اینکه به کلاس دیگر رفته بود، اما هر روز صبح می‌آمد و به من سلام می‌کرد. ظهر موقع رفتن هم خداحافظی می‌کرد.

روز معلم شد. بعد از خوردن زنگ، از کلاس خارج شدم. دیدم سهراب پشت در کلاس منتظر من است. با ادب به من سلام کرد و روز معلم را تبریک گفت. در یک لحظه، دستم را گرفت، بوسید و گفت، ببخشید که شما را اذیت کردم. من که غافلگیر شده بودم، دستی بر سرش کشیدم و سرش را بوسیدم. به فکر رفتم، در حالی که ناراحت بودم چرا نتوانستم دانش‌آموز بیش‌فعالم را مدیریت کنم و به جای حل کردن مشکل و پیدا کردن راه‌حل، صورت مسئله را پاک کرده بودم.



عکس تزئینی است.

بود؛ برجسته و بزرگ. گرچه آموزگار را با سنگ نوشتی فرزندم، اما احساس او به تو ناب است. امیر این گونه برایم نوشت: معلم عشق امیر است. یاسین، کودک دست‌ورزم، «محلّه و عضو» را با خانه‌سازی‌های رنگی و «تعجب و توضیح» را با سنگ‌ریزه نوشته بود. کارش را این گونه پاسخ دادم: «رنگ محلّه و عضو، تعجب را توضیح داد عزیز کم». چه زیبا بود کار محمد که با کشمش‌های مادر که توی حیاط خشک می‌شدند، کلمات را کشمش‌ی نوشته بود! آریا با گلبُرگ‌های یاس به کلمات احساس هدیه کرده بود. امیر عباس کلاس که همیشه کلاس آنلاین را از مغازه‌ی کوچک مادرش دنبال می‌کرد، با شکلات‌های شیرین، طعم یادگیری‌اش را دلچسب کرده بود. حسین با ساخت کلمات در آفتاب، مشرق خیال را آغازگر شد. منتظر کار همت ماندم، اما خبری از او نشد و من دل‌تنگی دقایقم را با انتظار سر کردم.

کلاس به پایان رسیده بود و خبری از همت نیامده بود. عصر گاهان، شاگرد کوچک بزرگ من که گوسفندان را به چرا برده بود، تصویر کلماتش را که با عطر پونه بر صحنه‌ی دشت حک کرده بود، با عذرخواهی فرستاد. آنجا بود که حال خراب جناب پاییز مال من شد و شأن نزول سوره‌باران به نام همت. آن ساعت زنگ امان نبود، ابتدای خدا بود و انتهای لحظه‌ی خیس چشمان. ریگ‌زار عیفی که گوش می‌کرد حرف‌های اساطیری آب را؛ تا طعم پاک اشارات روی ذوق چمن‌زار از یاد نبرد باغ سبز تقرب جای الفاظ مجذوب خالی است فرزندم. پس به بلندای شعری از بهشت نوازش «دوستت دارم».



بالاتر از سیاهی

تکمیل فرایند یادگیری با فیلم



روح‌الله مالیر

کارشناس ارشد هنرهای نمایشی

بدون شک هیچ آموزگاری دوست ندارد دانش آموزان کلاسش بی‌انگیزه در کلاس حاضر شوند و با به صدا در آمدن زنگ پایان، با عجله کلاس درس را ترک کنند. هر آموزگاری، هر چقدر هم در فن بیان و تدریس مطالب آموزشی مهارت داشته باشد، اگر از ابزارها و وسایل کمک آموزشی استفاده نکند، فضای کلاسش را با ابرهای خاکستری یکنواخت، خموده و تیره می‌کند و سررشته‌ی ارتباط متقابل و زنده را با دانش آموزان دست می‌دهد. سال‌هاست که فیلم به عنوان یک رسانه‌ی دیداری و شنیداری کامل، در کلاس درس به یاری معلمان آمده است و آنان که سرسوزن ذوقی داشتند، کوشیده‌اند پای این رسانه را به کلاس درسشان باز کنند و به آن اجازه دهند بخشی از تدریس را بر عهده بگیرد. در این شماره شما را به تماشای فیلم کوتاهی دعوت می‌کنیم که به عنوان یک پیوست آموزشی، با کتاب فارسی پایه‌ی چهارم ارتباط مستقیم دارد و حتی در پایه‌های دیگر نیز قابل استفاده است.

معرفی فیلم

عنوان فیلم: بالاتر از سیاهی
کارگردان: وحید گلستان
قالب: پویانمایی
مدت زمان: پنج دقیقه

خلاصه‌ی فیلم

فیلم پویانمایی بالاتر از سیاهی بر اساس شعر «روبه و زاغ» تولید شده است. در این شعر که حبیب یغمایی آن را با آفرینی کرده است، به ماجرای ساده‌لوحی زاغ و حيله‌گری روبه اشاره شده است. زاغ قالبی پنی در دهان گرفته و روی شاخه‌ی درخت نشسته است. روبه از راه می‌رسد و از زاغ می‌خواهد برایش آواز بخواند. دهان‌گشودن زاغ همان و از دست دادن قالب پنی همان!

مخاطب فیلم

با توجه به اینکه این فیلم بر اساس شعر «روبه و زاغ» در کتاب فارسی پایه‌ی چهارم ابتدایی (فصل دوم/ص ۳۴) تولید شده است، نمایش و تماشای آن برای دانش آموزان پایه‌ی چهارم توصیه می‌شود.

فرایند نمایش فیلم

۱. قبل از نمایش
۲. حین نمایش
۳. بعد از نمایش

۱. قبل از نمایش

الف) فیلم پویانمایی «بالاتر از سیاهی» به عنوان یک پیوست درسی قابلیت نمایش در زنگ فارسی دانش آموزان پایه‌ی چهارم - چه در فضای مجازی و چه در کلاس واقعی - را دارد، اما پیشنهاد می‌شود برای نمایش این فیلم، از تلفیق زنگ هنر با زنگ فارسی بهره ببرید. از دانش آموزان بخواهید در زنگ فارسی دفتر نقاشی و مداد رنگی‌هایشان را نیز آماده کنند.

ب) قبل از نمایش فیلم، پرسش‌هایی را در خصوص رنگ‌ها طراحی کنید؛ مثل:

- آیا رنگ‌های اصلی و فرعی رامی شناسید؟
- به کدام رنگ‌ها اصلی و به کدام رنگ‌ها فرعی می‌گویند؟



ب) در بخش دوم فیلم، زاغ‌های داخل فیلم چه رنگی بودند؟

پ) اولین زاغی که فریب حرف‌های روباه را نخورد و از روی شاخه پرید، چه رنگی بود؟

ت) زاغی که فریب حرف‌های روباه را خورد و دهانش را باز کرد تا قارقار کند، چه رنگی داشت؟

ث) چرا آخرین زاغی که در آسمان دور می‌شد سیاه دیده می‌شد؟

ج) از کدام قسمت فیلم بیشتر لذت بردید؟

چ) چرا در بخش دوم فیلم کارگردان به جای یک زاغ از چند زاغ با رنگ‌های متفاوت استفاده کرد؟

ح) از این فیلم چه نتیجه‌ای گرفتید؟

بعد از پرسیدن سؤالات از دانش‌آموزان، حالا از آن‌ها بخواهید کتاب فارسی خود را باز کنند و همه‌جای آن را ورق بزنند تا ببینند در کتابشان در رابطه با فیلمی که دیده‌اند، چیزی وجود دارد یا خیر؟ فراموش نکنید دانش‌آموزی را که زودتر از بقیه شعر روباه و زاغ را شناسایی می‌کند و خبر می‌دهد، حتما تشویق کنید.

از دانش‌آموزان بپرسید چرا کارگردان فیلم، عنوان فیلم را که براساس شعر روباه و زاغ بود، «بالا تر از سیاهی» انتخاب کرده است؟

فعالیت‌های پیشنهادی

الف) اگر زمان کلاس به شما اجازه می‌دهد، بخش اول فیلم را یک بار دیگر بدون صدا برای دانش‌آموزان نمایش دهید و از آن‌ها بخواهید از روی جملات داخل فیلم، اشعار را بخوانند.

ب) بخش دوم فیلم را نمایش دهید و از دانش‌آموزان بخواهید با صدای گروه‌گر در فیلم، هم‌آوایی کنند. پ) چنانچه دانش‌آموزان مستعدی در کلاس دارید که دوست دارند نمایش بازی کنند، از آن‌ها بخواهید درس روباه و زاغ را به صورت نمایش در کلاس اجرا کنند. اگر تعداد دانش‌آموزان داوطلب برای اجرای نمایش زیاد است، با توجه به اینکه شخصیت‌های این درس دو کاراکتر بیشتر نیستند، از بین دانش‌آموزان چند گروه دو نفری تشکیل دهید.

ث) از دانش‌آموزان بخواهید براساس فیلمی که دیده‌اند، در منزل یک نقاشی بکشند و در آن از رنگ‌های اصلی و فرعی استفاده کنند.

دانش‌آموزان برای تماشای فیلم «بالا تر از سیاهی» آمادگی بیشتری دارد. بدون اینکه از آن‌ها بخواهید کتاب فارسی خود را باز کنند یا احیاناً به درس روباه و زاغ نگاه بیندازند، اعلام کنید می‌خواهید یک فیلم برایشان نمایش دهید.

۲. حین نمایش

الف) پخش فیلم را شروع کنید و همراه دانش‌آموزان به تماشای آن بنشینید.

ب) در حین پخش فیلم به صورت غیرمستقیم واکنش دانش‌آموزان را نسبت به تماشای فیلم زیر نظر داشته باشید. ببینید فیلم برای دانش‌آموزان جذابیتی دارد یا خیر؟

۳. بعد از نمایش

الف) بعد از نمایش فیلم، سؤالاتی را که از قبل طراحی کرده بودید از دانش‌آموزان بپرسید؛ مثل:

- عنوان فیلم چه بود؟
- داستان فیلم چه بود؟
- این فیلم چند شخصیت اصلی داشت؟
- چرا زاغ قالب پنی‌رش را از دست داد؟
- اولین چیزی که در آغاز فیلم مشاهده کردید چه بود؟ (در این سؤال، علاوه بر ورود شخصیت زاغ، توجه دانش‌آموزان را به طیف‌های رنگی و تغییر رنگ هاروی زاغ جلب کنید.)

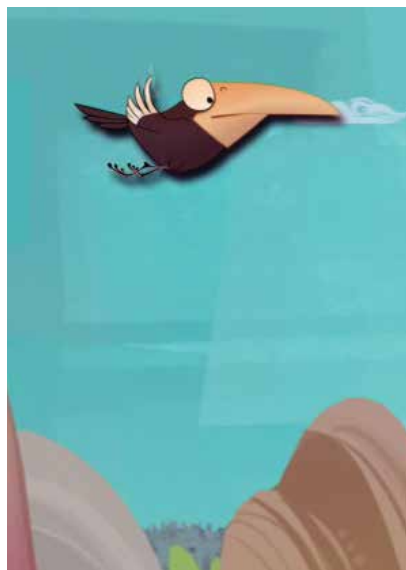
پ) یک جدول دو ستونه روی تخته‌ی کلاس بکشید و عبارت رنگ‌های اصلی و فرعی را بالای آن جدول بنویسید. رنگ‌های قرمز، زرد و آبی را در ستون رنگ‌های اصلی بنویسید.

ت) از دانش‌آموزان بخواهید که سه دایره در دفتر نقاشی خود بکشند. یکی از آن‌ها را با مداد قرمز، دومی را با مداد آبی و سومی را با مداد زرد رنگ آمیزی کنند.

ث) حالا از دانش‌آموزان بخواهید سه شکل مربع در کنار دایره‌های زرد، آبی و قرمز بکشند. از آن‌ها بخواهید مربع شماره‌ی ۱ را با مدادهای رنگی قرمز و زرد رنگ کنند. از آن‌ها بپرسید چه رنگی به دست آمده است؟ بعد مربع شماره‌ی ۲ را با مدادهای زرد و آبی رنگ کنند و مربع شماره‌ی ۳ را با مدادهای آبی و قرمز. حالا هر دانش‌آموز در دفتر خود سه دایره با رنگ‌های اصلی و سه مربع با رنگ‌های فرعی (نارنجی، بنفش و سبز) دارد.

ج) از دانش‌آموزان بخواهید یک مستطیل در کنار اشکال دایره و مربع بکشند. حالا داخل مستطیل را با رنگ‌های نارنجی، بنفش و سبز رنگ آمیزی کنند. از آن‌ها بپرسید از تلفیق رنگ‌های فرعی چه رنگی به وجود آمده است؟ بدون شک باید همه‌ی پاسخ‌ها به رنگ سیاه نزدیک باشد.

چ) از طریق این تمرین، دانش‌آموزان با رنگ‌های اصلی و فرعی آشنا خواهند شد. حالا ذهن



چشم ذهن

فریده مغیثی

این تجربه به نوعی آموزش مجازی و تلفیق شیوه‌های آموزشی را تداعی می‌کند. دانش آموزان با چشمان بسته، با وسایلی صداهایی تولید می‌کنند و دیگران باید در تقویت مهارت‌های شنیدن و تشخیص صدا تلاش کنند. این تمرین بیان تجربه‌ای زیسته باروش شناسی است.

بچه‌ها به خط شدند. یکی جلوی گروه به سمت سالن اجتماعات حرکت می‌کرد و یکی دبه‌ی پلاستیکی در دست داشت! چند نفری که پشت سرش بودند هم، کم و بیش چیزهایی در دست داشتند؛ یک تکه تخته، مقوا، لیوان فلزی و... خانم معلم هم با چشم‌های پر از برقش، آخراز همه، با یک بغل جنس مثل کاسه و لیوان شیشه‌ای قدم برمی‌داشت.

چه کلاسی؟ چه فعالیتی؟

با استقرار بچه‌ها، در سالن بسته شد. مدتی نگذشته بود که صداهایی عجیب و غریب بلند شد.

رسم این آموزگار و کلاس او این بود که برای کارهای فعالیتی بچه‌ها به گروه‌های کوچک تر تقسیم می‌شدند و معلم کارش را به تعداد گروه‌ها تکرار می‌کرد.

خیالم راحت بود که بعد از رتق و فتق امور اولیه می‌توانم انتهای کلاس بنشینم تا سهمی از این همه ذوق و شوق و سر و صدا را هم من بردارم! خدا را شکر که مهمان‌داری و مهمان‌نوازی هم از رسم‌های آموزگاران پایه‌ی اول بود.

خانم معلم گفت: «سلام بچه‌ها! ممنون که کمک کردید و وسایل را بیاوردم. امروز می‌توانیم از تمام وسایل کارگاه استفاده کنیم. فقط مواظب سالم ماندن آن‌ها هستیم. آخر سر هم، همه چیز را سر جایش می‌گذاریم! کار امروز مادرست کردن صداهای متفاوت و پشت سر هم است. با ضربه زدن به هر چیزی می‌توانیم صدا درست کنیم و...»

همین‌طور که حرف‌هایش به آخر می‌رسید، شروع به زدن کرد: با یک خط کش ضربه‌ای به تخته، دبه، موزاییک روی زمین و دوباره تخته، دبه، زمین، تخته، دبه، زمین! حالا نوبت بچه‌ها بود! نفر اول خط کش را گرفت و زد:

لیوان فلزی، میز، سطل، ورق، زمین و مداد.

کارهای بچه‌ها دیدنی بود! یکی از بچه‌ها که نوبتش بود، پرسید: «می‌شود روی یک چیز چند بار بزیم؟»

وقتی جواب بله را گرفت، یک میله‌ی پلاستیکی برداشت و با ذوق شروع کرد: جای گچ جلوی تخته، زمین، شیشه، شیشه، شیشه، لیوان و فرش.

نفر بعدی که سر تا پایش گوش بود و چشم، با کف



باغبان خوب



فریامودینا

برای سنجش دخترم نوراکه می‌خواست پایه‌ی اول ابتدایی را بخواند، به مرکز سنجشی که مدرسه معرفی کرده بود رفتیم. اسم این مرکز مدرسه‌ی «تلاش» است که مخصوص دانش‌آموزان استثنایی (نابینا، کم‌توان ذهنی و دارای معلولیت‌های خاص) است. معرفی‌نامه و مدارک را باهم به مسئول مربوطه دادیم. ایشان به دلیل رعایت دستورالعمل‌های بهداشتی کرونا، مرا به حیاط مدرسه فرستاد و نوراکه را با خودش به سمت اتاق‌های انتهای سالن هدایت کرد.

چند دقیقه‌ای از رفتن نورابه نزد کارشناسان سنجش می‌گذشت. کنجکاری مادرانم گل کرد و خواستم آنجا باشم و جواب دادن او را به سؤال‌هایی که از او می‌پرسند ببینم. در این چند ماه قریظنه‌ی کرونا، من و نوراکه فرصت داشتیم بیشتر باهم وقت بگذاریم و چیز بیاموزیم. باهم کتاب‌های زیادی خواندیم، گل و گیاه کاشتیم، در چند کلاس مجازی آموزشی مثل نقاشی و نجوم و چرتکه‌شمارت کردیم، کار دست‌ساز درست کردیم و نمایش اجرا کردیم. مجموعه‌ی این تجربه‌های تفریحی - آموزشی، مرا به عنوان یک مادر، متقاعد کرد که فرزندم پتانسیل یادگیری خوبی دارد و هوش طبیعت‌گرا و استعدادهای هنری‌اش هم بد نیست. یادسخنی از یکی استادان افتادم که می‌گفت: «جهان هستی مثل یک پازل خیلی بزرگ است که هر موجودی در آن به مثابه‌ی یک قطعه باید در جای خودش بنشیند. حال اگر فردی جایش را در این پازل پیدا نکند و لاجرم در خانه‌ای دیگر و چسب بزند و تازه دست آخر باز هم درست در آن خانه‌ی غصبی قرار نمی‌گیرد.»

داشته‌باشم، اصول مراقبت از درخت سیب‌رامی آموزد به کار می‌بندد. حتی اگر خودش درخت گل‌لایی را بیشتر دوست داشته باشد. چند دقیقه‌ی دیگر گذشت و نوراهنوز نیامده بود. اینترنت تلفن همراهم را روشن کردم و به گروه‌هایی مجازی که در آن‌ها عضو هستم سر زدم. در گروه مدرسه‌مان، متوجه شدم نتایج آزمون تیزهوشان را داده‌اند. سیل پیام‌های تبریک به همکارانی را که فرزندشان در این آزمون قبول شده بودند مرور کردم و خودم هم برایشان پیام تبریک فرستادم. برشی از کتاب «شناسایی و آموزش دانش‌آموزان مستعد...» را به یاد آوردم؛ بسیاری از دیدگاه‌های رایج برای ماهیت هوش شامل عده‌ی اندکی از کودکان و اوقات تیزهوش و مستعد می‌شود. طبق مدل‌های جدید استعدادسنجی، مثل مدل گانیه، هوش به یک، سه یا هفت و حتی ده محور مشخص محدود نمی‌شود و هر کودکی که در هر موضوع، حتی بسیار جزئی، در بین همسالان خود سرآمد باشد، باهوش شناخته می‌شود و می‌تواند با برنامه‌ی درسی مخصوص به خود، نه تنها در آن توانایی بیشتری کسب کند، بلکه در حوزه‌های استعدادی دیگر نیز موفق شود. این در حالی است که اگر این شناسایی و متناسب‌سازی برنامه‌ی درسی برای فراگیرندگان اتفاق نیفتد، بسیاری از این کودکان دچار سرخوردگی، اعتمادبه‌نفس پایین و حتی انحراف‌های رفتاری می‌شوند و جامعه نیز از موهبت آن‌ها بی‌نصیب می‌ماند. از خودم می‌پرسم؛ پس موفقیت از نظر ایشان، قبولی دانش‌آموزان در چند رشته‌ی محدود و خاص است؟ همچنان در حیاط مدرسه منتظر نشسته‌ام. به دانش‌آموزان همین مدرسه فکر می‌کنم و اینکه با تعریف‌های جدیدی که از هوش از هوش و استعداد این بچه‌ها را شناسایی و شکوفای می‌کنند؟ راستی، در جایی خوانده‌ام، کارشناسان بر آورد اثربخش، موجب ترک تحصیل احتمالی بیش از یک میلیون دانش‌آموز خواهد شد! باز از خودم می‌پرسم، با تعریف‌های امروزی از هوش و استعداد، چه تعداد از این دانش‌آموزانی که احتمالاً از تحصیل باز خواهند ماند، مستعد و باهوش‌اند؟ مگر نه اینکه رسالت و مأموریت انسان، افزودن بر وسع وجودی و به خودشکوفایی رساندن خودش است و جامعه‌شناسان می‌گویند اگر فرد و جامعه به سطح پنجم «هرم مازلو» برسد، به سطح توسعه‌یافتگی رسیده‌اند. پس آیا مهم‌ترین مأموریت خانواده‌ها و نظام آموزشی این نیست که با ایجاد فرصت‌ها و امکانات مناسب، امکان شکوفایی عمومی و فراگیر را برای کودکان و نوجوانانش فراهم کنند؟ نوراکه گفت خانم فرزندتان هوش و استعداد تحصیلی بالایی دارد، مراقبش باشید. به چهره‌ی بی‌خیال و معصوم نورانگاه کردم. در عین حال که خوشحال شدم، چیزی در ذهنم از شدت نگرانی فرو ریخت. راستی، ما پدرها و مادرها، و آموزگاران، چقدر در شکوفایی استعدادهای بالقوه‌ی فرزندان و فراگیرندگانمان، مسئولانه و مجذانه عمل می‌کنیم؟ کاش بیشتر می‌توانستیم...

دستش شروع به کار کرد. میز، فرش، دیوار، میز، فرش، دیوار، با وجود کوچکی دستش، مدل کارش تمام گوش‌ها را متوجه او کرد! جرقه‌ای تازه زده شد و درخواست‌های جذاب و هیجان‌انگیز پیچه‌ها!

«خانم، بادو تا چیز می‌شود بزنیم؟»

«خانم، با پا هم می‌شود صدادر بیاوریم؟»

همه‌ی کلاس ابزار فعالیت بود.

نوبت علی شد. خانم آموزگار گفت: «علی، می‌خواهم چشم‌هایم را ببندم و باشنیدن صداها را تشخیص بدهم به چه چیزی ضربه می‌زنی»

هیجان علی، چشم‌های خیلی باز عده‌ای از پیچه‌ها و چشم‌های همه‌ی فشرده‌ی خانم معلم! علی شروع کرد.

خدایا شکر که زهرامدل ضربه‌زدن با تکرار انتخاب کرده بود. به اینجا که رسید، کمی صبر کرد. ناگهان صدای صاحبان چشم‌های بسته بلند شد: «ادامه بده، ادامه بده.»

با ادامه دادن علی زمزمه‌های شنیده می‌شد: فرش، صندلی، کاسه، فرش، صندلی، کاسه.

و چشم‌ها کم‌کم باز شد و کلاس می‌خواند: فرش، صندلی، کاسه، فرش

با صدای کف زدن پیچه‌ها، نوبت نفر بعدی شد. این بار همه دوست داشتند چشم‌هایشان را ببندند! پیچه‌ای که نوبتش شده بود، عجب کاری کرد! به جای ضربه‌زدن، یکی از صداها را از دانش‌بیرون آورد! میز، ماداد، کاغذ، بوب، میز، ماداد، کاغذ، بوب، میز... این بار چشم‌ها با صدای شیرین خنده‌ی همه‌ی کلاس باز شد! و تشکر آموزگار که: «پیچه‌ها، از شنیدن این همه صدایی که با فکرها و الگوهای توی ذهنتون ساختید، خیلی لذت بردم! و وسایل را سر جاییشان بگذارید و با صدای زنگ بروید تفریح به سلامت!»

با چشم‌های باز، پیچه‌ها را می‌دیدم، ولی... انگار چشم‌ها نوشته‌های ذهنم را می‌خواند. لیخندی که لحظه‌به‌لحظه عمیق‌تر می‌شد هم، حکایت از همین داشت: عجب!

الگو، الگوسازی، الگویابی، الگوهای تکرار شونده.

شمارش، صدا، تفاوت صداها، زیر، بم، اجناس گوناگون.

ضربه، تنظیم ضربه، شدت ضربه.

یک زنگ چهل دقیقه‌ای به اندازه‌ی ساعت‌ها حرف زدن کار کرد!

با صدای زنگ تفریح به خودم آمدم. حال خوب پیچه‌ها، کلاس مرتب، انرژی بیشتر از قبل، همه و همه می‌تواند در لحظه‌لحظه‌های زندگی ما پیچه‌ها جاری باشد.

ارزیابی‌های شیرین



ساناز کیا، آموزگار پایه‌ی چهارم، تهران

با روش‌های متنوع. تا دانش‌آموزان با انگیزه آموزش‌ها را دنبال کنند. موضوعی که در ادامه برای ما اهمیت پیدا کرد، این بود که چطور وقتی دانش‌آموزان کنار ما نیستند، مطمئن شویم تمام مفاهیم را یاد گرفته‌اند. ابتدا از آزمون‌های آنلاین که با «گوگل فرم» طراحی می‌کردیم، شروع شد که اولیا دانش‌آموزان استقبال زیادی از آن‌ها کردند. دانش‌آموزان وقتی آزمون می‌دادند و ارزشیابی نهایی خود را می‌دیدند، خوشحال می‌شدند. کار با رایانه‌های شخصی و تلفن‌های همراه و تبلت‌ها برای آموزش برای دانش‌آموزان تجربه‌ی جدید و شیرینی بود.

اگر دانش‌آموزی سؤالی را به‌طور صحیح پاسخ نداده بود، با پیام صوتی یا ویدیویی راهنمایی‌اش می‌کردیم. نمونه‌ی دیگری از ارزشیابی‌های ما این بود که کاربرگ‌هایی را در گروه قرار می‌دادیم تا پاسخ آن را برای ما بفرستند. دسته‌ی دیگری از ارزشیابی‌های ما در این دوران، فعالیت‌های عملی، از جمله کشیدن نقاشی‌هایی با موضوع داده شده، ساخت ماکت و انجام آزمایش بود.

مدرسه هم از اواخر فروردین ماه سامانه‌ی آموزش الکترونیک را در سایت مدرسه افتتاح کرد که در آموزش، از لحاظ سرعت، کیفیت و مشارکت بیشتر دانش‌آموزان، کمک زیادی به ما کرد.

ارزشیابی پایانی

زمانی رسید که ما کتاب‌ها را به پایان رسانده بودیم و تمامی درس‌ها هم دور شده بودند. می‌خواستیم آزمونی به‌عنوان ارزشیابی پایانی بگیریم که مطمئن باشیم خود دانش‌آموزان به سؤالات پاسخ می‌دهند و هم یاری اولیا در آن‌ها اصلاً وجود ندارد. هدف این بود که در آن شرایط سخت که تمام خانواده‌ها به‌گونه‌ای به خاطر ویروس کرونا درگیر بودند، دانش‌آموزان به‌دور از نگرانی ارزشیابی شوند و ما با خیال راحت سال تحصیلی را به پایان برسانیم.

ابتدا با همکاری دانش‌آموزانمان را به صورت سه یا چهار نفری گروه‌بندی کردیم. برای هر گروه یک ساعت را مشخص کردیم. در آن ساعت، دانش‌آموزان حضور پیدا کردند. میکروفون و دوربین آن‌ها و آموزگار روشن بود تا ارتباط تصویری هم‌زمان برقرار باشد. سپس انواع سؤالات دانشی، تحلیلی و کاربردی پرسیده شدند؛ حتی سؤالاتی داده شدند که دانش‌آموزان با هم بحث و گفت‌وگو می‌کردند و به نتیجه می‌رسیدند.

ارزشیابی به‌گونه‌ای پیش رفت که تمام دانش‌آموزان در آرامش کامل به سؤالات پاسخ دادند. عملکرد دانش‌آموزان با دقت کامل ثبت شد و برای آنان که نیاز به تمرین بیشتر داشتند، برنامه‌های تحقیق یادگیری در تابستان طرح‌ریزی شد. از این شیوه‌ی ارزشیابی می‌توان در تمام پیام‌رسان‌هایی که قابلیت ارتباط تصویری هم‌زمان چند کاربر با هم دارند، استفاده کرد.

ما آموزگاران نتوانستیم پایان سال را در کنار دانش‌آموزان باشیم و با شادی از آن‌ها خداحافظی کنیم. روزهای تلخی بود، اما درس‌های زیادی گرفتیم. یاد گرفتیم انسان‌ها آن‌قدر توانمندند که می‌توانند در هر شرایطی، برای ادامه‌ی زندگی تلاش کنند. یاد گرفتیم معلم در هر شرایطی به فکر دانش‌آموزانش است و آموزش را تعطیل نمی‌کند. یاد گرفتیم فناوری، اگر گاهی برای انسان ضررهایی داشته باشد، اما در شرایطی مثل زمان کرونا به ما کمک می‌کند.



قدم به قدم با عشق

مریم امرالهی

آموزگار منطقه‌ی دوازده تهران



ایران خانوم



کرم دانا

وقتی دل کوچک بچه‌ها از نگرانی و هیجان می‌تپد، چیزی جز ایجاد اعتماد بین خودت و این فرشتگان کوچک نمی‌توان یافت که کمک کنند تا بتوانی به آموزش ادامه دهی. من با این هدف زبان کودکان را انتخاب کردم. از شعرهای کودکانه و داستان‌های این گروه سنی کمک گرفتم. دفتری آماده کردم پر از شعرهای زیبا و شاد.

مطالعه‌ی هر روز کتاب‌های داستان کوتاه را جزو برنامه‌ی روزانه‌ام قرار دادم، چون اعتقاد داشتم قصه بخشی از دنیای کودکان را می‌سازد و من باید به دنیا و زبان کودکان مسلط می‌شدم؛ همان‌طور که مولوی به زیبایی گفته است:

چون که با کودک سر و کارت فتاد

پس زبان کودکی باید گشاد

آستین‌ها را بالا زدم و دست به کار شدم. عروسک‌هایی ساختم که نزدیک به شخصیت بچه‌های کلاس بودند. رفتارهای ناخوشایند و تغییرات ضروری را به صورت نمایش نامه درمی‌آوردم و با کمک عروسک‌های مورد علاقه‌ی بچه‌ها، در قالب نمایش کوتاه اجرا می‌کردم. صحنه‌های نمایش کلاسی بر دل‌های کوچک بچه‌ها می‌نشست. این را از هیاهوی شادمانه و نگاه‌ها و بازخوردهای قدرشناسانه‌ی مادران حس و تأثیر آن را به صورت واقعی در رفتار آنان مشاهده می‌کردم. عروسک‌ها در آموزش و یادگیری اثربخش به من کمک می‌کردند.

انتخاب شخصیت‌های مورد علاقه‌ی بچه‌ها

با کمک بچه‌ها برای هر یک از شخصیت‌ها اسم انتخاب می‌کردیم. ایران خانم مادر بزرگی مهربان بود که در کلاس من حضور فعالی داشت. با کمک این شخصیت مورد علاقه و احترام بچه‌ها، نشانه‌های فارسی و جمله‌سازی را آموزش دادم. کرم دانا یکی دیگر از شخصیت‌های کلاس ما بود. کرم دانا چاشنی و نمک درس ریاضی مان بود. با کمک این عروسک، عددنویسی و بخش‌های مهم ریاضی را آموزش می‌دادم.

فضاسازی دریاورپذیری شخصیت‌ها

گاه برای آموزش مفاهیم کمتر و بیشتر، از فضای دریاچه و شخصیت ماهی‌های کوچک و تند و تیز کمک می‌گرفتم و بچه‌ها را به دریاچه‌ای که از ماهی‌ها ساخته بودم، می‌بردم. گاه به کلاس حال و هوای معنوی می‌دادم. فرشتگان کوچک ساخته شده را به کلاس می‌بردم و از بال‌های آن‌ها برای آموزش مفاهیم جمع استفاده می‌کردم. گاهی حال و هوای کلاس را به سمت و سوی دیگری می‌بردم و کلاس را به اتاق آشپزی تبدیل می‌کردیم. این تغییرات کمک می‌کردند مفاهیم در ذهن بچه‌ها نهادینه شوند. آن‌ها لذت می‌بردند و از سختی‌های کار گلایه‌ای نداشتند.

من یک مادرم

وقتی بچه‌های کوچک کلاس اولی دل‌تنگ مادرانشان می‌شدند، نقش مادر را خودم بازی می‌کردم. اجرای نقش مادرانه به آنان آرامش می‌داد و مرز بین خانه و دیوارهای کلاس را در هم می‌شکست. زمانی که دندان‌های شیری‌شان در حال افتادن بود و آن‌ها می‌ترسیدند، برخورد با این موضوع را در قالب ایفای نقش به بچه‌هایم آموختم تا هراسی نداشته باشند.

سال تحصیلی به پایان می‌رسد

معمولاً در پایان سال با کلمات و جملاتی از این قبیل از طرف خانواده‌ها مواجه می‌شوم: «ما امسال اصلاً متوجه نشدیم فرزندمان چگونه با سواد شد.» بیشترین آموزش‌ها و تمرینات در کلاس اتفاق می‌افتادند. در خانه بچه‌ها بیچگی می‌کردند، شادی می‌کردند و در آرامش بودند. نظام آموزشی برای برخی از خانواده‌ها غریبه بود و من تلاش می‌کردم عزیزانم و خانواده‌هایشان در آرامش و به دور از استرس آموزش را فراگیرند. و سرانجام بچه‌های من با سواد شدند.

مهارت‌های نرم، برای



سید حسن وکیلی
مشاور و مدرس آموزش خانواده

در دنیای امروز که تمامی رشته‌های علمی استانداردهای تخصصی و اعتبار جهانی دارند، متقاضیان تحصیل در آن رشته‌ها، ضمن ضرورت داشتن اطلاعات پایه برای ورود به آن رشته، حداقل چهار سال برای گرفتن مدرک کارشناسی باید در دانشگاه تحصیل کنند و در صورتی که به اخذ تخصص حرفه‌ای در آن رشته تمایل داشته باشند، دو تا چهار سال دیگر نیز باید ادامه تحصیل دهند. برخی از همین افراد متخصص که سال‌ها برای دریافت مدرک خود زحمت می‌کشند، جدای از دشواری‌های مراحل استخدام در سازمان‌ها و شرکت‌های گوناگون، که به دلیل افزایش تعداد متقاضیان کار، این دشواری‌ها دو چندان شده است، پس از استخدام نیز به دلیل نداشتن برخی مهارت‌های نرم، گاه از کار اخراج می‌شوند یا توان سازگاری با محیط‌های شغلی را ندارند و از شغل خود لذت نمی‌برند.

مهارت‌های نرم در کیفیت زندگی‌های مشترک نیز نقش بسزایی دارند. برای نمونه می‌توان به ازدواج‌هایی اشاره کرد که زوج‌های جوان با زیبایی‌های خاص و با هزینه‌های بسیار زیاد، مقدمات زندگی مشترک را فراهم می‌کنند و تشکیل خانواده می‌دهند، اما متأسفانه بعد از مدتی، به دلیل نداشتن مهارت‌های نرم و در نتیجه ناسازگاری، از طلاق صحبت می‌کنند. بنابراین، مهارت‌های نرم یکی از مهم‌ترین موضوعاتی است که ضرورت آموزش آن از دوره‌ی پیش‌دبستان تا دوره‌ی دانشگاه به شدت احساس می‌شود و مدرسه فرصتی است برای آموزش این نوع مهارت‌ها به دانش‌آموزان.

کلیدواژه‌ها: مهارت نرم، سازگاری

ضرورت تعریف واژه: ما آن‌قدر واژه‌ی مهارت را در گفته‌ها و نوشته‌ها به کار برده‌ایم که دیگر کمتر به مفهوم تعریف آن فکر می‌کنیم. اما اتفاقاً بسیاری از واژه‌هایی که به صورت گسترده به کار می‌روند، بیشتر نیازمند تعریف و مفهوم‌پردازی هستند. چون ممکن است به اشتباه فرض کنیم معنایی که از آن‌ها در ذهن همه‌ی ما هست، مشابه یا یکسان است.

معنی لغوی کلمه‌ی مهارت: مهارت در لغت‌نامه‌ی دهخدا به معنی زیرکی و رسایی در کار و استادی و زبردستی، حذاقت، حاذقی و ماهرگی است، اما وقتی با کلمه‌ی «نرم» همراه می‌شود، مفهومی بس مهم‌تر را به همراه دارد.

مهارت‌های نرم: ویژگی‌هایی فردی هستند که به تقویت تعاملات فردی و موفقیت شخصی، تحصیلی و شغلی می‌انجامند. برخلاف مهارت‌های سخت که فقط به بحث در خصوص مجموعه‌ای از توانایی‌های فرد برای به انجام رساندن وظایف یا فعالیت‌هایی خاص می‌پردازند، مهارت‌های نرم به‌طور معمول بر پایه‌ی صفات شخصی یا توانایی‌هایی ارتباطی شرح داده می‌شوند که با تکرار و تمرین می‌توان آن‌ها را به دست آورد.

مهارت‌های سخت: مهارت‌های ملموس و فنی مورد نیاز برای انجام کارها هستند. مثلاً مهارت به کارگیری ابزاری خاص مانند دستگاه جوش برای جوش دادن دو قطعه آهن به هم یا استفاده از یک نرم‌افزار مانند اکسل.

سهیم مهارت‌های نرم و سخت در موفقیت‌های فردی و زندگی

همان‌گونه که در شکل زیر روشن است، سهیم مهارت‌های سخت در موفقیت‌های شخصی، تحصیلی و شغلی حدود ۲۰ درصد است. درست مانند بخشی از کوه یخی که در سطح اقیانوس قابل مشاهده است. در صورتی که بیشترین تأثیر در موفقیت‌های پیش‌گفته را مهارت‌های نرم بر عهده دارند که مانند سطح زیرین کوه یخی، به وضوح قابل مشاهده نیستند، اما نقش آفرینی آن‌ها در موفقیت افراد حدود ۸۰ درصد است.

از آنجا که طبق تعریف، مهارت‌های نرم مجموعه‌ای از ویژگی‌ها و خصوصیات درونی و فردی هستند که تعاملات فردی و موفقیت‌های شخصی، تحصیلی و شغلی را تقویت می‌کنند، در ادامه به برخی از این مهارت‌ها اشاره می‌کنیم:

مهارت‌های ارتباطی: گفت‌وگو (با تسلط بر ۹ گونه گفت‌وگو)؛ گوش کردن؛ توانایی تکریم؛ پذیرش دیگران (با رعایت اصل من خوبم، تو خوبی)؛ سازگاری؛ کار تیمی.

مهارت مسئولیت‌پذیری: با توجه به هفت جزء آن یعنی: خودمدیریتی، نظم‌پذیری، قانونمندی، امانت‌داری، وظیفه‌شناسی، سازمان‌یافتگی و پیشرفت‌گرایی.

مهارت‌های مرتبط با کنترل هیجان: صبوری؛ کنترل خشم و مدیریت عصبانیت؛ مدیریت بحران؛ گذشت؛ توانایی کنترل استرس و حفظ آرامش.

مهارت‌های عاطفی: مهربانی؛ قدرشناسی؛ یاریگری؛ خیرخواهی؛ دلسوزی؛ نوع‌دوستی.

زندگی کارآمد

نویسنده در طول دو سال فعالیت پژوهشی در راستای ساحت‌های سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۴۴۴ عنوان مهارتی را که از جنس مهارت‌های نرم هستند، شناسایی و در زیرگروه هر ساحت سند تحول طبقه‌بندی کرده است. از این تعداد، برای ۹۰ عنوان مهارت نرم، داستان‌هایی را به نگارش درآورده که در شش جلد کتاب پایه‌های اول تا ششم ابتدایی (هر پایه ۱۵ مهارت)، تحت عنوان «من و مهارت‌هام» تألیف شده است. این داستان‌ها براساس نظریه‌ی سازنده‌گرایی، و همچنین فلسفه برای کودک (فبک) طراحی شده‌اند تا دانش آموز در پایان هر داستان، با پاسخ‌گویی به سؤالات طرح شده، به ساخت ذهنی خاصی در آن مهارت دست یابد. همچنین، با در نظر گرفتن سه ایستگاه از جمله: ایستگاه‌های بهداشت و سلامت، شناختی و اقتصادی، در هر داستان در مجموع بیش از ۲۷۰ عنوان از زیرگروه‌های مهارت‌های نرم را نیز در قالب موضوعاتی جذاب، و متناسب با سن دانش‌آموزان هر پایه از دبستان، به رشته‌ی تحریر درآورده است. لازم به ذکر است، برای هر پایه نیز کتاب راهنمای معلم تألیف و چاپ شده است. تعداد قابل توجهی از دست‌اندرکاران نظام تعلیم و تربیت کشور به اهمیت آموزش مهارت‌های نرم واقف شده و با تدوین برنامه‌های آموزشی در مدرسه، فرصتی مناسب برای تقویت و توسعه‌ی این مهارت‌ها فراهم می‌کنند.



حانه سورگی/آموزگار، بیرجند

آمدن ویروس covid19 دگرگونی‌هایی را در عرصه‌ی آموزش و پرورش سبب شده و جوامع را دچار تغییرات اساسی کرده است. این دگرگونی‌ها سبب شده است الگوهای مدرسه به الگوهای یادگیری در محیط خانه و سایر محیط‌های قابل کسب تبدیل شوند. نتایج نشان داده است، تأثیر منفی شرایط کرونایی بر دانش‌آموزان در استفاده از فضای مجازی در ابعاد خانوادگی، تحصیلی، سازگاری، اعتقادی-عبادی، و روانی بوده است. تقویت ارتباطات منطقی و عاطفی در خانواده و جایگزین کردن تفریحات سالم، درگیر کردن دانش‌آموزان در فعالیت‌ها و برنامه‌های مثبت، مهم‌ترین راهکارهای کاهش آسیب‌های فضای مجازی عنوان شده‌اند.

کلیدواژه‌ها: شبکه‌های اجتماعی موبایلی، فضای مجازی تعلیم و تربیت، ویروس کووید ۱۹

دنیای واقعی و مجازی

روزگاری انسان‌ها در دنیای واقعی زندگی می‌کردند و ارتباط بین آن‌ها ملموس بود. آن‌ها تنها با کسانی ارتباط داشتند که در یک مکان با هم زندگی می‌کردند. اما اکنون مهم‌ترین تغییر دنیای معاصر که شالوده‌ی تغییرهای آینده‌ی جهان است، رقابتی شدن دنیاهای واقعی و مجازی است. دنیای واقعی با ویژگی‌هایی مانند مکان داشتن، نظم سیاسی خاص، محبوس و طبیعی بودن، از دنیای مجازی متمایز می‌شود. و دنیای مجازی با بی‌مکانی، دستیابی آسان به آخرین اطلاعات، تکثیر داشتن و هم‌زمانی، از دنیای واقعی جدا می‌شود. بی‌شک نظام تعلیم و تربیت با زمانه‌ی خود نسبتی دارد. اگر در گذشته‌ای نه‌چندان دور آموزگار و کتاب درسی نقشی اساسی در تعلیم و تربیت داشتند، امروزه با توجه به

شوک هدفیند

کووید ۱۹ و آثار تعلیم و تربیتی آن



در آموزش‌های مجازی در سطح خانه‌ها و پیگیری خانواده در تعلیم و تربیت، تجربه‌ای شیرین برای خانواده‌ها و دانش‌آموزان است. البته این آموزش‌ها خالی از مشکلات نیست و برای رسیدن به کیفیت مطلوب‌تر در برنامه‌های آموزشی، به زمان نیاز داریم. برخی از والدین فشرده‌گی و محدودیت برنامه‌های آموزشی شبکه‌ی آموزش سیما را از مشکلات طراحی این برنامه‌ها می‌دانند.

حال برای رفع این مشکل چه کنیم؟

با راه‌اندازی کانال‌های آموزش مجازی توسط آموزگاران، از سنگینی هراس و دلوپسی‌های خانواده‌ها برای فرزندانشان کاسته شده است، زیرا خیالشان هم از تهدید سلامت فرزندانشان و هم از نگرانی‌هایشان در آموزش، راحت شده است. فضای مجازی را می‌توان یکی از انقلاب‌های بزرگ در دنیای دانست که مردم با ویروس کووید درگیرند. یکی از کاربردها و تأثیرات آن بر بعد تعلیم و تربیت است. با توجه به اینکه نظام آموزش و پرورش ما بر پایه‌ی مبانی اسلام برنامه‌ریزی شده است، در مقوله‌ی آموزش و پرورش، برای اینکه هویت دینی دانش‌آموزان متزلزل نشود، لازم است به موضوع فضای مجازی به‌عنوان یک فرصت نگریست و چگونگی استفاده‌ی درست از آن را به دانش‌آموزان یاد داد.

در بعد فرهنگی، استفاده‌ی نادرست از فضای مجازی می‌تواند هویت افراد را به چالش بکشد و در بعد اجتماعی ارتباط را تضعیف کند (شجاعی، ۱۳۸۷).



(ذکایی و خطیبی، ۱۳۸۵).

در نظام نوین تعلیم و تربیت، فضای مجازی را می‌توان به‌اتاق‌هایی ارتباطی تشبیه کرد که به‌واسطه‌ی آن مرزهای تازه‌ای در شکل‌گیری خرده‌فرهنگ‌ها، ارزش‌ها و هویت‌های شخصی ایجاد کرده است. فضای مجازی با دارا بودن ویژگی‌های گمنامی، سرعت ارتباطات، سیال‌بودن، و تقویت نوعی روابط و نظام کنش اجتماعی، به زمان و مکان غیر وابسته شده‌اند (پوررضا، ۱۳۹۲).

فضای مجازی و تعلیم و تربیت

دگرگونی‌های رخ داده در عرصه‌ی فضای مجازی، جوامع را دچار تغییرات اساسی کرده‌اند و نتیجه‌ی آن دگرگونی‌های عظیمی در آموزش و پرورش بوده است؛ شرایطی شکل گرفته که یادگیری هم در محیط خانه و هم در سایر محیط‌ها قابل کسب است. دانش‌آموزان باید یاد بگیرند چگونه در فضای مجازی و با ورود فناوری‌های جدید، رغبت به یادگیری داشته باشند (صیف و بیرانوند، ۱۳۸۸).

زندگی مجازی یعنی زندگی در عصر وایپر، لاین، واتساپ، اینستاگرام، مای اسپیس، تینک و دیگر شبکه‌های مجازی.

اگرچه هراس از ابتلا به بیماری کرونا یا ویروس کووید دغدغه‌ی فراموش‌نشده‌ی این روزهای خانواده‌هاست، اما حضور

فضای مجازی، به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی، نیاز است اشکال تعلیم و تربیت به‌طور جدی بازبینی شوند. انفجار اطلاعاتی و انقلاب رایانه‌ای و جهانی شدن از جمله مسائل قابل تأمل دنیای امروز هستند.

با توجه به شرایط قرنطینه و دوری دانش‌آموزان از فضای آموزش حضوری، و اجبار آموزگاران برای آموزش غیر حضوری، اهمیت این شبکه برای جریان تعلیم و تربیت حیاتی است. موضوع اصلی مادر پژوهش حاضر بررسی نقش فضای مجازی در عصر کنونی و هنگام درگیری با ویروس کروناست.

فضای مجازی

فضای مجازی را نخستین بار ویلیام گیمبسون، نویسنده‌ی کانادایی، در سال ۱۹۸۲ بررسی کرد و آن را فضایی تخیلی معرفی کرد که از اتصال رایانه‌ها پدید آمده است (ضرغامی، ۱۳۸۵).

فضای مجازی به معنای ارتباط انسان از طریق رایانه و ارتباط از راه دور، بدون توجه به جغرافیای فیزیکی است. فضای مجازی اصطلاحی برای توصیف طیف وسیعی از منابع اطلاعاتی از طریق شبکه‌های رایانه‌ای است که توسط داده‌های دیجیتال ارائه می‌شوند. فضای مجازی محیطی است که به‌واسطه‌ی نبود نشانه‌های فیزیکی، همه در آن بی‌جسم و گمنام و به‌طور محسوس کنترل‌ناپذیرند

منبع

۱. ذکایی، محمدسعید. خطیبی، فخره (۱۳۸۵). بررسی رابطه‌ی حضور در فضای مجازی و هویت مدرن در بین کاربران اینترنتی جوان ایرانی. فصلنامه‌ی مطالعات اجتماعی. شماره‌ی ۳۳.
۲. صیف، محمدحسن، بیرانوند، علی (۱۳۸۸). تأثیر فناوری اطلاعات بر نظام آموزشی مدارس. فصلنامه‌ی علوم و فناوری اطلاعات.
۳. شجاعی، محمدصادق (۱۳۸۷). بررسی روان‌شناسی و آسیب‌شناسی در تعامل با دین. شماره‌ی ۱.
۴. پوررضا کریم‌سرا، ناصر (۱۳۹۲). تأثیرپذیری تغییرات فرهنگی و سبک زندگی از فضای مجازی رسانه‌های نوین و فرهنگ. سال اول. شماره‌ی ۳.
۵. ضرغامی، عزت‌الله (۱۳۸۵). تعیین ارزیابی کیفیت خدمات شبکه‌ی مخابرات، اینترنت و ... میزان رضایت‌مندی شهروندان. پایان‌نامه‌ی ارشد مدیریت. ش ۱۸۰.

تحلیل محتوای کتاب‌های قرآن دوره‌ی ابتدایی

توجه به اصول دین، اخلاق و آداب اسلامی



ریحانه شریفی دارانی
دانشجوی دانشگاه فرهنگیان

هدف پژوهش حاضر تحلیل محتوای کتاب درسی قرآن شش پایه‌ی ابتدایی از نظر توجه به مباحث توحید، امامت، نبوت، معاد، اخلاق، احکام و آداب اسلامی سال ۱۳۹۹ تا ۱۴۰۰ است. پژوهش حاضر توصیفی و از نوع تحلیل محتواست. نتایج تحلیل محتوا نشان داد، بیشترین درصد توجه کتاب‌های درسی قرآن به مبحث توحید و کمترین درصد توجه به مبحث معاد مربوط است.

کلیدواژه‌ها: تحلیل محتوا، توحید، امامت، معاد، قرآن دوره‌ی ابتدایی

درواقع کتاب درسی مهم‌ترین منبع یادگیری دانش‌آموزان است. یونسکو (۲۰۰۵) معتقد است، کتاب‌های درسی و مواد یادگیری قابلیت انتقال دانش، ایجاد مهارت‌ها و شکل‌دهی به شیوه‌ی تعامل فراگیر با جهان را دارند. اهمیت کتاب درسی در این است که به قصد تعلیم و تربیت گروهی خاص طراحی و تولید می‌شود. بنابراین، در تألیف آن باید در معیارها متعهد بود (شعبان‌زاده، به نقل از والی‌زاده). بنابراین اهمیت موضوع، در انتخاب محتوای کتاب‌های درسی، اصول و معیارهایی مانند رابطه‌ی محتوا و هدف، محتوا و توان یادگیرندگان، محتوا و زمان، و محتوا و سودمندی مورد توجه قرار می‌گیرد (ملکی، ۱۳۸۴). روش تحلیل محتوای کتاب‌های درسی، روش تجزیه و تحلیل عناصر کتاب درسی و آگاهی از ارتباط بین

هنجارهای سرمایه‌ی اجتماعی، یعنی همبازی، مدارای اجتماعی، تقویت ارزش زندگی و حمایت اجتماعی مؤثرند.

عشرت پرپنچی (۱۳۹۷) در تحقیق خود با عنوان «ارتباط سبک زندگی اسلامی و تمدن اسلامی» نشان داد، بحث درباره‌ی سبک زندگی و آداب اسلامی در جامعه‌ی کنونی ما ضروری است. هر جامعه‌ای زمانی می‌تواند محصول و ثمره‌ی جهان‌بینی و ایدئولوژی خود را به دیگران نشان دهد که روش زندگی اجتماعی او با باورها و ارزش‌هایش متناسب باشد.

علی محمد قاسمی (۱۳۹۵) در تحقیق خود با عنوان «پیامدهای انکار معاد در قرآن» نشان داد، پس از توحید، بیشترین آیات قرآنی به موضوع «معاد» مربوط‌اند، زیرا ایمان به معاد ضامن اجرای قوانین الهی و زمینه‌ساز نیل آدمی به کمال‌نهایی و سعادت ابدی است.

محمد ایزدی تبار (۱۳۹۰) در تحقیق خود با عنوان «اثبات ضرورت نبوت از دیدگاه فیلسوفان» نشان داد، از مهم‌ترین و مؤثرترین اصول و ارکان استوار ادیان، نبوت و هدایت مستمر رسالت است.

رسول جعفریان (۱۳۸۵) در تحقیق خود با عنوان «جایگاه و اهمیت توحید و اخلاق در سیر دعوت رسول خدا (ص)» نشان داد با نگرشی به سیر دعوت رسول خدا (ص) و رهنمودهای قرآنی، می‌فهمیم که حضرت حق در این مسیر، ابتدا به توحید، سپس به اخلاق و پس از آن دو به احکام و فقه توجه دارد.

عناصر کتاب درسی است (محمدنوریان، ۱۳۹۵).

بنابر آنچه گفته شد، لازم است برای شناخت و استفاده‌ی بهتر از کتاب‌های درسی، به تحلیل و بررسی آن‌ها بپردازیم. یکی از این کتاب‌ها قرآن است که متناسب با هر پایه، محتوای خاصی دارد. برخی از مباحثی که بر آن تأکید شده، عبارت است از: توحید، نبوت، امامت، معاد، اخلاق اسلامی، احکام و آداب اسلامی.

بعد از بیان هدف کلی پژوهش، این سؤال مطرح می‌شود که کتاب‌های قرآن ابتدایی تا چه میزان توانسته است به این مباحث بپردازد؟

یافته‌های پژوهش

این پژوهش شامل تحلیل کمی کتاب‌های قرآن دوره‌ی ابتدایی بر اساس مباحث توحید، اخلاق اسلامی، نبوت، امامت، معاد، احکام و آداب اسلامی است. ابتدا مجموع فراوانی‌های به دست آمده براساس مؤلفه‌های یادشده از کتاب درسی نوشته شد و سپس با گرفتن میانگین، درصد هر مؤلفه به دست آمد.

نتایج به دست آمده از جدول توزیع مؤلفه‌های پژوهش در صفحه‌ی بعد نشان می‌دهد، بیشترین درصد مباحث قرآن‌های دوره‌ی ابتدایی مبحث توحید و کمترین آن‌ها مبحث معاد است.

* دانش‌آموزان با ورود به مدرسه، زندگی اجتماعی را به‌طور رسمی آغاز می‌کنند. آن‌ها در مدرسه تحت تعلیم و تربیت هستند و از آنجا که دانش‌آموزان مادر جامعه‌ی اسلامی زندگی می‌کنند، لازم است با مباحث مهمی که در زندگی آن‌ها نقش دارند، آشنا شوند.

سید محمدعلی شریعتی، مسعود جعفری‌نژاد، و احمد آذین (۱۳۹۸) در تحقیق خود با عنوان «نقش آموزه‌های امامت شیعه در تقویت هنجارهای سرمایه‌ی اجتماعی» نشان دادند، آموزه‌های امامت شیعه در گسترش مهم‌ترین مؤلفه‌های

مطابق با این پژوهش مشخص شد، همه‌ی این مباحث از اهمیت لازم برخوردار است و در زندگی دانش‌آموزان و شکل‌گیری شخصیتشان مؤثر است و به برخی از این مباحث توجه کمتری شده است. کتاب درسی به‌عنوان یک ابزار رایج آموزشی در کلاس درس، با فراهم کردن موقعیت‌های متفاوت و قرار دادن مطالب در دسترس فراگیرنده، به کسب تجربه‌ی بالا منجر می‌شود. با توجه به اهمیت این ابزار مهم آموزشی، بررسی و تحلیل محتوای آن نیز ضروری است (ابن علی چرمهینی، ۱۳۹۳).

نمونه‌ای از مؤلفه‌های پژوهش در قرآن دوره ابتدایی

مبحث	توحید	اخلاق	نبوت	امامت	احکام	آداب	معاد
اول	شعر صفحه‌ی ۱۹	آیه‌ی ۲۳ سوره‌ی اسرا	صفحه‌ی ۷۶ آیه‌ی ۲۹ سوره‌ی فتح	صفحه‌های ۶۶ و ۶۷. در مورد امام حسن (ع)	صفحه‌ی ۵۰، تصویر نمازخواندن	صفحه‌ی ۳۹، آداب قرآن خواندن	
دوم	قصه‌ی آیه‌ها، صفحه‌ی ۶۵	صفحه‌ی ۵۸	صفحه‌های ۵۴ و ۵۵، داستان حضرت ابراهیم (ع)	صفحه‌ی ۶۲، داستان در مورد امام علی (ع)	صفحه‌ی ۴۰ آیه‌ی ۱۴ سوره‌ی طه	صفحه‌ی ۵۱ تصویری از آداب قرآن خواندن	
سوم	صفحه‌ی ۵۷، الحمدلله رب العالمین	صفحه‌ی ۶۵، آیه‌ی ۴۰ سوره‌ی شوری	صفحه‌ی ۸۰ تا ۸۳ پیامبری حضرت موسی (ع)	صفحه‌ی ۱۱۶ تا ۱۱۹، داستان درباره‌ی امام علی (ع)	صفحه‌ی ۵ تا ۱۹ نماز خواندن	صفحه‌ی ۷۵، آداب قرآن خواندن	
چهارم	پیام قرآنی، صفحه‌ی ۹۰	پیام قرآنی، صفحه‌ی ۷۱	قصه‌ی آیه‌ها، صفحه‌ی ۷۷			صفحه‌ی ۶، آداب خواندن قرآن	پیام قرآنی، صفحه‌ی ۴
پنجم	قصه‌ی آیه‌ها، عزیز زنده می‌شود	پیام قرآنی، صفحه‌ی ۴۰	قصه‌ی آیه‌ها، داستان بشارت			پیام قرآنی صفحه‌ی ۲۲	
ششم	شعر سهراب سپهری	داستان صفحه‌ی ۹۶	قصه‌ی آیه‌ها، داستان مباحله‌ی پیامبر (ص)	صفحه‌ی ۸۵، تصویر روز عاشورا	صفحه‌ی ۵۵، نماز در قرآن	آداب خواندن قرآن	پیام قرآنی، صفحه‌ی ۴۱

توزیع مؤلفه‌های پژوهش در کتاب‌های قرآن دوره ابتدایی

قرآن	توحید	اخلاق	نبوت	امامت	احکام	آداب	معاد
اول	۹	۴	۵	۴	۱	۱	
درصد	۳۷/۵	۱۶/۶۶	۲۰/۸۳	۱۶/۶۶	۴/۱۶	۴/۱۶	
دوم	۱۳	۱۰	۸	۴	۲	۶	
درصد	۳۰/۲۳	۲۳/۲۵	۱۸/۶۰	۹/۳۰	۴/۶۵	۱۳/۹	
سوم	۳	۱۰	۶	۳	۱۲	۱	
درصد	۸/۵۷	۲۸/۵۷	۱۷/۱۴	۸/۵۷	۳۴/۲۸	۲/۸۵	
چهارم	۷	۵	۲			۱	
درصد	۴۳/۷۵	۳۱/۲۵	۱۲/۵			۶/۲۵	
پنجم	۵	۶	۱			۱	
درصد	۳۸/۴۶	۴۶/۱۵	۷/۶۹			۷/۶۹	
ششم	۱۲	۱۰	۲	۱	۶	۱	
درصد	۳۵/۲۹	۲۹/۴۱	۵/۸۸	۲/۹۴	۱۷/۶۴	۲/۹۴	
جمع	۴۹	۴۵	۲۴	۱۲	۲۱	۱۱	۳
میانگین	۲۹/۸۱	۲۷/۴۳	۱۴/۶۳	۷/۳۱	۱۲/۳۰	۶/۶۶	۱/۸۲

منابع

- کتاب‌های درسی قرآن دوره ابتدایی. اداره‌ی کل چاپ و توزیع کتاب‌های درسی. تهران.
- نوریان، محمد (۱۳۹۵). تحلیل کمی و کیفی محتوای کتاب‌های درسی. انتشارات شورا. تهران.
- محمد تقی شریعتمداری (۱۳۸۳). توحید از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه. نشریه‌ی سفینه. دوره‌ی ۱. شماره‌ی ۴.
- محمدصادق علیپور. حسن یوسفیان (۱۳۹۰). بررسی تطبیقی فلسفه‌ی امامت از منظر شیخ مفید، سیدمرتضی و شیخ طوسی. نشریه‌ی اندیشه‌ی نوین دینی. دوره‌ی ۷. شماره‌ی ۲۴.
- جعفریان، رسول (۱۳۸۵). جایگاه و اهمیت توحید و اخلاق در سیر دعوت رسول خدا (ص).
- ایزدی تبار، محمد (۱۳۹۰). اثبات ضرورت نبوت از دیدگاه فیلسوفان.
- علی محمد قاسمی (۱۳۹۵). پیامدهای انکار معاد در قرآن.
- سید محمد علی شریعتی. مسعود جعفری نژاد. احمد آذین (۱۳۹۸). نقش آموزه‌های امامت شیعه در تقویت هنجارهای سرمایه‌ی اجتماعی.
- عشرت پرینچی (۱۳۹۷). ارتباط سبک زندگی اسلامی و تمدن اسلامی. مجله‌ی رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی. شماره‌ی ۱۰۶.



مجید کاظمی / قزوین

تلاش و ضد تلاش

ماجرای آموزش بر خط دختر پایه‌ی اول

شروع سال تحصیلی ۹۹، شروعی شگفت‌انگیز، عجیب و سخت بود؛ شبیه داستان‌های تخیلی سینما و حکایت‌های افسانه‌ای کتاب‌ها. تجربه‌ای تازه که شرح سختی آن را همه می‌دانیم و با پوست و گوشت احساس کرده‌ایم. چقدر صبر کردیم تا دوران کرونا تمام شود و چقدر مراعات کردیم تا شاید موج بیماری فروکش کند! هرچه جلوتر رفتیم، ترس و نگرانی بیشتر شد؛ آنقدر که با شروع سال تحصیلی جدید، بسیاری از اولیا قصد کردند حتی فرزندشان را به مدرسه نفرستند. و البته پدر و مادرها آموزش مجازی و از راه دور را به کلاس حضوری ترجیح دادند.

در خانواده‌ی ما دخترم پایه اول ابتدایی را تجربه می‌کند. واقعا فکرش را نمی‌کردیم برای شروع تحصیلش وارد چنین برزخ و راه پراز سنگلاخی شود که خسته و گرفتار به دنبال راه چاره باشیم. قبل از شروع سال تحصیلی، بنده و همسر آماده شده بودیم دوران آموزش در فضای کرونایی را با سخت‌کوشی آغاز کنیم. همچنین، پدر بزرگ، مادر بزرگ، عمه خانم، خاله خانم، عمو و دایی را در کنارمان می‌دیدیم تا به محض گرفتاری در کارهای روزمره و شغلی از کمکشان استفاده کنیم و



محببتشان شامل حال فرزندمان شود. در روزهای آغازین مدرسه‌ها برنامه‌ای داشتیم تا ساعاتی که در منزل هستیم، خودمان به تعلیم و تربیت دخترمان بپردازیم و زمانی که امکان حضور خودمان در کنار فرزندمان نبود، از همکاری مادر بزرگ و عمه و خاله استفاده کنیم.

همه‌ی این برنامه‌ها را بگذارید کنار تلاش آموزگار گرامی و پیگیری‌های مدیر و معاون محترم مدرسه که در آن سو با جدیت و با برنامه‌های گوناگون، سعی در آموزش و تربیت داشتند. گاهی فیلم و گاهی صدایشان را منتشر می‌کردند و گاهی از ویدئوهای آموزشی بهره می‌گرفتند. پیگیری روزانه و هفتگی هم بماند که به جدیت ماکمک زیادی می‌کرد.

امارت‌رفته‌ها، با ادامه‌ی سال تحصیلی، تنها درس خواندن، تنها رقابت کردن، تنها املا نوشتن و تنها ارزیابی شدن کار دست همگی ماداد و دختر ماعلاقه و انگیزه‌اش کم و کمتر شد. تا آنجا که چشم باز کردیم و دیدیم هر نخی رشته‌ایم پنبه شده و هر زحمتی که کشیده‌ایم تا دختر عزیزمان مشتاقانه درس بخواند، اثر نگذاشته و فرزندمان مشتق نمی‌نویسد. روخوانی نمی‌کند. ریاضی حل نمی‌کند و سر جمع از ما می‌پرسد: «چرا باید درس بخوانم؟ من می‌خواهم بازی کنم.» و قص علی هذا... چرا باید به مدرسه و آموزگار علاقه‌مند باشم، وقتی ایشان (به زعم وی) سرسختانه امر به آموزش می‌کنند؟ چرا این قدر

درس خواندن سخت است؟

مگر نگفتیم...

روزها و ساعت‌هایی جلوی چشم ما آمد که با ناراحتی قلبی و زبانی به دخترمان می‌گفتیم: «درس خواندن باعث سوادآموزی تو می‌شود. درس خواندن باعث پیشرفت انسان می‌شود. درس خواندن این‌گونه است و درس نخواندن آن‌گونه! دخترم! درست را بخوان و تمام کن تا بتوانی تفریح کنی! چرا نمی‌نویسی؟ و چرا دل به درس خواندن نمی‌دهی؟ چرا یادت می‌رود؟ مگر دفعه‌ی قبل این نکته را به تو نگفته بودم؟ چرا درست یاد نمی‌گیری؟» داستان دخترم به سختی روی کاغذ حرکت می‌کرد. چشمانش سخت به صفحه‌ی گوشی دوخته می‌شد و ذهنش با تخیلاتش بیشتر همراه بود تا با تمرین‌ها. یک روز دیدم دخترم آنقدر مداد را محکم در دستش گرفته که حرف «الف» را به دشواری می‌نویسد. یادش دادم که مداد را به نرمی در دست بگیرد و آن وقت بود که الف را به خوبی نوشت. از آن زمان به بعد، خانواده دنبال راهکاری تازه و روشی نو رفتیم. کتاب می‌خواندیم تا راه‌حلی برای مشکلات روحی و آموزشی دخترمان پیدا کنیم. فضای مجازی را جست‌وجو می‌کردیم تا ویدئویی آموزشی یا نکته‌ای پرورشی پیدا کنیم و علاقه‌های فرزندمان را بیشتر کنیم. در آخر به این نتیجه رسیدیم که متأسفانه هر چقدر تلاش می‌کنیم،

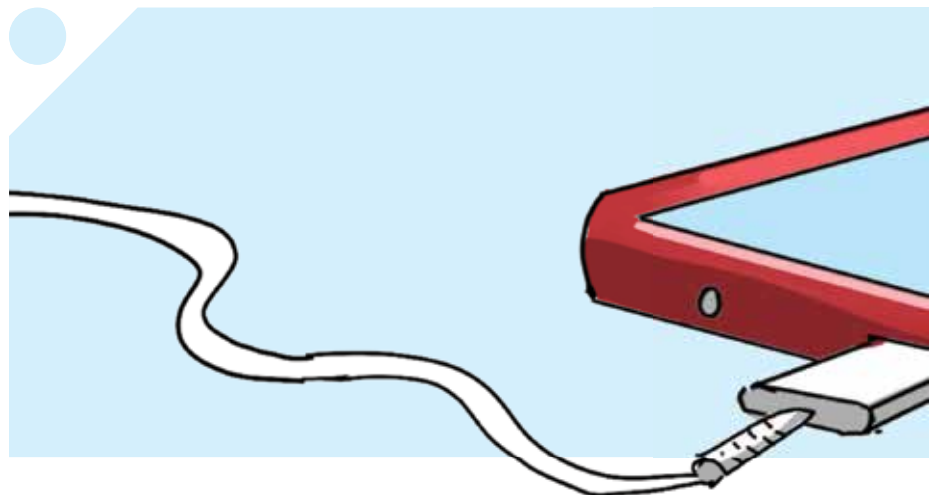
کمتر به دست می‌آوریم و هر چقدر بیشتر می‌خوانیم، کمتر نتیجه می‌گیریم. در آن شرایط تلاش‌های ما نتیجه‌ی چندانی نداشت و نگرانی ما و فشار برای آموزش، بیشتر می‌شد.

دغدغه‌ی ما بزرگتر و بزرگتر و زحمت‌های ما بیشتر و بیشتر شد. هر روز با یک مشاور و هر شب با یکی از فامیل و دوست و آشنا صحبت می‌کردیم. هر کسی یک راهکار داشت و هیچ کدام از راه‌ها ثمربخش نبود. متأسفانه هر ایده‌ای برای علاقه‌مند کردن دخترمان، بیشتر از چند روز جواب نمی‌داد! جدیت، تذکر و مثال‌های توأمان، هیچ یک کارگر نیفتاد.

رهایش کنید

روزی در محل کار در جمع چند نفری از همکاران صمیمی، مشکلم را بیان کردم. یکی از همکاران باتجربه و البته جوان، با جدیت گفت: «رهایش کنید تا همه چیز درست شود.» تعجب کردم. پرسیدم: اگر رهایش کنم، پس جواب معلمش را چه بدهم؟ این دوست عزیز پاسخ داد: جوابگویی را به خود دخترتان بسپارید. به او بگویید اگر در سه‌هایش را نوشت، به معلم عزیزش توضیح دهد، اگر کاری را انجام نداد، خودش جوابگو باشد. اجبارش نکنید. و اگر گذارش کنید.

باور نمی‌کردیم این رهایی و پیگیری نکردن و سواس مانند این قدر تأثیر داشته باشد. باور نمی‌کردیم دخترمان این قدر استقبال کند و این قدر در گرفتن رضایت آموزگار خویش کوشا و مسئولیت‌پذیر باشد. هر چند این کوشش به یکباره اتفاق نیفتاد، ولی شاهد بودیم که رفته‌رفته علاقه‌اش بیشتر شد و همتی برای درس خواندن در او به وجود آمد. آن جدیت که ما آرزو داشتیم، در وجودش شکوفا و رفته‌رفته نگرانی‌های ما کم شد. هر چند صادقانه باید بگوییم، این گفته‌ها، همه‌ی مشکلات را شامل نمی‌شد، ولی گوشه‌ای از تمرین پدر و مادر و آموزگاری بود که می‌خواستند علاقه و اشتیاق واقعی در دانش‌آموز کلاس اول ابتدایی به وجود بیاورند.





نظرسنجی

نظرسنجی از آموزگاران و مخاطبان درباره‌ی محتوای مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی دوره‌ی ۲۴

ردیف	موضوع	ملاک				میزان هماهنگی مطلب با نیازهای حرفه‌ای شما				میزان تازگی مطلب برای شما				پیشنهاد
		بسیار زیاد	زیاد	کم	بسیار کم	بسیار زیاد	زیاد	کم	بسیار کم	بسیار زیاد	زیاد	کم	بسیار کم	
۱	یادداشت سردبیر													
۲	گفت‌وگو و گزارش													
۳	خانه مدرسه													
۴	آموزش علوم													
۵	آموزش جغرافیا													
۶	آموزش تاریخ													
۷	آموزش ریاضی													
۸	آموزش زبان آموزی													
۹	آموزش تربیت بدنی													
۱۰	تجربه‌ی کلاسی													
۱۱	عکس و حرف													
۱۲	طنز و سرگرمی													
۱۳	فناوری													
۱۴	نمای نزدیک													
۱۵	صفحات جلد													
۱۶	آموزش مجازی													

مهلت ارسال پاسخ: ۱۰ مرداد ۱۴۰۰

همکار گرامی!
با سلام، مجله‌ی «رشد آموزش ابتدایی» برای آگاهی از میزان هماهنگی مطالب ارائه‌شده در مجله با علاقه‌ها، توانایی‌ها، نیازهای حرفه‌ای و تازگی آن‌ها برای آموزگاران اقدام به نظرسنجی کرده است تا نتایج را در دوره‌ی بعد و برای کیفیت‌بخشی به محتوا، به کار ببرد. در صورت نیاز می‌توانید توضیحات، دلایل و پیشنهادها را دیگر خود را به شکل مشروح بنویسید و بفرستید.

به پاسخ‌دهندگان این نظرسنجی، همچون دیگر همکاران شرکت‌کننده در مسابقه‌ی مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی؛ تقدیرنامه و هدیه تقدیم خواهد شد.

روزی مبارک



اعظم لاریجانی



این روز مبارک است؛ از این رو که:
 با تو سفر یادگیری را آغاز کرده‌ام.
 با تو پرسیدن را آموخته‌ام.
 با تو توانسته‌ام در حد توانم باشم.
 با تو راغب شده‌ام خودم پاسخ را بیابم.
 با تو به چالش کشیده شده‌ام.
 با تو چشمانم به جهانی باز شده است
 که آن را می‌دیدم، اما نمی‌شناختم.
 از اشتیاق تو به آموختن ذره‌ای کم نشد،
 حتی زمانی که علاقه‌ای به یادگیری
 نشان نمی‌دادم.

دستانت مرا راهی کرد، چشمانت بدرقه‌ام کرد
 و تک‌تک واژه‌هایت توشه‌ی راهم شد.
 در این سفر، هر چه ببینم تو دیده‌ای،
 هر چه بشنوم، تو شنیده‌ای،
 و هر چه بشوم، تو شده‌ای.



سیده آمنه میرعلوی، آموزگار دبستان حضرت معصومه (س) از منطقه‌ی ۱۷ تهران، ۹ سال سابقه‌ی تدریس دارد. مهارت او در ساخت وسایل کمک آموزشی از مواد دم‌دستی و دورریز است. ساخت فیلم آموزشی و تدریس خلاق در فضای مجازی را دوست دارد.



الینا حسینی یکی از دانش‌آموزان پایه‌ی سوم خانم میرعلوی، با راهنمایی او از طریق شبکه‌ی شاد، برای آشنایی و درک بهتر مفهوم ضرب، وسیله‌ای ساخته و ارسال کرده است.

معلم کو ہر نابالی ست درخیزینہ خنک
کہ می بخشد بر چشمان بشیر شوق تماشا

دیباچہ
معلم سے از پر و از آرا با بندگی کج کوششی

ہمانند پدھر سے ہمیں مادی مادہ سے تلام
تسارت کی کنج تیرا تیرین گلہا می بد

ہر آن فرشتے تیرے و سلوک سے ہمارا

آموزگار کی اہمیت اور اس کا کردار

معلم کر کے بزرگی سے درسا ہے
خوش آندک کہ بوسیدہ ست ابرق مضافا

تخلک و تہمت سوری

تو است ما بخت بودی و آموزگار ہر
کہ زدی تامل را ماہ این کشت کردید

موسا ز جوادان

بزرگ کا عمل کو عمل سے لے کر
چکوڑا اور دم در معشیرا میں مضمون والا

توسا ز جوادان